



امروز



ارادت مازنی هابه امام حسین (ع)

ماهنامه شماره دوازدهم - آبان ۱۳۹۲ - ۱۵۰۰۰ ریال

چشمان هراز،
هنوز پر از رویاست

محصولات کشاورزی مازندان آلوده است!

بفرمایید سم!

داشته هایمان را برای روز مازندان برشمردیم

امه بوم و بر مازرون

در گفتگو با:
محمد عظیمی
علی حسن نژاد
نویا ابراهیمی
و...



گفتگو با جمال محمدی
امروز، موسیقی اقوام
جواب می دهد

علی حسن نژاد:
هنوز مکانی برای
پژوهش نداریم



متولیان شاه رضایی:
دلم می خواهد
منابع کتابخانه
به روزتر باشد



بشنگخی سالاردره

جایی قدم بگذارید
که شایسته شماست



ساری: بلوار کشاورز، کیلومتر ۱۲ جاده ساری - سمنان، روبروی صنایع چوب و کاغذ مازندان
تلفن: ۰۱۵۱ - ۳۸۸۲۱۰۱ - ۷ نمابر: ۰۱۵۱ - ۳۸۸۲۱۰۸

www.salardarehhotel.com

فروشگاه ورزشی

ایرانیک

IRANIAN SPORT SHOP

با اقساط بلند مدت

عرضه کننده مدرنترین تجهیزات ورزشی
(خانگی و باشگاهی)

مرکز خرید و فروش تردمیل ، دوچرخه ثابت ، مبل ماساژ ، تن تاک

سخایی ۰۹۱۱۱۱۷۸۰۹۷

فروش کلیه محصولات ورزشی
و پزشکی با اقساط بلند مدت
بدون ضامن بانکی



www.silverapple.com

شمیم مهرمان جاریست

طرح شمیم مهر

امتیازی ویژه برای سپرده گذاران بانک مهر اقتصاد

تا حالا یک هفته ای تسهیلات گرفته اید؟!؟

- سپرده گذاری کنید
- بالاترین سود را دریافت کنید
- از محل اعتبار سپرده خود حداکثر به میزان ۱۰۰٪ تسهیلات بگیرید
- امتیاز خود را به اعضای خانواده واگذار کنید

بانک مهر اقتصاد

مشتری گرامی : کارشناسان امین و متخصص ما
در ۸۰۰ شعبه پذیرای شما هستند.

معاونت بهداشت، درمان و توانبخشی



بیمیت بلال اعر
استان مازندران

توانبخشی مرکز جامع

- طراحی و ساخت انواع دست و پا مصنوعی
- انواع بریس، کفی و کفش طبی، کمر بند طبی، کولار گردنی
- فیزیوتراپی بیماری های ستون فقرات، ارتوپدی، سکته مغزی و ...
- با جدیدترین دستگاه های الکتروتراپی، لیزر درمانی و مکانوتراپی
- کار درمانی - گفتار درمانی



فکس: ۰۱۲۳-۲۲۷۹۱۵۰ | ۰۱۲۳-۲۲۷۹۱۴۷-۴۹

قائم شهر، خیابان تهران، مرکز جامع توانبخشی

فهرست

- ۳ ارادت مازنی ها به امام حسین (ع)
- ۴ سفر به پنجره های مه آلود
- ۵ پاییز هیچ از بهار کم ندارد
- ۶ نارنجی، زردهایی که گردشگر می پرانند!
- ۸ امه بوم و بر مازرون!
- ۱۵ اول سلامتی خودم رو از خدا می خوام
- ۱۶ دلم می خواد منابع کتابخانه به روز تر باشد
- ۲۲ بفرمایید سم!
- ۲۴ چشمان هراز، هنوز پر از رویاست
- ۲۶ زندگی پر چالش در ساری
- ۳۳ حال تئاتر شهرمان خوب نیست!

جناب آقای مهندس فرزانه

مدیر کل محترم میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مازندران
چهل روز از غم انگیز ترین روز زندگی تان گذشت؛ در سوگ درگذشت
عزیزتان گریستیم و برای آن جوان ناکام آرامش و آمرزش و برای شما و
خانواده داغدارتان، شکیبایی آرزو کردیم باشد که صبر بر داغ مصیبت تان
پیشی بگیرد. ان شالله

جناب آقای حجازی

مدیر عامل محترم سازمان همیاری شهرداری های مازندران
مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و برای آن عزیز آمرزش و برای
بازماندگان شکیبایی آرزومندیم.

زهره اسلامی



www.armon-m.ir

شماره ۱۲-آبان ۹۲

«ارمون» در گویش مازندرانی به معنای آرزوست

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: زهره اسلامی
سردبیر: علی سینا رویگریان
تحریریه: تهیمینه اسدی امیری، لیلا مشفق، کوروش غفاری چراتی، حسینبرزگر
ولیکچالی، رقیه توسلی، رضا رضایی سوادکوهی، حسین احمدی، ثریا عبداله‌اشم‌پور،
علی سروی، علیرضا سعیدی کیاسری، محمد حسین ملایی کندلوسی، پروانه آقاجانی
شیروانی، سپیده پورشعبان، علیرضا ولی زاده، رضا شریعتی وزینب طالبی
با سپاس از دکتر رمضان بخشیان

صفحه آرایی: سیدروح الله شجاعی
عکس: نوشین فولادی راد
امور اجرایی: امیررضا اسلامی
امور فنی و چاپ: چاپ افست تکتم

نشانی دفتر مرکزی:

ساری - خیابان مازیار - بعد از کوچه مازیار ۸ جنب بیمه دانا ساختمان پیشدایان واحد اول
تلفن: ۰۱۵۱۲۲۱۳۰۷۴-۲۲۲۷۶۰۰

نمایندگی های مجله ارمون در استان مازندران

بابل: خیابان طالقانی - مجتمع امیر - طبقه سوم واحد ۱۲۸ تلفن: ۰۱۱۱۲۲۰۷۰۶۲

مجید عرب فیروزجایی - پروانه آقاجانی شیروانی

نوشهر: خیابان خاقانی - ساختمان لواسانی - طبقه سوم تلفن: ۰۱۹۱۳۲۳۷۹۷۹

سپیده پورشعبان، محمد حسین مولایی کندلوسی تلفن: ۰۹۱۱۷۸۹۸۴۲۸

جویبار: سمیه ابوالحسنی و سمیه کریمی تلفن: ۰۹۱۱۹۵۲۸۵۵۹ و ۰۹۱۱۲۲۴۶۴۷۶

رامسر: روبروی بیمارستان امام سجاده (ع)، محمد رضا بهرامی تلفن: ۰۹۳۶۸۶۲۳۱۱

آمل: الناز پاک نیا تلفن تماس: ۰۹۳۵۶۰۶۳۳۲۱



تنها یک آرزو

وقتی ارمون به دست شما می رسد که آبان؛ ماه دوم پاییز از نیمه گذشته است. دلمان می خواهد زود به زود و سر وقت مجله را به چاپ برسانیم و شریک خاطره ها و دغدغه های شما شویم؛ اما روزگار بدچوری دارد سخت می گیرد. ما به پشتوانه ی حضور و دلگرمی شما مردم خوب مازندران، امیدواریم برای ماندن و ادامه دادن.

راستی؛ تاسوعا و عاشورای محرم امسال را چطور گذراندید؟ توی محله خودتان بودید یا برای رسیدن و به تماشا نشستن آیینی و رسمی از مردم این کهن دیار، رنج سفر بر خود هموار کردید و از خانه و کاشانه دور شدید و درجایی دیگر دل به عزای سرور شهیدان سپردید؟ سبک شدید؟ بار غم یک ساله تان را از روی شانه ها بر زمین گذاشتید و با تداعی غم زینب(ع)، غم های خودتان را از یاد بردید؟ یادتان هست چند بار و برای کدامیک از حاجاتتان نذر کردید؟ وقتی غذایی نذری به دست تان رسید؟

خیمه ها، دسته ها، کاروان ها، علم ها و کتل ها، پرچم های سیاه عزا، چشم های گریان، ماتم، سوگ و ... از خود بی خودتان کرد؟

خوش به روزگارتان اگر اینچنین از خود بی خود شدید و دلتان لرزید و غم هایتان از خاطر پاک شد. برای همه ی روزگارتان "آزادگی" آرزو می کنم. وقتی "آزاده" بودید یادتان نرود برای همه ی انسان های در بند دعا کنید شاید دعای شما مستجاب شود و عالم را سراسر، آزادگان تسخیر کنند...

زهرا اسلامی

مدیر مسئول



آیین های عاشورایی استان ارادت مازنی ها به امام حسین(ع)

هاشم پور



زنده ماندن فرهنگ یک قوم که تاکنون به طور شفاهی عناصرش را سینه به سینه حفظ کرده بود و به دلیل گذر زمان، فراموشی انسان، آمد و رفت فرهنگ های مختلف و از همه مهم تر تاثیرگذاری ذاتی عناصر فرهنگی بر یکدیگر، دگرگونی های زیادی را از سر گذرانده بود و بیم نابودی آن همیشه برای علاقمندان به سرزمین مادری وجود داشته و دارد، شاید نخستین انگیزه تمام این تلاش ها در روزهای پرالتهایی بود که فرهنگ؛ به طور حتم، جزو اولویت ها نبود. ثبت آیین های عاشورایی مازندران فرصتی را رقم زد تا با برنامه ریزی بر روی این رویدادهای فرهنگی و اشاعه آن به عنوان جاذبه ای فرهنگی، در کنار دیگر جذابیت های استان، سرمایه گذاری نمود؛ رویدادهایی که می تواند برای استان و کشور فرصت بسازد.

«کرب زنی» در مازندران

یکی از شیوه های عزاداری شیعیان ایرانی، خاصه اقوام ساکن در استان های شمالی: مازندران و گیلان



■ مراسم عزاداری روز عاشورا در روستای جام خانه

آماده ی فدا نمودن وجود خویش به درگاه آن امام شهید هستند.

فراما زنون

یکی از شیوه های عزاداری در ایام دهه ی محرم در مازندران، طعام دهی در شهرستان میباندرد؛ شهر سورک، یک سنت دیرین و کهن است که نسل به نسل بصورت سینه به سینه، پدران به فرزندان خود وصیت می کنند که در این روز، تمامی ساکنان این شهر، با هزینه شخصی، یا توجه به توان مالی، از عزاداران حسینی که از اقصی نقاط استان جهت انجام سوگواری امام حسین(ع) به این شهر می آیند، برای صرف نهار به منزل خود دعوت کرده و پذیرایی کنند. در این روز (عاشورا) درب تمامی خانه های این شهر باز است و هرکسی می تواند به میل خود به هر خانه ای وارد شود. اهالی این منطقه، معتقدند؛ سفره آن روز، مخصوص آقا امام حسین(ع) می باشد و تمامی اهالی این شهر، خدمتگزار آن امام همام هستند. این کار، به مرور، به «سور» معروف شد و شهر «سورک» به معنی شهری که «سور» می دهد شناخته شده است. این روش پیسنده، هنوز هم هر ساله ادامه دارد، به طوری که در سال های اخیر در روز عاشورا، اهالی محل به جمعیتی در حدود ۵۰ تا ۷۰ هزار نفر نهار می دهند.

«منبرکشی» در ساری

مراسم منبرکشی، از جمله مراسم ایام محرم است که در محله های قدیمی شهرستان ساری اجرا می شود. کسانی که خادمین منبر هستند و نسل به نسل منبر را نگهداری می کنند، چند روز قبل از اجرای مراسم، منبر را بیرون آورده و یک پارچه سبز بر روی آن می اندازند و از اذان صبح، خادمین منبر، در روز تاسوعا، مشغول پخت برنج نذری می شوند که این برنج به عنوان تبرک، به عزاداران داده می شود. دسته عزاداران، خصوصاً گروه زنان، به پای منبرها رفته و به منبر که می رسند، با ذکر صلوات از زیر منبر رد می شوند و پارچه ی سبزی به عنوان دخیل برای ادای نذرشان به منبر گره می زنند و شمعی را داخل تشت پر از گل که بر روی منبر قرار دارد، روشن می کنند. آن گاه، اگر نذری داشته باشند،



حضرت علی اصغر، با پارچه سبز تزئین کرده و دسته ای از کودکان، به همراه گهواره در سطح روستا با نوحه خوانی و زنجیر زنی به راه می افتند. خانواده هایی که فرزند بیمار دارند، کودک را به نیت شفا، درون این گهواره می خوابانند. بانوانی که در انتظار فرزند هستند، به نیت بارور شدن برای این گهواره نذر می کنند و بر گهواره دخیل می بندد تا نذرشان ادا شود. اکثریت کودکان دسته عزادار گهواره را کودکانی تشکیل می دهند که والدین شان در سال های قبل به همین گهواره نذر کرده اند.

علم گردانی

آیین «علم گردانی» از معدود آیین هایی است که از گذشته های دور باقی مانده است و هرساله توسط بومیان منطقه به گونه ای خاص اجرا می شود و در واقع اعمال تکرار پذیری است که با پشتوانه باور و اعتقادشان، هم اکنون هر ساله برگزار می شود.

بر اساس شواهد تاریخی، مردم منطقه «علم گردانی» را در عزاداری محرم، نمادی از قدرت، عظمت و شجاعت حضرت ابوالفضل العباس(ع) که در جنگ با یزیدیان موجب امیدواری یاران امام حسین(ع) و ترس دشمنان می شد، می دانند اما از زمان دقیق برگزاری این آیین در روستای «زرنه دین سفلی» شهرستان نکاء، خاستگاه این آیین کهن و معنی و مفهوم نمادین آن و پیشینه این رسم در دسته های عزا، اطلاع درست و روشنی ندارند و بیشتر آنان حمل علم را رسمی قدیم و بازمانده از رسوم نیاکان می پندارند و معتقدند؛ چون پدران و اجدادشان در سوگواره های شهیدان دینی، شبیه و شمایل و علم های آنان را می ساختند و با دسته های عزا می گردانند، آنان نیز آداب و رفتار نیاکان شان را تقلید و تکرار می کنند و توجیه مردم منطقه، توجیهی کلی و بر اساسی شنیده ها و گفته هایی است که سینه به سینه از گذشتگان به آیندگان رسیده است و حکایت از ارادت خالصانه به ائمه اطهار دارد.

▼ مراسم منبر و علم کشی در ساری





چهار دانگه و فریدونکنار و، در یک سفر امکان پذیر نباشد و بدون شک حس کنجکاوی تان، شما را وادار به برنامه ریزی برای سفر بعدی کند.

پاییز هیچ از بهار کم ندارد

گردشگری پاییزی مازندران؛

پنهان زیر برگ های هزار رنگ

نام مازندران، دیگر برای همه ی مردم ایران، به خصوص سفر دوستان بسیار آشناست. یک مقصد نزدیک به پایتخت که سر زدن به آن، نه وقت زیادی می خواهد، نه هزینه ز یاد. کافی است یک پنجشنبه؛ تصمیم بگیر ی که شب را در هوای پاک و دل طبیعت بکر بخوابید. اگر چه اکثر مسافران، بهترین فرصت سفر به مازندران را زمان آغازین فصل سال و تابستان می دانند اما فقط یکبار تجربه سفر در فصل پاییز و دیدن مناظر بدیع آن، وقتی طبیعت با رنگ های بی شمارش، به کمال می رسد، چنان خاطره ای در ذهن حک می کند که بدون تردید سال آینده، منتظر فصل پاییز می مانید، تا یک بار دیگر با جادوی طبیعت تجدید خاطره کنید. برای اثبات

این ادعا، شواهد بسیاری در مازندران از غرب تا شرق اش وجود دارد که برای دیدن اش باید از طریق جاده پر پیچ و خم، با چشم اندازهای کوه و دشت حرکت کنید. بخش هایی از جنگل های جلگه ای و هیرکانی، بخشی از جذابیت های جاده ای مازندران است که با قدم زدن در آن، می توان معنای واقعی پاییز را فهمید .



ثریا عبدالهاشم پور

عکس یادگاری یادتان نرود!

اگر گفت و شنوهای دوستانه با همسفران تان که البته بخش قابل توجهی از خاطرات آن روز را می سازد، ما را از جذابیت های اطراف محروم نکند، در ادامه مسیر؛ اقیانوسی از ابر، رنگین کمانی از رنگ در کوه و دشت، چین و شکن های مسیر پیچ در پیچ رودخانه های متعدد دائمی و فصلی و جنگل های طلاجیه که بخشی از کوه های الپی ایران هم به شمار می آید، از

جمله زیبایی های بصری است که می تواند در پس زمینه عکس های یادگاری، قاب شود. البته همه این ها تنها بخشی از گردشگری پاییزی است که می تواند تجربه متفاوتی از سفر به مازندران را برایتان رقم بزند. شاید این روزها که حرف و حدیث گردشگری و رشد صنعت توریسم، گرم است و تقریبا نقل محافل شده، شما هم با رشته های مختلف و شاخه های متنوع گردشگری، حتی در حد عنوان هم آشنا شده باشید.

یکی از این شاخه ها؛ طبیعت گردی یا اکوتوریسم است. سفر به طبیعت و احترام به محیط زیست؛ هنری که در فطرت زیبا دوست خلقت بشری وجود دارد. قدم زدن در طبیعت بکر که رنگ هایش هر روز، درسی نو از مباحث فلسفی تا انسان شناسی را برایتان ارایه می کند تا هر کسی از ظن خویش رازی از خلقت

شکار مجاز

گردشگری همراه با شکار مجاز که از اول مهر شروع می شود و تا اول اسفند هم ادامه دارد، اگر چه فقط با کسب مجوز از محیط زیست اما کن پذیر است اما با خرید پکیج های تور گردشگری شکار در یک فضای مفرح، به همراه راهنما و شکارچی زبده، یکی از شیوه های معیشتی ابا و اجدادیمان را تجربه خواهید کرد.اگر به این مجموعه؛ بازدید از تالاب های مازندران، چون؛ تالاب بین المللی میانکاله، آمل و محمود آباد و تماشای انواع مختلفی از پرندگان را اضافه کنیم، شاید فرصت دیدن اکوسیستم های متنوع، مثل؛ جنگل های پهن برگ هیرکانی و نواحی استپی رشته کوه البرز، مناطق حفاظت شده، پناهگاه حیات وحش سمسکنده، دشت ناز، دو دانگه و



سفر به لاویج

به پنجره های مه آلود



رقیه توسلی

دارد. اینجا هوا، هوای دوست داشتن و خوشبخت بودن است. انبوهی از مسافران که در میانه راه آتش روشن کرده اند و بساط خوردنی هایشان به راه است، مثل ما کاملاً غرق این بی کرانگی و طراوتند. محو این بهشت رنگارنگی که روبرویشان گسترده شده است.

گاهی از لابه لای علفزارها صدایی برمی خیزد و دقایقی بعد کله سیاهی پیدایش می شود. گاوی می چرد و علف می خورد و چندتایشان هم وسط جاده، ما ما کتان، دم هایشان را تکان می دهند.

بلبلان هم که روی شاخه سارها، نت های بی نقص شان را می نوازند، دیگر لاویج، سرزمین قطعه های شاد یک آلبوم موسیقی خواهد بود.

دهستان لاویج از روستاهایی چون؛ کرچی، دیزین کلا، رئیس کلا، بهبنک، ملامحله، سادات محله، ملا کلا، خطیب کلا و کیاکلا تشکیل شده است که دیزین کلا و کیاکلا،

خوشبخت تر از مسافری که به پاییز برگ ریز لاویج می رود، مسافری سراغ ندارم. آن که به نارنجی ترین و طلایی ترین درختان بلند بالای "کشپل چمستان نور" سفر می کند تا چشم هایش هوایی تازه بخوردند.

آن که می رود تا همراه باد و رود، آواز بخواند و سرزمین سبزترین پیچک ها و زیباترین ایرها را از نزدیک ببیند و اجازه دهدروحش، با رویایی ترین تصاویر دنیا، خلوت کند.

لاویج یکی از دهستانهای چمستان نور مازندران در دامنه سلسله جبال البرز می باشد. دهستانی ییلاقی که در جنوب چمستان، میان دره های جنگلی و زیبای البرز واقع شده است. جاده چمستان به لاویج از میان "پارک جنگلی کشپل" می گذرد و من زیباتر از این جاده جنگلی که می خواهد در یک روز پاییزی پای کسی رابه "لاویج" باز کند، سراغ ندارم. پارک جنگلی که با سرسره و تاب و قطار و آلاچیق و تخته سنگ های رنگی بزرگ، لبخندزنان آمدن هر گردشگری را خوشامد می گوید.

اینجا بوی دود و کباب می دهد. بوی غذاهای معطری که طعم سفر را، خاطره انگیزتر می سازند. بوی چای و آش و خنده های از ته دل.

در هوای نم آلود و برگ ریز پارک کشپل که هر لحظه درختانش روی سرت، برگ شادی می پاشند، قدم زدن حال دیگری دارد... اینجا پاییز، با تو قدم می زند.

انگار این جاده جنگلی بی مانند، هر لحظه بیشتر در چشم هایت درخت می کارد و می گذارد جهان لاویج کاملاً تسخیرت کند.

جاده که می پیچد و بالا می رود، بوی هوای باران خورده پاییز با لوبیای داغ مخلوط می شود و نگاهت از کندوهای زرد و آبی پر می گردد. از شیشه های سرخ و طلایی عسل این منطقه که دستان خریدت را شل می کنند.

انگار هر لحظه این سفر، مثل شعری لطیف و فراموش نشدنی ست. تپه ها و بیشه زار هایش فراموش ناشدنی ست. روبرویت پر از کوه های جنگلی است. جنگلی از رنگ

های نارنجی و قرمز و زرد که در پس زمینه ایی سبز، رها شده اند و آنطرف مه ایی نرم روی پوشش کوه نشستہ است. روی سر دره ایی که در پایین دستش، خانه های روستائیان دانه دانه پیدامی شود.

خورشید لاویج در میان ابرها می لغزد و نورافشانی اندکی



آب گرم لاویج یکی از ده ها جاذبه منطقه است جایی که نمی شود در فصل پاییز به راحتی از خیرش بگذری

پرحمیت ترین روستاهای این دهستان می باشند. جاده جنگلی که تمام می شود، آرام آرام اولین روستا زیر نم نیم باران، رخ نشان می دهد. سرایشی تپه ها، از گوسفندان نقاشی شده و چشم اندازهای بکرواز آرامش و سادگی، پراست.



باران می بارد. روح وجان از این همه طراوت، مسرور است. ازدیدن گله ی غازهایی که در جاده رژه می روند و اردک های سیاه و سفیدی که در چاله های آب، حمام می کنند، ازدیدن مرغ های قیراق و سرحالی که به هر سو می دوند و تخم مرغ های خوش رنگ در مرغانی ها به جا می گذارند.

اینجا لاویج زیاست

دیدن مرد داس به دست و پیرزنی که به آسانی سربالایی های تند روستا را پشت سر می گذارد و دیدن جنگل مه آلود در دور دست ها و زالزالک ها، بنفشه ها، گزنه ها و پونه ها، حال بد آدم را خوب می کند.

رفتن به چمنزارهای بارانی این دیار و گفتگو با لاویجی های مهربانی که از نان های خانگی شان تعارف می کنند، حال ناخوب آدم را خوب می کند. ایستادن روی ایوان خانه ایی در روستا و دیدن مه صبحگاهی لاویج که بر کوه های جنگلی پیش رویت پهن شده است، حالت را خوش می کند.

اینجا چشم ها در بازار سنتی، میان مرباها و ترشی های رنگارنگ و نم نم باران غلت می زند و مدام میان دره و کوه و جنگل و آشامی چرخد.

اما ای کاش این همه ویلای سنگی وسیمانی به طبیعت زیبا و بکر لاویج اضافه نمی شد و سهم روستائیان و مسافران را از این سرزمین رویایی کم نمی کرد.

کاش می گذاشتیم لاویج، برای لاویجی ها بماند و تنها از میهمان نوازی اش لذت می بردیم ... اما حیف که ما آدم ها همیشه بیشتر می خواهیم.

اگر بیایی و یک شب را مسافر این منطقه باشی و از لبنیات این دهستان تناول کنی، می فهمی که مزه ماست و شیر و دوغ و کره واقعی، چقدر دلچسب است. مزه ایی که شاید تا همیشه زیر دندانت باقی بماند.

از دیرباز شغل مردم این منطقه حول محور دامداری، زنبورداری و کشاورزی می چرخد و اهالی سخت کوش و خونگرم این سرزمین می گویند به خاطر چمن زارها و گیاهان انبوه این ناحیه، پرورش زنبور عسل رایج است و عسل لاویج از سوغاتی های این خطه به حساب می آید.

اگر مسافری شوی که حتی شبی را در لاویج سر کند، باور کن با عطر جنگل و آوای باد و رودش، همراه می شوی و با کوچه های روستایی اش الفت برقرار می کنی. در سربالایی هایش به نفس نفس می افتی و به آب و هوا و چشم اندازهای واقعا تکرار نشدنی اش دل می سپاری.

نمی شود در پاییز، مسافر لاویج باشی و از آبگرم معدنی این دهستان چیزی نگویی. از آبگرم این منطقه که به خاطر املاح معدنی و گوگرد دارش، درمان امراض پوستی و درد های مفاصل محسوب می شود و طرفداران بسیاری دارد.

اینجا که به آبگرم بروی و بعد در محل اقامت، چای حسابی که دم کنی و با عسل لاویج، دهانت را شیرین بسازی و روی بالکن به تصویر مه ایی غلتان خیره شوی؛ آیا می توانی از خوشبختی مسافر، تعریف دیگری داشته باشی؟

فکر می کنم گاهی باید روزمره را پشت سر گذاشت و برای یک شب و روز کوتاه هم که شده، دل را به فراخی این سرزمین پر از باران و مه سپرد. رفت تا آنجایی که درختان و پرندہ ها باهم دوستی می کنند و خورشید تا عصر روی سر شاخ و برگ ها، دست نوازش می کشد. رفت تا لاویجی که در پاییزش، گاهی با چند دست لباس گرم هم، نتوان گرم شد و بوی مه گرفت.

گاهی باید در برابر این همه آفرینش فقط سر بر مهر گذاشت و هزاران بار "الحمدالله رب العالمین" گفت. گاهی باید واقعا مجال تازه شدن را از خود دریغ نکرد.



نارنجی، زردهایی که گردشگر می پرانند!

وقتی حرف از گردشگری به میان می آید، یعنی؛ پدیده ای که اقتصادی شدنش منوط به رشد و رونق همه ی موارد توسعه، از اقتصادی گرفته تا سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. آموزش نکته ای است که به قول کارشناسان اگر به آن پرداخته نشود، حتی با توسعه شاخص های فوق نمی توان به اقتصادی بودن آن امیدوار بود. آن ها معتقدند؛ گردشگری یعنی؛ رضایت طیف وسیعی از مردم با فرهنگ و عقاید مختلف و با هنجارها و ارزش های خاص، استفاده از فرصت ها برای جذب مشتری و کسب در آمد بیشتر است و شیوه هایی دارد که باید آموزش داده شود؛ نکاتی ریز و درشت از نحوه برقراری ارتباط تا روش ارائه خدمات در تاسیسات گردشگری، مثل؛ هتل ها و مجتمع های چند ستاره که بسیار حیاتی است. آموزش های گردشگری در زمینه مهارت های حرفه ای و ارائه خدمات در تاسیسات گردشگری و شیوه مهمانداری و آموزش افراد متخصص برای برنامه

بد نیست مسئولین شهری با برگزاری آموزش های دوره ای در خصوص روابط اجتماعی، پایبندی به قانون و مقررات و.... برای رانندگان و همه ارایه کنندگان خدمات شهری ضمن جلب رضایت مردم فضایی را فراهم می آورد تا رانندگان تاکسی و دیگر عزیزانی که در بخش ارایه خدمات شهری مشغول به کار هستند در موقعیت های مختلف بدون هر گونه تنش به کار خود ادامه دهند و احساس رضایت کنند.

رانندگان تاکسی های درون شهری است. تاکسی به عنوان وسیله حمل و نقل عمومی شهری که به دلیل شناسنامه دار بودن و تایید رانندگان آن از طریق مراجع ذیصلاح، برای شهروندان و گردشگران؛ اصلی ترین، آگاه ترین و سریع ترین وسیله نقلیه عمومی به شمار می آید. شهر شناسی و نقشه خوانی و آگاهی از تمامی نقاط شهری حداقل آموزش هایی است که معمولا باید رانندگان تاکسی شهرها از آن برخوردار باشند اما متاسفانه معضل بیکاری و کم کاری مدیران خدمات شهری به رسیدگی به حمل و نقل عمومی و بی توجهی دائمی به مقوله آموزش در کشور باعث شده این وسیله حمل و نقل که براساس فلسفه وجودیش قرار است موجب امنیت خاطر مسافر شده و از سرگردانی در شهر و یافتن مسیر درست در کوتاه ترین زمان ممکن نجات دهد خود نیز عاملی بر بروز این سرگردانی و ایجاد ترافیک تبدیل می شود.

این در حالی است که هرگاه سخن

از توسعه حمل و نقل عمومی می شود مدیران به این مسئله اذعان دارند که فلان عدد دستگاه خودرو به حمل و نقل عمومی اضافه شده و بهمان عدد دستگاه خودرو فرسوده از حمل و نقل عمومی حذف شده و یا خطوط تاکسی یا اتوبوس ها به دلیل پرازدحام بودن یا تراکم جمعیتی در یک منطقه به منطقه ای دیگر تغییر یافته اما خبری از برگزاری کلاس های آموزشی برای افراد شاغل در حمل و نقل عمومی به خصوص تاکسی داران نیست. نحوه برخورد با مسافر، دادن اطلاعات درست و آموزش لازم در خصوص احساس مسئولیت نسبت به جابه جایی مسافر در شهر جزء مقولاتی است که گویا تنها در بروز برخی شکایات مسافران به مراجع قانونی به رانندگان تاکسی تذکر داده می شود و آموزش قبل از آن، در دستور کار نیست. نگاه به کشورهای همسایه به

خصوص ترکیه نشان می دهد که رشد توریسم در هر کشوری مستلزم رعایت همین نکات هر چند ساده ولی پیچیده و اساسی است. تاکسی در کشور ترکیه به معنای حامی مسافرو به خصوص زنان تبدیل شده است؛ در هر جای شهر که باشی دسترسی به تاکسی بسیار راحت تر از دیگر وسایل حمل و نقل شهری است و حس مسئولیت در یافتن آدرس درست و پیاده کردن مسافر جلوی درب مقصد مورد نظر، جزو آیتم هایی است که در سفر به کشور ترکیه از زبان مسافرین نقل و قول می شود و جزو نقاط قوت گردشگری شهری در این شهرها به شمار می آید.

منظور از تاکسی در این گزارش، تاکسی های خصوصی (آژانس) تاکسی بی سیم (که البته در همه شهرهای مازندران وجود ندارد) تاکسی های ویژه (فروگاه ها) تاکسی های ون و مسافربرهای شخصی نیست هرچند که این نابسامانی در خصوص هر یک از این وسایل نقلیه شهری هم تقریباً صادق است اما اختصاصاً تاکسیهای عمومی نارنجی یا زرد پوش های جدید و قرمز تنهای قدیمی که دایره شمولشان از بقیه موارد بیشتر است سهم بسزایی در جابه جایی مسافر در مازندران دارد.

بنا به آمار تاکسیرانی شهرستان ساری تا کنون ۳ هزار تاکسی شهری و ۱۲۰ تاکسی برون شهری در مرکز استان ساماندهی شده که بار قابل توجهی از حمل و نقل عمومی را به دوش می کشد این در حالی است که به گفته کارشناسان در کشورهای توسعه یافته سهم تاکسی بسیار ناچیز است و یکی از گزینه های حمل و نقل لوکس و البته گران به شمار می آید.

ارتقای سطح خدمات به گوش نمی رسد

عدم توجه و سرمایه گذاری کافی در توسعه حمل و نقل عمومی، مشکل بیکاری، عدم توازن بین عرضه و تقاضای حمل و نقل عمومی موجب شده عده ای با سرمایه ای اندک خود را این عرصه شده و از این راه ارتزاق کنند تا اینجا می توان با مثبت نگری بحث مشارکت های اجتماعی را پیش کشید و با تلنگر به حس همدردی در شرایط اقتصادی حال حاضر



کشور از کنار مسائلی مثل اختصاص سهمیه تاکسی به افراد بدون در نظر گرفتن شرایط احراز، نحوه سرویس دهی آنان، افزایش خودسرانه نرخهای مصوب و... سرسری گذشت اما مشکل از زمانی شروع می شود که علیرغم همه این حواشی های موجود و ارایه سرویسی نصفه نیمه تاکسیها در ارایه خدمات شهری، خبری از آموزش، فرهنگ سازی و استفاده از سیاست های تشویقی مدیران و مسئولین شهری برای ارتقای سطح خدمات به گوش نمی رسد.

مدیر عامل سابق سازمان تاکسیرانی شهرستان ساری هم به آموزش، فرهنگ سازی و مشتری مداری تاکید دارد و آن را از ساز و کارهای رشد گردشگری می داند و می گوید: آموزش بلند مدت و دادن گواهینامه معتبر به رانندگان جهت آموزش و شناسایی مکان های اقامتی و تفریحی با هماهنگی راهنمایی و رانندگی و سازمان تاکسیرانی در حال اجرا است. احمد گوران از امتحان شهر شناسی قبل از صدور پروانه تاکسیرانی خبر داد و گفت: اداره کل گردشگری تمهیدات و برنامه ریزی لازم برای آموزش رانندگان انجام نداده است، بیشتر جاذبه های گردشگری بسته است و جایگاه خاصی ندارد.

وی در خصوص شرایط اعطای مجوز تاکسی می گوید: به تمامی افراد غیر شاغل که از طریق استعلامات و پاسخ های ارائه شده توسط ادارات ذیربط پس از معرفی به اماکن نیروی انتظامی و در صورت تایید موارد قانونی، دفترچه کار توسط سازمان تاکسیرانی صادر می شود.

گوران در پاسخ به این سوال که به اعتقاد شهروندان تعداد زیادی از رانندگان تاکسی با رابطه و به عبارتی پارتی در شهرداری موفق به دریافت مجوز تاکسی می شوند گفت: سازمان تاکسیرانی فقط به پاسخ استعلامات مراجع ذیربط اکتفا می کند و سازمان از سال ۱۳۸۷ به بعد خودرو در حال توسعه به شهر تزریق نکرده است.

وی همچنین از طراحی لباس فرم رانندگان تاکسی خبر داد و افزود: ظاهر مناسب و خودروهای نظافت شده نیز یکی از تمهیدات سازمان تاکسیرانی برای ارایه خدمات بهتر به مردم است.

به نظر می رسد سازمان تاکسیرانی که البته درست می اندیشد و براساس استانداردها و شرایط موجود سخن می گوید؛ ظاهراً نظارت چندانی بر رانندگان سطح شهر ندارد رانندگانی که احتمالاً در آزمون شهرشناسی به سختی حد نصاب نمره قبولی را کسب کرده اند. البته به هیچ عنوان قصد تعمیم این موارد را برای همه رانندگان محترم و زحمتکش نداریم راننده های شریفی که در همین شهر با این عنوان که پول خرد ندارند؛ از گرفتن کرایه صرف نظر می کنند، رانندگانی که تنها ممر درآمدیشان سر و سامان دادن مسافران شهری و به نوعی آبروداری حمل و نقل عمومی است.

گاهی هم بد نیست مسئولین شهری که خوشبختانه به قول خودشان تافته جدا بافته از مردم نیستند ارتباط خود را در زمینه های مختلف گسترش دهند و مشکلات و نوع رفتار زیر مجموعه خود با مردم را به طور مستقیم و غیر مستقیم شاهد باشند برگزاری آموزش های دوره ای در خصوص روابط اجتماعی، پایبندی به قانون و مقررات و.... برای رانندگان و همه ارایه کنندگان خدمات شهری ضمن جلب رضایت مردم فضایی را فراهم می آورد تا رانندگان تاکسی و دیگر عزیزانی که در بخش ارایه خدمات شهری مشغول به کار هستند در موقعیت های مختلف بدون هر گونه تنش به کار خود ادامه دهند و احساس رضایت کنند.

میدان ها و فلکه های شهری



تهمینه اسدی امیری

در یادداشت اول، در خصوص ابتدای ورود گردشگر به شهر ها مطالبی ارایه شد. سخن بعدی، زمانی است که گردشگر وارد شهر می شود. میدان اصلی شهر؛ دومین عنصر استقبال کننده از هر گردشگر است. واژه «میدان»، در اصل پارسی است ولی جمع آن رابه زبان عربی، میادین می گویند. این معنی واژه میدان از فرهنگ دهخدا است. با این تعریف، در گذشته: میدان، به هر عرصه فراخ، پهن و بی عمارت گفته می شد. بهترین معادل برای میدان شهری در زبان انگلیسی، «پلازا» است که در ایتالیایی «پیاتزا» و در اسپانیایی «پلاکا» گفته می شود که هر سه کلمه از واژه لاتین «پلاتی» مشتق شده اند. پلازا به عنوان فضای عمومی و سرباز تعریف شده که کف آن را بیشتر با مصالح سخت پوشانده و ورود اتومبیل به آن ممنوع است و عمدتاً فضائی برای قدم زدن، رفع خستگی، نشستن و خوردن و آشامیدن و تماشای اطراف است.

یک گره ترافیکی ایجاد می شود و کارشناسان برای کنترل این گره ترافیکی، در این محل؛ یا چراغ های زمان دار نصب می کنند تا اتومبیل ها پس از توقف کامل به نوبت ادامه مسیر دهند یا این که با ایجاد فلکه، بدون توقف و ایست کامل، گره ترافیکی کنترل می شود.

از معنی و تعریف که بگذریم و نگاهی به نام و نماد میادین و در واقع فلکه ها بیاندازیم، حتماً تأیید می کنید که اغلب این فضاها؛ بیانگر هیچ هویتی نیستند، نماد مناسبی ندارند و گاهی نام شان هم متناسب با محیط شان نیست ! اگر چه میدان ها و فلکه ها، بی هویت رها شده اند و توجه جدی هم به این مساله نشده و اغلب هم با این شرایط خو گرفته ایم، اضافه نمودن عنصر هویت به فلکه ها و میادین ضروری است. هویت؛ دو جنبه دارد، یکی مادی و دیگری ماهوی. مادی، بر اساس نمادهایی است که در میادین نصب می شود و ماهوی، به خاطر فعالیت های اطراف آن. جداره های میادین و فلکه ها، بایستی جداره های متناسب با سیمای شهری باشد زیرا فضاهای هنجار، انسان های هنجار را پرورش می دهد و زیبایی یکی از مشخصه های فضاهای هنجار است.

حال بهتر است از خود پرسیم، گردشگر در بدو ورود به داخل شهر های مازندران، مورد استقبال چه چیزی قرار می گیرد؟ میدان اصلی شهر، بسیار شلوغ و موجب سردرگمی گردشگر می گردد. دریغ از نمادی از شهرهای زیبای شمال که گردشگر را مورد استقبال خود قرار دهد و هویت و نماد آن شهر را مشخص سازد.

برای طراحی یک میدان، باید از نظرات یک کارشناس ترافیک، مهندس شهر سازی، کارشناس معماری و طراح صنعتی؛ به طور همزمان بهره برد و در کنار این، از مردم عادی هم نظر سنجی کرد و برای نام گذاری هم بایستی از فرهیختگان عرصه علم و مذهب و هنر، یاری جست.

البته می توان گفت فلکه؛ برای

کنترل ترافیک است. وقتی دو گزر

یا خیابان به هم می رسند،

به گفته یک شهرساز؛ در گذشته، در ایران؛ هر شهر یک میدان داشته که عناصر موجود در آن، متأثر از عناصر میادین یونان بوده است. در میادین ساخته شده در شهرهای یونان، تالار شهر پاتنا، کلیسا یا معبد بزرگ شهر، بازار یا آکادمی باغ دانش، از عناصر یک میدان بوده که در ایران نیز کاخ شاهی، مسجد و بازار از عناصر ساخته شده در اطراف میدان بوده است که در میدان «نقش جهان» اصفهان وجود این عناصر به خوبی به چشم می خورد.

البته در باب معنی غلط میدان آمده است: در ایران، بعد از حضور اتومبیل و طراحی راه ها بر مبنای اتومبیل و قرار دادن کانون هایی غالباً دایره شکل در محل تقاطع ها که دور زدن وسایل نقلیه را تسریع می کنند، میدان می گویند در حالی که اصطلاح صحیح آن فلکه است و نه میدان که به آن «round about» می گویند.

هم چنین آورده شده که میدان یک فضای شهری است. یک فضای ایستا و نه یک گره ترافیکی و اتومبیل رو بلکه یک گره مردمی با مشخصات، هویت و عملکردهای خاص خود. اصولاً در میدان، بحث کنترل ترافیک مطرح نیست و اغلب فضاهایی که میدان نام گرفته اند، در واقع نام شان فلکه است.

در فلکه ها، ما شاهد گره ترافیکی هستیم و هیچ گره اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی و مردمی در آن وجود ندارد. در صورتی که در جداره های میدان، عملکرد اقتصادی و اجتماعی جریان دارد و مردم می توانند نیازها و مایحتاج روزانه خود را از آن محل تهیه کنند، بدون این که شاهد تلاقی دو

خیابان و گره ترافیکی باشیم.

البته می توان گفت فلکه؛ برای

کنترل ترافیک است. وقتی دو گزر

یا خیابان به هم می رسند،





داشته هایمان را برای روز مازندران بر شمردیم

امه بوم وبر مازرون



لیلا مشفق

(مازندران، دیار ما)

اشاره:

طبرستان، تبرستان، تپورستان یا تپوران، به بخشی از سرز مینهای میان کوههای البرز و دریای مازندران گفته می شد که از لحاظ جغرافیایی، شامل: استان مازندران و بخش هایی از استان گلستان، گیلان، شرق و شمال استان تهران و شمال استان سمنان بود که پس از حمله مغول ها و انتقال پایتخت از آمل به ساری و مصادف با قرن دهم نام «مازندران» بر این سرزمین گذاشته شد. در بسیاری از متن های قدیم و جدید آمده است که تبرستان از نام «تپورستان» اخذ شده و تپورستان محل سکونت قوم «تپور» بوده است. تپورها یکی از قومهای باستانی بودند که در کناره ی جنوبی دریای خزر زندگی میکردند. برخی از دانشمندان «تپوران» را مانند «آمارد» ها و «کاسپ»، انیرانی و از مردمان بومی مازندران، پیش از آمدن آریایی ها میدانند که در برابر ایرانیان مهاجر، به کوهستان های بلند این سرزمین پناه بردند و به تدریج تمدن و فرهنگ و سپس دین شان را پذیرفتند. تبرستان همیشه خطه ای تاریخی محسوب می شد که نامش در شاهنامه و دیگر حماسه ها و اساطیر ایران ذکر شده است و موقعیت جغرافیایی این سرزمین که میان کوه و دریا واقع شده و دسترسی به آن دشوار بود، آن را به آخرین سنگرهای مقاومت ایرانیان در مقابل مهاجمان خارجی بدل ساخته بود.

سرزمین مازندران که قسمتی از سرزمین کهن ایرانیان است و پیشترها: سرزمینی نیمه اساطیری محسوب میشد، بر طبق شواهد و یافتههای باستان شناسی، یکی از قدیمی ترین سکونت گاههای بشری به شمار میرود. مازندران سرزمین پهناوری است که از شرق تا غرب، قسمت وسیعی از شمال ایران را به خود اختصاص داده است و در این گستره، تنوع فرهنگی و زیستی زیادی به چشم می خورد.

به پیشنهاد شورای فرهنگ عمومی استان و با رایزنی هایی که با مفاخر و صاحب نظران مازندرانی صورت گرفت، ۱۴ آبان ماه، «روز ملی مازندران» اعلام شد. دلیل این نام گذاری؛ بنا به روایت دکتر حسین اسلامی که در سایت پژوهشکده فرهنگی ساری شناسی منعکس شده، چنین است:

با توجه به این که «فریدون» در اساطیر ما، یک قهرمان مازندرانی است که کاوه زیر پرچم او با ضحاک نبرد کرد و از آن جا که ۱۳ آبان، روز «آرش» بود و «تیرماه سیزده شو» را هم به نام آرش در آئین و رسوم خود داشتیم و نیز روز ۱۴ آبان سال ۲۴۳ شمسی سرآغاز و نخستین روز پیمان رسمی مردم مازندران با علویان بود و با بررسی تقویم تبری و توجه به نخستین روز سال، برابر با این تقویم و نیز با توجه به تمام روزهای بزرگ تاریخی مازندران، ۱۴ آبان بهترین گزینه برای روز ملی مازندران انتخاب و مورد موافقت قرار گرفت.

حالا که پاییز در میانه خود روز مازندران را جای داده، بر آن شدیم تا نگاهی داشته باشیم به آن چه که در دل این «بر و بوم همیشه سبز» می گذرد.

غرب مازندران

آیین ها و رسوم

گفته می شود؛ اولین قدمگاه حسن بن زید علوی، برای برافراشتن پرچم علویان، بر پیشانی منطقه ای است به نام «سعیدآباد» (مرزن آباد کنونی). به همین جهت به سراغ پژوهشگر، نویسنده و خبرنگاری رفتیم که در این دیار نفس می کشد. «مومن توپا ابراهیمی» معتقد است که آداب و رسوم غرب مازندران، بسیار گسترده و متنوع است. بنابراین نمی توان به تمام معنا حق مطلب را ادا نمود و در این مجال، تنها به چند آئین ویژه ی نوروز در غرب مازندران، – منطقه کلارستاق – اشاره کرده، می گوید: غرب مازندران که به طور عمده کوهستانی است، باریکه ی جلگه ای آن زمینه ی دشت نشینی و کار کشاورزی را آن طور که باید فراهم نمی آورد و ساکنان این منطقه؛ یا به طور کامل و در تمامی فرصت سال، در کوهستان و میان بند زندگی می کردند و یا اگر دشت نشین بودند، فقط فصلی از فصول سال را در این نقاط به سر می بردند و اندکی از آنان، هر طور که بود، خود را برای عید به کوهستان می رساندند و به همین دلیل، آداب و رسوم، باورها و آیین های نوروزی در گذشته، بیشتر از نوع کوهستانی و کوهپای های است. در کوهستان، زمستان؛ با سرمای آزاردهنده چون تونی تنگ و تاریک بود و عید؛ گریز از ظلمت به سمت روشنایی.

آیین چلچل خای

توپا ابراهیمی درباره ی آئین «چل چل خای» که نام آن برگرفته از نام اولین گلی است که با نسیم بهاری و سستی برف، سر از خاک برمی کشد، می گوید: نام محلی این گیاه «ریکک» است که اتفاقا در درون «دوری» (مجمع یا سینی) «مادرمج» جایگاهی ویژه در کنار کتاب آسمانی و آینه دارد. گویا این گل؛ نماد نور و روشنایی است.

سرپ بلا

رسم دیگری که در روزهای قبل از نوروز به اجرا در می آمد، تهیه ی نوعی غذا به نام «سرپ پلا» بود که در گویش کلارستاقی، معنای آن «پولی کله پاچه» است.

مادر مج

یکی از رسوم نوروزی که تقریبا در سراسر مازندران و حتی گیلان نیز رواج دارد و با کمی تغییرات، هنوز نیز در برخی از مناطق اجرا می شود، «مادرمج» است. مادرمج به کسی گفته می شود که در آغاز سال نو، پیش از هرگونه ورود و خروجی، وارد خانه شود. گاه پیش می آمد که یک کودک یا نوجوان مودب و خوشنام «مادر مج» چند خانواده می شد. مادرمج؛ پیش از بر عهده گرفتن این وظیفه ی مقدس، خود را می آراست، لباس تمیز به تن می کرد و چون فرشتگان به درب خانه ها می رفت. آن چه درباره انتخاب مادرمج، جالب توجه است، گاهی انتخاب یکی از حیوانات پربرکت آبادی برای انجام این آئین بود که در این صورت حتما کسی آن را هدایت می کرد و شخص هادی نیز با استخاره برگزیده می شد..

مرغنه جنگی

از دیگر رسومی که از چند روز قبل از عید شروع و تا سیزده بدر تداوم می یافت «مرغنه جنگی» بود. مرغنه جنگی؛ در واقع یک مسابقه و بازی و در انحصار کودکان و نوجوانان بود. مومن توپا ابراهیمی شیوه ی کار را چنین شرح می دهد: عده ای جمع می شدند و تخم مرغ های هدیه گرفته ی خود را با هم به اصطلاح به جنگ می دادند! آن کس که تخم مرغ اش از هر دو سو می شکست، بازنده بود و باید تخم مرغ را به طرف برنده واگذار می کرد.

اقتصاد و گردشگری

اقتصاد مازندران کاملاً به طبیعت پرنعمت اش وابسته است که از راه کشاورزی و با داشتن پالترین تولید فرآورده های جنگلی و صنعتی و غذای دریایی از جمله خاویار در میان همه مناطق ایران، مورد بهره برداری واقع می شود. هم چنین، صنعت گردشگری که موجب می شود هر ساله میلیون ها مسافر از مازندران دیدن می کنند. غرب مازندران از نظر نزدیکی دریا به شهرها و نیز از نظر سرسبز بودن جنگلهای انبوه، دارای اهمیت بوده و در ایران خود را در صدر استان های گردشگرپذیر جای داده است. به همین جهت از مومن توپا ابراهیمی خواستیم تا یکی از منطقه های گردشگری غرب مازندران را به خوانندگان این مجله معرفی نماید.

وی با اشاره به این که برنامه های توسعه گردشگری در غرب مازندران مورد توجه مسئولین بوده و اخیرا برای منطقه ی مرزن آباد تصمیماتی اتخاذ شده، ابراز داشت: در مسیر جاده چالوس و در ۴۳ کیلومتری مرکز شهرستان (چالوس)، در ۱۸ کیلومتری مرکز بخش (مرزن آباد) و نرسیده به هزار چم در مکانی به نام «دز بن= دژبن» جاده ای فرعی مسیر خود را از جاده ی اصلی جدا کرده که اگر از شیب و نشیب کوه ها عبور کرده و به طول ۲۲ کیلومتر از پشته و شانه ی گردنه ها به بلندترین نقطه که «دلیر دره» نام دارد، برسیم؛ دره دشتی به وسعت یکصد و پنجاه هکتار رخ نشان می دهد. آب و هوای کوهستانی و رودهایی که از این منطقه می گذرند و دشتی که بکر و یکدست گسترده شده است «الیت» را به منظره ای از بهشت بدل ساخته است؛ هرچند به دلیل رویکرد اقتصادی متفاوت با گذشته و مناسبات اجتماعی مدرن در دهه های اخیر، سیمای تمامی روستاهای بزرگ و کوچک کوهستان تغییر کرده و آن بکارت و سرسبزی پیشین کمرنگ شده است. توپا؛ در ادامه، به وجود معماری سنتی در الیت اشاره کرده و درباره شاخصه های خانه های بومی می گوید: با وجود ساخت وسازهای جدید، هنوز در درون محله ی قدیمی خانه هایی با معماری سنتی رخ می نمایند. این خانه های سنتی، عموما یک طبقه بوده با مصالحی ازسنگ و گل یا چوب و گل بنا شده اند و سقف هایی دارند که از تیرهای چوبی پوشیده شده اند. در این نوع معماری، فضای خالی بین تیرها را با چوب هایی می پوشانند که جهت استقرار آن ها، خلاف جهت تیرها بود. این چوب ها انواع مختلفی داشتند؛ «لارده»، «شیش» و «لت» که همه آن ها وقتی در سازه ها در موقعیت کاربری سقف قرار می گرفتند، با نام عمومی «پردی» نام گذاری می شدند.

پی خانه های سنتی؛ به لحاظ شیوه ی ساخت و نوع مصالح، یا از سنگ بود که دیواره آن را «گل باری» می گفتند و یا در مجموع چوبی بود که در نوع قدیمی تر «کل رسی» و در نوع نسبتا جدیدتر که در دویست سال اخیر باب شده بود، «زگالی» نامیده می شد. این خانه ها اگرچه اندک شمارند اما در میان خانه های جدید هم چنان مقاوم ایستاده اند و دلبری می کنند.

یکی از جاذبه های گردشگری درهر منطقه، وجود مکان های تاریخی و دیدنی و نیز زیارتگاه ها هستند که در منطقه الیت به وفور یافت می شود. این محقق مازنی در این باره می گوید: در بررسی های انجام شده در الیت، آثاری متعلق به دوره اشکانیان یافته شده است و نیز احتمال بازیابی آثاری از دوره نوسنگی تخمین زده شده است. وجود ویرانه های قلعه ای معروف به «فلاکوتی» و خرابه هایی دیگر در سمت جنوبی این روستا، به اسامی «کیت گردن»، «ککی کت»، «خاص چال» و تنبوشه های سفالین انتقال آب که در جای جای این روستا به دست می آید، حکایت از آن دارد که الیت؛ مدفن تمدنی گرانقدر است. به غیر از

”

از گرماب های رامسر تا افسانه های کندلوس، از شاعرانه های یوش تا لنگرگاه های نوشهر، همه و همه نگین هایی هستند که در این سرزمین می درخشند و جا دارد به شکرانه ی آن ها خدا را سپاسگزار باشیم

”



رامزانی

طبیعت زیبا و سحرانگیزی که الیت را چون نگینی ارزشمند در میان گرفته است از دیدنی هایی چون غسل خوف انگیز «تنگانتگه»، «دیو تئیر = تنور دیو»، چشمه معروف «اسپه ا»، زیارتگاه حضرات «احمد رضا و زینب رضا»، «غار کیت»، «غار گرس جار»، خرابه های شهری قدیمی، «قلعه ی اسپرز» در دامنه کوه «زردگله»، «دخترقلعه» بر بالای کوه «گردرو» و در بالاسر روستای «پلادکوه»، «دژ قلعه گردنبر» فراز تپه ای در محل دژبن، گورستان قدیمی در الیت با سنگ نبشته هایی به قدمت ۶۰۰ سال و درختان ون تنومند و کهنسال، می توان نام برد



نمونه ای از معماری سقف غرب استان



که همگی به لحاظ گردشگری اهمیت دارند و طبیعتگردان کنجکاورا می توانند به سوی خود جلب کنند.

البته ناگفته نماند که کوه ها، دره ها، چشمه ها و رودها، تنوع پوشش گیاهی و انواع درختان، چراگاه ها و مراتع و نیز یخچال ها و آبشارهای این منطقه، هریک به نوبه ی خود می توانند اهمیت گردشگری که به یقین توجیه اقتصادی نیز دارند را در این منطقه نشان دهند.

باید متذکر شد که غرب مازندران نیز چون همه جای استان از ظرفیت های فرهنگی، اقتصادی و گردشگری بسیار غنی برخوردار است که چشم پوشی از آن ها ممکن نیست. صنایع، معادن، کشاورزی، باغداری، تولیدات گل و گیاه و محصولات گلخانه ای و صنایع دستی از استعدادهای این بخش از مازندران محسوب می شود؛ از گرماب های رامسر تا افسانه های کندلوس، از شاعرانه های یوش تا لنگرگاه های نوشهر، همه و همه نگین هایی هستند که در این سرزمین می درخشند و جا دارد به شکرانه ی آن ها خدا را سپاسگزار باشیم.

اما مومن توپا ابراهیمی در خاتمه به نکته هایی اشاره کرد که می تواند در جهت بهبود وضع موجود راهگشا باشد؛ با وجود همه استعدادهای گفته شده در غرب استان، این سوال مطرح می شود که مدیران ارشد استانی، نقش راهبردی این منطقه را در زمینه ی اقتصاد و فرهنگ مبتنی بر گردشگری، چگونه هدایت می کنند؟ آیا جز این است که هتل ها، متل ها، رستوران ها و... سنتی مانده و متناسب با رقبیان در کشورهای همسایه رشد نکرده اند؟ نیروی انسانی آموزش دیده ندارند، به سیستم های الکترونیکی یا مجهز نشده، یا از قافله به شدت عقب هستند؟ تا کی می توان تنها به تعطیلات دلخوش باشیم تا برخی راه کج کنند و از سفره این استان دانه برچینند؟ وقتی صحبت از صنعت استان به میان می آید، چرا به متولیان برمی خورد که پرسیده شود به کدامین دلیل کارخانه ی حریربافی چالوس که بزرگترین تولید کننده ی البسه ی ابریشمی در خاورمیانه بود، احیا نشد و ویرانه ی آزار دهنده ی آن اکنون خاری است که چشم انبوه بیکاران را آزار می دهد؟ یا وقتی بحث فرهنگی طرح می شود، چه کسی پاسخ می دهد که «صدای دریا» (رادیو دریا) اگر تا «سیمای دریا» شدن، پیش نرفت، چرا بسته شد؟ با همه مواهبی که از آن گفتیم، نباید از ارتقای آن چه داریم، غافل بمانیم و به بهتر شدن نیندیشیم.



شرق مازندران

شاهنامه که شناسنامه و هویت فرهنگی و تاریخی ماست از مازندران سخن ها در دل دارد و بارها و بارها در آن به نام هایی مثل البرز کوه، دماوند، آمل، ساری و مازندران، برخورد می کنیم. سربداران و شورندگان بر مغول و تاتار و نیز بنیان گذاران حکومت شیعه در این سرزمین، به خود بالیدند و سبز شدند. علما، شعرا و ادبا و مفاخر مازندران پیش و پس از ورود اسلام، قابل شمارش نیستند. شهرآشوب ساروی، طالب آملی، حسن زاده آملی و... طبیعت بکر و دریای نامدار مازندران، از نعمت های خدادادی در این خطه باشکوه ایران است.

از آداب و رسوم مازندران، خصوصا شرق آن و به ویژه سوادکوه، زیاد گفته شده و در بسیاری از موارد تشابهات زیادی بین شرق و غرب این استان دیده می شود. لذا برآن شدیم تا از شرق مازندران؛ از منظری دیگر، سخن به میان آید، به همین دلیل پای سخن پژوهشگر و محقق بهشهری «محمد عظیمی» نشستیم.

محمد عظیمی باور دارد: ما به مناسبت های مختلف از شهر و تاریخ کهنسال خود به افتخار یاد می کنیم بی آنکه واقعا از آن، چیزی درخور بدانیم و یا در برابر پرسش رهگذران و گردشگران، پاسخی متقن و درخور داشته باشیم. هنوز مناطق مختلف این منطقه را نمی شناسیم و از فرهنگ و تاریخ برگزشته ی آن بی خبریم.

شرق مازندران، برخلاف تقسیم بندی های تاریخی اش در مرزهای تعیین شده در شهرستان گلوگاه مانده و استراباد اش تبدیل به استان گلستان شده است. هرچند که ریشه های زبان و فرهنگ بومی مازندران به آسانی از دست رفتنی نیست و بازتاب عیان آن را می توان تا علی آباد کتول به روشنی مشاهده نمود.

نشانه های حضور تاریخی و فرهنگی فراوانی که از پیشینیان ما بر جای مانده است، گواه روشنی است تا بتوان ادعا نمود که حیات انسان متفکر دوره ثناتدرتال، از نبض غارهای «هوتو» و «کمر بند» آشکار شده و در جهان جمعی «گوهرتپه» به استقرار و همنشینی مسالمت آمیز رسیده است. شهر بزرگ «لمراسک» و «کوسان» در نقشه های تاریخی با ناحیه ی بزرگی با نام های؛ «تمیشه»، «کبود جامه» و «مهروان» خودنمایی می کند و نشانه های خود را در طول تاریخ پر نشیب و فراز خود، به نسل امروز منتقل می سازد.

شناخت فرهنگی و جایگاه گردشگری

«آندره مالرو»، نویسنده، منتقد و سیاستمدار فرانسوی، می گوید: نه فرهنگ و نه هنر، هیچ یک؛ اشیای زینتی بی مصرفی نیستند. فتوحاتی هستند که انسان؛ سرسختانه برای کسب آن کوشیده است تا بتواند در برابر جهان واقعی، جهانی را بسازد که تنها به انسان تعلق دارد.

مستول «انجمن دوستداران میراث فرهنگی هوتو» (شرق مازندران) درباره فرهنگ و نقش آن در روند توسعه، اظهارداشت: فرهنگ، بیان کننده و تایید کننده ی هویت ها و تفاوت ها و عاملی پویاست که به عنوان برآیند کنش متقابل فرد با محیط پیرامون او، می تواند نشانه ای از نظام های بازنمایی، اسطوره ها و باورهایی باشد که احترام به آن ها اساسی و ضروری به نظر می رسد. در واقع، آگاهی به آن چه بودیم و آن چه هستیم، در مقوله ای فرهنگی، موجب رشد و توسعه شده و دانستن شرایط موجود، فارغ از تبلیغات کاذب و خودبزرگ بینی های کودکانه، گره گشای مواعی است که جامعه را به آن چه باید باشد، همنمون می سازد. گردشگری و جهانگردی که امروزه به عنوان صنعتی

قدرتمند و جذاب در جهان از جایگاه ویژه های برخوردار است می تواند به عنوان پایه ی ارزی و تولید ناخالص ملی محسوب شود. این صنعت، علاوه بر ایجاد سلامت جسم و جان مردم، می تواند در ارتقای فرهنگ اوقات فراغت، کاهش پدیده های ناهنجار اجتماعی و فرهنگی، تحکیم تفاهم ملی، منطقه ای و جهانی، گسترش اشتغال، توزیع در آمد، سرعت گردش پول و سرمایه، ارز آوری و گسترش صادرات و تولید صنایع منطقه ای، معرفی خصوصیات اقلیمی – جغرافیایی و انتقال فرهنگ و هنر بومی، نقش مهمی را ایفا نماید.

محمد عظیمی در این رابطه ابراز می دارد: استان مازندران به خاطر شرایط ویژه ی منطقه ای و برخورداری از مواهب طبیعی و تاریخی، دارای پتانسیل ویژه ای است که باید به فعالیت مطلوب تری برسد. وجود دریاچه ای عظیم و نادر در جهان که به خاطر وسعت اش، دریا نامیده می شود و کوه های سر به فلک کشیده ای که از عظمت کوه دماوند بهره جسته است و آثار تاریخی فراوانی که هر یک می تواند هزاران گردشگر را به خود بخواند، ظرفیت بالقوه ای است که در قدم به قدم این سرزمین یافت می شود. زیرا در بسیاری از فصول، اختلاف دمای مناطق آن، نزدیک به پنجاه درجه سانتیگراد است و می توان چهار فصل سال را در گردش یک روزه حس کرد؛ جنگل های انبوه، آبشارانی بی بدیل و شکوفه باران در ختآن نارنج که هر مسافر را از عطربهار نارنج سرمست می کند.

وی در ادامه جایگاه شرق مازندران را به جهت داشتن تنوع تاریخی و زیستی، ویژه دانست و تشریح کرد: شرق مازندران به دلیل همسایگی با کویر سمنان و هم جواری با چشم انداز دشت گلستان، علاوه بر قرابت فرهنگی و اقتصادی، مکان و موطن یکی از تالاب های مطرح در جهان است. «تالاب میانکاله» که در فصولی از سال، زیستگاه پرندگان مهاجر بخشی از جهان شده است و دریایی که مروارید

برونده ویژه

از مازندران



سیاه «خواریار» را در دل خویش به بار می نشاند؛ در حوزه ی تاریخ و میراث فرهنگی بریادرفته، نظیر؛ «دروازه تمیشه» و «جر کلباد» و کاخ های متعدد صفوی و آتشکده ی کوسان» می گذریم و به نشانه های موجود از نیاکان خود، که می تواند هر گردشگری را مجذوب خود کند، می پردازیم.

از غار هوتو و کمر بند تا بناهای متعدد دوره ی صفوی، نظیر؛ «پارک ملت»، «کاخ چشمه عمارت» یا معماری فوق العاده خاص و حیرت آور و تکنیک آوا شنودی اش، «مجموعه ی عباس آباد»، «کاخ صفی آباد» تا «بقعه میرکمال الدین و جمال الدین»، «بقعه ی سفید جاه» (سفید چاه)، «قلعه پلنگان» و «خانه های شهریاری» در «پانه سر» و «هزارجریبی» در «سرخ گریه» از منطقه ی وسیع هزارجریب و عمارت های «سیامی» در «گرچی محله» و «حسینیه های فرچی و شیخ علیزاده» در «رستمکلا»، از ویژگی های برجسته معماری در قرون مختلف اند که می تواند هر گردشگری را با عظمت و مهارت استادکاران گمنام منطقه، آشنا سازد.

اماکن دینی و امامزاده ها به عنوان نقاطی که زایران را به خود جلب می نماید و حلقه ی ارتباطی میان خلق و خالق می شوند، در این ناحیه کم نیست.

امامزاده عبدالله روستای اطرب، امامزاده پنج تن، امامزاده یحیی، امامزاده ابراهیم، امامزاده قاسم، امامزاده سبحان در منطقه ی نکا، امامزاده یوسف و... موبد حضور فرزندان ائمه اطهار و بزرگان حکومت زیدیه و مرعشی در این ناحیه هستند.

از نگاه مواهب طبیعی و اکوتوریسم، علاوه بر نشانه های موجود در اماکن تاریخی و دریا،



باید از آبشارها و چشمه سارهای فراوانی یاد کرد: آبشارهای زنگت، سنگ نو، و چشمه های آب معدنی قرمرض، کوسان، پاسند، جزئی و ده ها چشمه ی زلالی که در جای جای منطقه جوشیده اند.

از جهت اقتصادی نیز علاوه بر کشاورزی، دامداری و... وجود بندر امیرآباد به عنوان یکی از مراکز مهم در یانوردی حائز اهمیت است. امیرآباد در شرق استان مازندران و فاصله ۵۱ کیلومتری مرکز استان، با مختصات جغرافیایی ۵۳/۲۲ شرقی و ۳۶/۴۱ شمالی قرار دارد، عملیات ساختمانی این بندر از سال ۱۳۷۵ آغاز گردید و در سال ۱۳۷۶ با توجه به موقعیت ممتاز و استعدادهای بالقوه، از سوی شورای عالی مناطق آزاد به عنوان منطقه ویژه معرفی گردید.

مناطق جلب گردشگر در این منطقه ی وسیع کم نیست و تنها نام بردن از آن فرصتی جانانه می خواهد تا اسامی رودها، غارها، تپه های باستانی و جنگل ها، حیوانات خاص منطقه و گونه های مختلف گیاهان دارویی منطقه را بارگو کنیم.

از صنایع دستی منطقه، علاوه بر ابزار آلات چوبی، می توان از جاجیم ویژه منطقه در روستای «متکازین» و «نمد کوا» و «کرچال» زنان گمنامی یاد کرد که با بافت گلیچچه، سفره، رختخواب پیچ، چادرشب، لنگ، پادری، خورجین و پارچه های پشمی، صنایع دستی این سرزمین را پاس می دارند و در صورت عدم حمایت از این صنعتگران بی ادعا، هنر بومی منطقه، به خوابی ابدی فرو می رود. این همه تنها نشانه هایی از موجودیت و هویت سرزمین ماست که می تواند هر گردشگری را به خود دعوت نماید و در کنار مواهب طبیعی، دست افزارهای بشری خود را یادگار خانه های مردمانی در هر گوشه ی جهان نماید.

فارغ از اماکن دور از دسترس و ویژه ای که مسافران و گردشگران حرفه ای را به شوق دیدار از جاذبه های مختلف و خاص در منطقه، به سوی خود می خواند، استان مازندران مسیر عبور گاهی اجباری مسافران و گردشگرانی است که به شوق زیارت امام هشتم و گاه جهت استفاده از دریا، میهمان سرزمین ما می شوند و در سایه سار درختی و کنار چشمه ساری، با طبیعت پیوندی یگانه برقرار می نمایند.

نقش تبلیغات و معرفی جاذبه های موجود و ایجاد شرایط اقامتی در جلب و جذب گردشگر، بر هیچکس پوشیده نیست و باید علاوه بر تلاش های قابل تقدیر انجام شده، در جهت ایجاد تسهیلات ضروری اقدامی جدی نمود.

مشکلات و موانع در مسیر گردشگری

مازندران بخشی از تاریخ ایران را در سینه دارد که پاسداشت از آن و شناساندن آن وظیفه ای است بر گردن ما تا زبان، باورها، آیین، ضرب المثل و موسیقی بومی خود را حفظ نموده و به نقش کارکردی آن ها بیافزاییم، چرا که نسل فعلی و آتی باید از داشته های پیشینیان خود باخبر باشند و بر آن بیالند.

محمد عظیمی مواعی را در مسیر رشد صنعت گردشگری برمی شمرد که به نظر می رسد با کمی همت رفع خواهند شد:

یک- راه به عنوان اولین و بدیهی ترین مسیر رسیدن به مقصد، متاسفانه از استانداردهای لازم برخوردار نبوده و عرض کم جاده، رانش زمین در بخش کوهستانی، نبود علائم راهنمایی در برخی از مسیرها عاملی جهت ایجاد تصادف و وحشت خواهد بود. دو- فاصله ی زیاد شهرها و دریا با توجه به کمبود شدید ساحل و مسدود بودن منطقه میانکاله و حضور نیروگاه و بندر امیرآباد در بخش ساحلی، از حضور گردشگران به دریا کاسته است و قابل قیاس با بخش غربی مازندران نیست.

سه- گردشگران در مناطق معروف و مطرح منطقه، به علت نبود اطلاع رسانی از پیشینه و تاریخ مکان حضور خود، بی بهره بوده و تنها بازدیدکننده ای عادی محسوب می شوند.

نقش تبلیغات و معرفی جاذبه های موجود و ایجاد شرایط اقامتی در جلب و جذب گردشگر، بر هیچکس پوشیده نیست و باید علاوه بر تلاش های قابل تقدیر انجام شده، در جهت ایجاد تسهیلات ضروری اقدامی جدی نمود



کلام آخر

هویت مردم هر منطقه با اتکا به فرهنگ و تاریخ آن قابل تعریف است و از رهگذر شناخت پیشینه و سیر تکامل هر جامعه در گذر زمان، می توان به این تعریف دست یافت.

اما این که چرا این منطقه، از قافله شهرهای تاریخی ایران زمین جا مانده است، سوالی است که باید به آن به طور خاص توجه شود. بخشی از تاریخ صفویان در شرق مازندران نهفته است اما در قیاس با استان هایی چون اصفهان، نه تنها مهجور مانده بلکه آثاری که گواه بر این برش تاریخی است به حال خود رها شده اند!

عدم وجود پایگاه های اطلاعاتی موثق و همه گیر از اماکن تاریخی – باستانی بر اساس اسناد معتبر، عدم توجه متولیان در حفظ و صیانت اماکن تاریخی، کم توجهی به گردآوری و مکتوب ساختن آداب، رسوم و آئین های منطقه ای و حمایت نکردن از محققینی که در این زمینه فعالیت می کنند، صنایع دستی بدون حامی و هزاران مورد دیگر که باعث شده تا پتانسیل این استان در جذب گردشگر و در به دست آوردن نامی سرآمد در میان استان های تاریخی، به هز رفته و به فعلیت لازم نرسد.

این محقق، وقتی از فقدان توجه یابسته و شایسته به این استان با نگرانی سخن می گوید، اظهار می دارد: کدام هتل و اقامتگاه، کدام خیابان و کوچه و پیاده رو، کدام مکان بدون زباله، کدام آثار تاریخی مرمت شده و شایسته ی بازدید را سراغ دارید تا بتوان گردشگری را به عنوان یک صنعت اقتصادی در این منطقه فعال نمود؟ چرا یک کوچه و خیابان ما، نشانی از اسامی بومی و کهن منطقه ندارد؟ چرا نام مشاهیر بزرگ مازندران و اسامی بومی را بر کوچه و خیابان خود نمی نهیم تا شهروند ما با شنیدن و دیدن این اسامی به دنبال معنی و مفهوم و شناخت این افراد و مشاهیر بپردازند؟ و این ها همه زخم هایی ست که بر چهره ی فرهنگی این استان گران قدر وارد است. استانی که می تواند با اهمیت داشتن از سوی مسئولین و نیز مردم، تنها به به شکل حیاط خلوت آخر هفته های پایتخت نشینان دلخوش نباشد! مازندران استانی فراتر از آب و هوای خوب و کوه و دریاست و می تواند باشد.

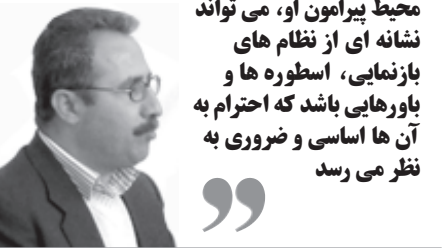
در خاتمه باید تاکید کنم؛ هیچکدام از مشکلات و موانع نتوانستند پوشاننده زیبایی های مواهب طبیعی و الهی این استان باشند. منطقه ای که در خود پتانسیل های اقتصادی، اشتغال زایی، گردشگری، فرهنگی و هنری و... در حد اعلا دارد، سالانه هزاران پژوهشگر و هنرمند و تاجر نامدار و شرکت ها و موسسات تجاری صنعتی داخلی و خارجی را به خود جذب می کند و ما امیدواریم روندی روبه پیش و امیدوارکننده تر برای استان زرخیز مازندران در پیش رو داشته باشیم.

چهار – نبود مدیریت مداوم در برخی از مناطق تاریخی – طبیعی و عدم نظارت مستقیم، موجب آسیب رسانی جدی به آثار تاریخی و امکانات موجود خواهد شد.

پنج – عدم برنامه ریزی و کمبود امکانات اولیه، برخورد های سلیقه ای، کمبود متخصصین واجد شرایط و یکسویه نگری در مدیریت اماکن تاریخی – طبیعی منطقه، نه تنها موجب جلب گردشگر نخواهد شد بلکه علاوه بر نبود امکانات در قیاس با اماکن هم جوار و جدیدالتاسیس، موجب گریز گردشگر و تقویت تجمع در نقطه ی دیگر می گردد و سرمایه های معنوی و مادی را از دست خواهد داد.

”

فرهنگ، بیان کننده و تایید کننده ی هویت ها و تفاوت ها و عاملی پویاست که به عنوان برآیند کنش متقابل فرد با محیط پیرامون او، می تواند نشانه ای از نظام های بازنمایی، اسطوره ها و باورهایی باشد که احترام به آن ها اساسی و ضروری به نظر می رسد



”

شش – فراوانی کشفیات باستان شناسی و اسناد تاریخی و هنرهای دستی و سنتی، مهم ترین بهانه برای داشتن نمایشگاهی دائمی و موزه ای منطقه ای محسوب می شود. شرق مازندران؛ توان آن را دارد تا تنها با تکیه بر آثار کهن خود، بی نیاز از دیگر مناطق، موزه ای سرشار از دست افزارهای بشری سرزمین خود را داشته باشد. نبود موزه، خلایی فرهنگی و تاریخی در شناخت سرزمین ماست.

و حمایت از بخش خصوصی و ایجاد تسهیلات و نگرش استعداد بومی در ایجاد بافت های سنتی و عرضه ی صنایع بومی در ساخت و ساز، بخش دیگری از نیاز منطقه محسوب می شود و استفاده از پتانسیل موجود و حمایت از تشکل های مختلف غیردولتی، می تواند بخش عظیمی از نیروی جوان و کار آمد را به میدان اشتغال وارد نماید.



آوای مازندران

در تالار وحدت، طنین انداز شد

علی صادقی - سردبیر سایت مازندنومه

نزدیک ساعت ۱۹:۳۰ هفتم آبان ماه، با تاخیر به تالار وحدت رسیدیم. به سختی جای پارکی برای ماشینم پیدا کردم. تمام خیابان پر از خودرو بود و از همین جا می شد فهمید، استقبال از پنجمین جشنواره شعر و موسیقی مازندران که هر ساله توسط موسسه فرهنگی پارپیرا، به مدیریت فرهود جلالی کندلوسی برگزار می شود، خوب و پرشور است.

با یکی از دوستان که با هم از شمال آمده بودیم، وارد تالار شدیم. ابتدا بچه های انجمن تالار په و موسسه پارپیرا به استقبال مان آمدند و خوش و بش و جلوتر؛ مهدی قربان پور را ملاقات کردم. منتظر دلاور بزرگ نیا بود که گزینه اول مدیر کلی سازمان میراث فرهنگی مازندران بود، اما آقایان این قدر دست کردند که... بگذریم! مهدی برای کودکان سرطانی ماهک فیلمی ساخته بود که قرار بود در این جشنواره رونمایی و اکران شود.

دو، سه ردیف جلوتر، چهره های فرهنگی و سیاسی نشسته بودند. در یک نگاه عبدالحسین مختاباد را دیدم که حالا تاثیر عضویت اش در شورای شهر تهران، اندکی بر هنر خوانندگی اش غلبه کرده است.

داود رشیدی، داود هرمیداس باوند، داود کشاورزیان، نیکزاد لاریجانی، دلاور بزرگ نیا، سید هادی حسینی، قاسم احمدی لاشکی، شمس الله شریعت نژاد، سیدرمضان شجاعی و... کمی آن سوتر؛ اکبر پور؛ مدیرعامل مازندرانی نمایشگاه های بین المللی ایران، همگی با ولع تمام به تماشای برنامه ها نشسته بودند. یکی دو مهمان خارجی هم آمده بودند؛ از جمله پروفیسور ماتوس از انگلستان.

پس از اجرای نمادین تیرما سیزده شو، احمد ناطق نوری پشت تریبون رفت. او سخنران ثابت بیشتر دوره های این جشنواره بوده است. هم او و هم دیگرانی که سخنرانی کردند، اصلا فارسی صحبت نکردند، به گونه ای که وسط برنامه یکی با تحقیر گفت: زبان روستایی فارسی.....!

ناطق نوری در جایی از سخنانش گفت: مازندرانی ها به عشق مولا امیرالمومنین؛مسلمان شدند، نه شمشیر عرب ها. در ادامه، مجری برنامه سمانه جعفری که فارسی را بهتر از مازندرانی صحبت می کرد، از علی حسن نژاد خواست شعری بخواند و این شاعر سوادکوهی هم چند شعر معروف مازندرانی خود را برای حاضران خواند:

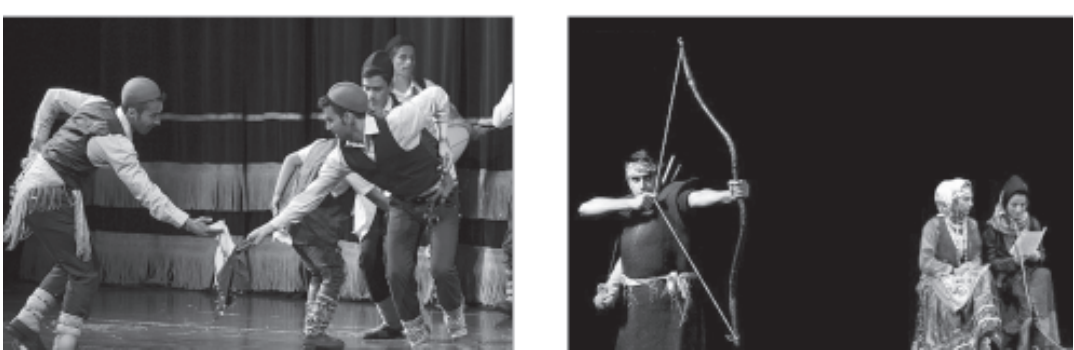
تره او بخرد خاک بوی واری دوست دارمیه

بهار آفتاب نرم سوی واری دوست دارمیه

محمد ابراهیم عالمی؛ مثل همیشه خواننده گروه بود و جمشید نیکو زاد(دسرکوتن)، منوچهر فهمی(دوتار)، پرویز عبداللهی (قرنه) و کاوه کاردگر(کمانچه) قطعات؛ سما حال، کنولی، گل بی بی، طویه جان، مریم بانو جانا و ته بلاره را برای ده هافنری که در تالار بودند، اجرا کردند.

موسیقی که تمام شد، بخش تجلیل برنامه فرا رسید و چهره های منتخب در بخش های مختلف روی سن رفتند و لوح قدردانی و تندیس گرفتند.

کسانی که در پنجمین جشنواره از سوی برگزارکنندگان



به نظر تان برنامه های صدا و سیما در زمینه فولکلور و آداب و رسوم مازندران، تنوع و کیفیت مناسبی دارد؟ آیا شبکه ی استانی توانسته انتظارات را در این بخش ها برآورده کند؟

صدا و سیما یک خروجی و یک ویتترین است. خروجی های دیگری هم هستند که باید در آن جا هم به این امور توجه شود. نمی شود تنها از صدا و سیما انتظار داشته باشیم. خانواده و آموزش و پرورش، خروجی های دیگری هستند که نقش زیادی در این زمینه دارند. در رابطه با سوال تان، باید ببینیم انتظارتان از صدا و سیما چیست. وظیفه ی صدا و سیما هم حفظ و حراست از فرهنگ بومی و دینی ماست و هم برنامه سازی و آموزش و گسترش این موضوع. مطمئنا نقص هایی هست، ضمن این که صدا و سیمای مازندران، دچار کمبودهای

مالی است. با این حال، مادر ابتدا باید تعریف درستی از فرهنگ ارائه بدھیم و در ادامه به آثار دیرروز و تحلیل آثار گذشته، راه مان را در آینده پیدا بکنیم.

در رابطه با کیفیت و تنوع برنامه ها نظرتان چیست؟ به هر حال تلاش هایی دارد انجام می شود، به ویژه در حوزه ی مستند. در حوزه فیلم مستند، تنوع وجود دارد. نمایش های طنز اما چندان موفق نبودند. مردم هم در این زمینه گلایه هایی داشتند و دارند. نباید از حق بگذریم که کارهای خوبی هم انجام شده است. من فکر می کنم در حوزه مستند، عملکرد صدا و سیما قابل دفاع است.

بین این برنامه ها کدام را بهتر از بقیه دیده اید؟ مستند کایر و میان کاله، مستندهای خوبی بودند که بنده تحقیق اولیه و نویسندگی این دو مستند را برعهده داشتم. این دو کار را آقای رسول پور کارگردانی کرده است.

به نظر می رسد شبکه ی طبرستان در رقابت با شبکه های دیگر چندان موفق نبوده و نتوانسته مخاطبان خود به ویژه جوانان را راضی نگه دارد، موافقید؟

به هر حال توقع از رسانه ای مثل صدا و سیما بالا است. به نظرم نیاز هست که یک غبار روبی صورت بگیرد. خودم با پخش کارهای ملی در شبکه ی استانی موافق نیستم. پخش یکسری فیلم های قدیمی که تولید خودمان نیستند، چاره ی کار نیست. توجه داشته باشید که ما از اساسنامه ی صدا و سیمای مازندران بی اطلاع هستیم. همان طور که گفتم، باید ببینیم شبکه ی استانی چقدر دستش باز است، چه محدودیت هایی دارد و بر همان اساس توقع داشته باشیم.

انگار رادیو در این زمینه موفق تر بوده و توانسته مخاطب خود را حفظ کند. چرا شبکه ی طبرستان به اندازه ی رادیو مازندران موفق نیست؟

به نظر من تاثیر گذاری رادیو خیلی بیشتر از تلویزیون است. ضمن این که رادیو هزینه های کمتری دارد. برنامه ریزان در رادیو و تلویزیون تلاش خودشان را می کنند. گاهی

علی حسن نژاد:

هنوز مکانی برای پژوهش نداریم

اشاره : علی حسن نژاد را با قصه خوانی اش در صدا و سیما می شناسند. با صدای گرم اش که به دل می نشیند. او هم پژوهشگر است، هم شاعر. به قول خودش اندکی کارگردانی هم خوانده است. حسن نژاد گروهی هم دارد که در زمینه ی بازسازی آیین های مازندرانی فعال هستند. حرف هایش شنیدنی بود. اطمینان داریم شما از خواندنش ضرر نخواهید کرد.

علی سروی



محدودیت ها و هزینه های تلویزیون، مانع از ساخت برنامه های مناسب می شود. به هر ترتیب، صدا و سیما؛ دو بال هستند که دست به دست هم داده و پیش می روند.

قصه ها و افسانه هایی که شما برای برنامه های تان چه در رادیو و چه در تلویزیون انتخاب می کنید، چقدر مازندرانی است و چقدر بین اقوام مختلف عمومیت دارد؟

این قصه ها و افسانه ها به سه دسته تقسیم می شوند. یک بخش آن مازندرانی، یک بخش آن ملی و یک بخش آن افسانه های ملل است. بیشتر می خواهیم از ظرفیت های زبانی و نمایشی خودمان برای روایت این قصه ها استفاده کنیم. من این موضوع را در ابتدا به مخاطب می گویم. می گویم که این داستان از چه کتابی برایش نقل می شود.

در زمینه کتاب چطور؟ آیا کتاب های خوبی

در رابطه با فرهنگ و تاریخ مازندران به چاپ رسیده؟ در زمینه تاریخ مازندران، بله. حتی تحلیل هم ارائه کرده اند.

اگر نقاط تاریکی در تاریخ وجود داشته، پژوهشگران ما مطالب خوبی را در رابطه با آن موضوع جمع آوری کرده اند. در حوزه ی جمع آوری مطالب که بخشی از کار پژوهش است، ما جلو هستیم. من جای آثار تحلیلی را کم می بینم. مواد خام جمع آوری شده، نیاز به تحلیل دارند. کار در زمینه پژوهش سخت است و حمایت لازم صورت نمی گیرد. ما هنوز یک مکان برای پژوهش نداریم. مرکز پژوهش هست اما بود و نبودش انگار تفاوتی ندارد و این موضوع را از خروجی ها ی مرکز پژوهش می توان فهمید.

وضعیت شعر طبری را چطور می بینید؟

کتاب های خوبی در این زمینه به چاپ رسیده. ضمن این که ما در شعر بومی، پیشینه ای مانند «امیر» را داریم. پیشینه ای مانند «نیما» را داریم که دیدگاه های نویی در این زمینه دارد اما قالب نویی ندارد. برخی ها هنوز گرفتار سبک و سیاق قدیم اند و غم گذشته را می خورند. برخی ها هم دیدگاه هایی صرفا توصیفی و تمثیلی دارند. در کارهای امیر و نیما هم این دیدگاه ها وجود داشت. ما امروز نیازمند نفس های تازه هستیم تا شعر مازندران به جایگاهی که لیاقت اش را دارد، برسد.

اسا شعر توانسته فضای تازه ای ایجاد کند؟ یکی، دوده؛ از اسا شعر گذشته و می توان گفت که حالا

دیگر راحت تر می شود در مورد آن حرف زد. اسا شعر، با بهره گیری از تکنیک های روز و براساس نیازهای امروز شکل گرفته است. شکل دیگری از آثار کوتاه که سابق بر این، مادر دوبیتی های امیر تجربه اش کرده بودیم. اسا شعر مانند هایکو، با کمترین کلمات می خواهد حرف اش را بزند. با کمترین کلمات بی آن که محتوای شعر از بین برود. اسا شعر تقریبا از دهه ی هفتاد شروع شد و آثار خوبی هم در این قالب هست اما هنوز بین مردم محبوبیت ندارد و این می تواند یکی از دغدغه های سرایندگانش در ادامه کار باشد.





ملایی کندلوسی



در اسطوره های ملی و مذهبی به شخصیت هایی برخورد می کنیم که نه تنها در زمان خودشان بلکه بر آینده نیز تاثیر گذار بودند. این شخصیت ها، گاهی در یک اثر فرهنگی، هم چون؛ یک کتاب و یا یک تابلوی نقاشی و خط و یا با فداکاری خویش در راه آرمان های بشری، جاودانه می شوند.

یکی از این شخصیت ها، «آرش کمانگیر» است. جنگ بین افراسیاب تورانی و منوچهر شاه در طبرستان، دوازده سال طول کشید ومقرر گردید، تبری از کوه های رویان در طبرستان انداخته شود و در هر کجا فرود آید، مرز بین ایران و توران خواهد بود. در میان لشگریان ایران، آرش این شخصیت ایرانی که چنین امر مهمی را به عهده گرفت، آن قدر زه کمان را کشید که پس از رها شدن تیر از کمان، جسمش پاره پاره شد ولی از آن جا که طبق قرار قبلی، افراسیاب پس از دوازده سال جنگ و خونریزی می بایست از سرزمین ایران خارج می شد، مردم آن روز را جشن گرفتند و این سنت از آن تاریخ تاکنون، در ایران و به خصوص در مازندران، پا بر جاست. داستان آرش کمانگیر در کتاب های زیادی به تفصیل شرح داده شده است، از جمله: در کتاب تاریخ طبرستان اثر بهاءالدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب که در سال ۶۱۳هجری تالیف شده است. وی در باره جنگ بین افراسیاب و منوچهر، پس از پناهنده شدن منوچهر به طبرستان، چنین می نویسد:او (منوچهر) به طبرستان آمد و منوچهر در سرحد رویان، به دیهی افتاد که «مانهر» گویند و آن جا غاری عظیم است....در این غار شدند و افراسیاب به بقعه که آن را خسره گویند از دیه های آمل فرود آمد و تا به عهدوشمگیر بن زیاد، پدر قابوس، این دیه را عمارت پیدا بود و بالای این دیه، درختی بود که «شانی مازی بن» گفتند و خیمه افراسیاب را زیر آن درخت زده بودند. دوازده سال آن جا بماند. چون افراسیاب عاجز شد از یافتن منوچهر، مصالحه رفت بر آن که بریک پرتاب تیر، ملک منوچهر را مسلم دارد و بر این عهدرفت و آرش از آن جا تیر به مرو انداخت و در بسیار کتب تازی و پارسی نظماً و نثراً ذکر این تیر انداختن نبشتند و بعضی گفتند؛ به طلسم و نیرنج (نیرنگ) انداختند. والعلم عبدالله و دو تیر انداختن است که عجم را بدان فخر است بر اهل سایر اقالیم یکی این ویکی آن که شهنشاه کسری ...

ابوریحان بیرونی در کتاب آثار الباقیه سبب پیدایش جشن تیرگان را چنین ذکر می کند: «کمان را تا بنا گوش خود کشید و خود پاره پاره شد و تیر از کوه رویان به اقصای خراسان که میان فرغانه و تخارستان است به درخت گردوی بزرگی فرود آمد به مسافت هزار فرسنگ ومردم آن روز را عید گرفتند.»

در کتاب آئین ها و جشن های کهن در ایران امروز نوشته محمود روح الایمنی چنین می نویسد:«نشانه های برگزاری جشن تیرگان از قرن ششم به بعد در سند های تاریخی اندک است. در روزگار ما فقط در شهرهای مازندران مراسم تیرما سیزده شو بر جای مانده است. تیرما در تقویم مازندرانی (مانند تقویم فرس قدیم) مصادف با آبان ماه در تقویم جلالی (تقویم امروز ایران) است. محاسبه فصل ها و فعالیت های کشاورزی و جشن های کهن بر پایه تقویم محلی مازندرانی، تا یک نسل پیش رایج بود.» (لازم به ذکر است هنوز هم در بعضی از روستاهای مازندران بر مبنای تقویم مازندرانی محاسبات انجام می گردد.)

درکتاب واژه نامه طبری، تالیف دکتر صادق کیا، درباره محاسبه ماه های سال بر پایه گاه شماری

فرس قدیم در مازندران (طبرستان) چنین آمده است: اکنون نوروز آنان (مازندرانی ها) در نیمه دوم اونه ما (آبان ماه) وتیرماه آنان در پاییز است و جشن تیرگان را در پاییز می گیرند. این جشن در روز سیزدهم آبان ماه هرساله بر گزار وبه (تیرما سیزده شو) معروف است.

این جشن اکنون در مناطق مختلفی از مازندران و همسایگان آن از جمله مناطقی هم چون: سواد کوه، سنگسر، شه‌میرزاد، فیروزکوه، دماوند، بهشهر، دامغان، ماه‌ا، ساری، بابل، آمل، نوشهر و شهنسوار (تنکابن) و طالقان برگزار می گردد. در این میان به سراغ شهرستان نوشهر و بخش کجور می رویم تا با نحوه و باورهای این جشن آشنا شویم.

تیر ما سیزده شو در کجور

امیر خوانی و فال حافظ و شاهنامه خوانی

یکی از مراسمی که در این جشن قابل اهمیت است امیر خوانی و فال حافظ و اجرای موسیقی است. امیر خوانی را معمولاً پیران دهکده و یا کسانی که از صدای خوبی برخوردار باشند، با اشعاری از امیر پازواری به صورت تک خوان و یا همراهی نی و آوازی در گوشه هایی از ردیف دشتی، در دستگاه شور موسیقی ایرانی، اجرا می کنند. نمونه اشعاری از امیر پازواری که در این مراسم می خوانند:

بلبل گنه جان مه تن اتا مثقاله

مه مثقال تن هزار فکرو خیاله

(بلبل می گوید ای جانم وزن تن من یک مثقال است، همین یک مثقال را هزار فکر و خیال است)

هر کی عاشقی نکرده و مرداله

صد سال دوویه و فلک حماله

(هرکسی عاشقی نکرده است، او مرده است، گر چه صد سال زنده باشد فلک را حمال است)

فال حافظ از دیگر مراسم این جشن می باشد که از قدیم ایام باسوادان دهکده، در جمع های خانوادگی ویا فامیلی اشعار حافظ را درلواى (فال حافظ) ونیز اشعاری از فردوسی را (شاهنامه خوانی) می خوانند.

موسیقی محلی

همنواى سرنا ودهل از بعد از ظهر روز جشن شروع و تا پاسی از شب گذشته ادامه دارد. نواختن لله وا (نی محلی)، بخش مهمی ازاین جشن را به خود اختصاص می دهد. هنوز هم صدای نی عمو افراسیاب و دایی سلطان در گوش من یادآور مهرورزی های مردمان خوب دهکده است و شاید برای خیلی از کسانی که امروز در کوچه و پس کوچه های زندگی، درگیر روزمره گی هستند با شنیدن صدای نی و سرنا و دهل، احساس نزدیکی به ماهیت و اصالت وجودی خود می نمایند.

غذاها، تنقلات و سایر مراسم

هم چنین در روستای کندلوس و در شب تیرما سیزده شو، برای این که تعداد خوراکی ها به سیزده برسد، از مواد غذایی هم چون؛ کدو، کلم، چغندر (چنگل)، لوبیا و سیب زمینی به صورت پخته که آن را «هکشی» می نامند، استفاده می کنند و «هائیشت» نیز یکی دیگر از اولویت آن شب است. هائیشت؛ ترکیبی از گندم، شاهدانه به صورت برشته است که کشمش و گردو نیز به آن اضافه می شود و در آن شب مورد استفاده قرارمی گیرد و هم چنین باور دارند که در موقع شکستن گردوها برای درست کردن هائیشت، هر یک از گردو ها قبل از شکستن، به نیت شخصی که مورد توجه آن جمع می باشد، نام گذاری می شود. اگر چنان چه گردوی مورد نظر، پوک و بدون مغز باشد، این باور را داشتند که شخص مورد نظر تا قبل از جشن تیرما سیزده شوی سال دیگر خواهد مرد!

در ایام کهن، به دلیل کم بودن برنج، از دانه های ارزن (گورس) به جای آن استفاده می کردند و برای این که جشن تیرما سیزده شورا به بهترین نحو اجرا کنند، آن شب از برنج استفاده می کردند. چون این جشن در فصل پاییز با رسیدن میوه های جنگلی هم چون؛ زالزالک وحشی (ولیک) وارگیل (کنس) و الندری و زرشک و دیگر محصولات جنگلی، هم زمان می باشد، میوه های فوق نیز تناول می شود.

هم چنین در غروب این روز؛ جوانان هم با در دست داشتن ترکه ای بلند که کیسه ای به انتهای آن بسته شده است، همراه کودکان به در خانه ها رفته و با سرو صدا و کوبیدن چوب به در خانه ها و لال بازی، از صاحب خانه تقاضای هدیه می کنند و به آن ها پول، میوه و شیرینی داده می شود و در کوچه ها به همراه حرکات موزون به خواندن اشعاری پردازند.

گفتگوی پیش بینی نشده با یک کودک بیمار

اول؛ سلامتی خودم رو از خدا می خوام

ندا کلایی



می توانی به طور کامل خودت را معرفی کنی؟

من میلاد بالی هستم از شهرستان نوشهر، تا کلاس سوم

دبیرستان درس خواندم و پس از آن نیز بیمار شدم.

الان مدرسه نمیری؟

نه!

پس فعلا از کتاب و در س خبری نیست، کتاب غیر درسی

هم مطالعه می کنی؟

بله، کتاب هایی که جنبه طنز داشته باشد، مثل؛ جوک!

تا الان مسافرت رفتی؟

بله.

کجاها سفرکردی؟

آستارا، اردبیل. البته الان نه، چند سال پیش.

به چه شهرهایی بیشتر علاقه داری؟

مشهد

چرا؟

به خاطر آقام امام رضا(ع)

تلویزیون نگاه می کنی؟

بله.

به چه برنامه هایی بیشتر علاقه داری؟

بیشتر برنامه های طنز را دوست دارم.

آخرین فیلمی که دیدی و خیلی هم خوشت آمده چی

بود؟ می توانی اسمش را بگویی؟

بله، اسمش «ساخت ایران» بود.

کی دیدی؟

دو هفته پیش.

فیلم های مستند چه طور؟ به این جور فیلم ها علاقه داری؟

بله، از فیلم های مستند. بیشتر، فیلم هایی که درباره حیوانات باشد، مانند؛ «راز باق، را دوست دارم که ببینم.

چه آرزویی داری؟



ولی این بار با موارد پیش فرق می کرد. میلاد را به بیمارستان نوشهر بردیم. دکتری که در بیمارستان بود، گفت: باید او را به بیمارستانی در ساری ببرید؛ نزد «دکتر کوثریان».

پس از آن هم دکتر کوثریان ما را به «دکتر کرمی» معرفی کرد و دکتر کرمی هم به محض دیدن میلاد، فوراً بیماری میلاد تشخیص داد و گفت: باید از غده تکه برداری کنیم.

میلاد؛ چه وقت از بیماری خودش مطلع شد؟

از همان اول بهش گفتیم که بیماری سرطان غدد لنفاوی دارد. یک جوهرهایی خودش هم از اطلاعاتی که در اینترنت به دست آورده بود، به بیماری خودش پی برده بود. پس از آن هم میلاد در ۱۲ جلسه، شیمی درمانی شد.

پس از ۱۲ جلسه شیمی درمانی، او را برای گرفتن عکس هسته ای به «بیمارستان شریعتی» تهران بردم. دکتر پس از دیدن عکس گفت: متأسفانه غدد لنفاوی میلاد ورم کرده است و برای درمان از راه پیوند عضو باید سه جلسه دیگر شیمی درمانی شود تا ورم اش بخوابد.

در حال حاضر رسیدگی به بیماران سرطانی چطور است؟
راستش هزینه های درمانی خیلی بالا رفته، برای گرفتن دو تا عکس هسته ای در بیمارستان شریعتی تهران، ۶ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان پرداختم که از این مقدار تنها ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان برای عکس اصلی دادم.

با توجه به این که میلاد باید به طور مرتب تحت نظر دکتر کرمی باشد، منزلی را در ساری اجاره کردیم که ماهی ۲۸۰ هزار تومان برایش می دهیم. هزینه بالای مخارج زندگی، بار سنگینی را بر دوشم قرار داده است و در این میان، با کمک خانواده خودم و همسرم، سعی در جبران این هزینه را داریم.

وضعیت درمانی میلاد در بخش آنکولوژی بیمارستان چطور است؟

وضعیت درمانی خوب است و از دکتر کرمی که پزشک معالج میلاد است، راضی هستیم و همین جا از ایشان تشکر می کنیم. البته میلاد انتظار دارد که مسولان بیشتر به دیدن آن ها بیایند. در مدتی که برای شیمی درمانی تحت مراقبت بود، خیلی حوصله اش سر می رفت و دوست داشت؛ در بخش، به اینترنت وصل باشند و به سایت های مختلف سر بزنند.

میلاد بیشتر از چه چیزی؛ ناراحت می شود؟

معمولاً زمانی که کسی به میلاد می گوید: «خدا شفایت دهد». از این لحن ناراحت می شود. می خواستم بگویم؛ بهتر است به بیماران بگویند؛ انشاالله زودتر از بیمارستان بیرون بروی و به زندگی طبیعی خود باز گردی.

کمی هم درباره علاقمندی های میلاد صحبت کنیم؛ پسرتان چه غذاهایی را بیشتر دوست دارد؟

پیتزا، کوبیده ووجه کباب

خاطره مشترکی با میلاد دارید که برای او هم جالب باشد؟
بله. سیزه بدر امسال، میلاد در بیمارستان بستری بود و خیلی بی حوصله شده بود. ما نیز به همراه ۵۰ نفر از اقوام مان که تا کنون بسیار از میلاد حمایت کرده اند، به بیمارستان آمدیم و سیزده بدر را در این جاسپری کردیم. یادم می آید؛ آن روز میلاد از آمدن ما خیلی خوشحال شد و کلی ذوق کرد.

به غیر از میلاد، فرزند دیگری هم دارید؟

بله. یک پسر دیگر دارم که دانشجو است و رابطه خوبی هم با میلاد دارد و همه جا بالا سرش هست.

در پایان حرفی دیگری برای گفتن دارید؟

بله. فقط می خواستم بگویم که از خاله ها، عموها و دایی های میلاد به خاطر حمایت هایشان تشکر می کنم و آرزو دارم که بزودی همه بیماران از بیمارستان مرخص شوند و به زندگی طبیعی خود بازگردند.



گفتگو با ماریا متولیان شاه رضایی کتابدار:

دلم می خواهد منابع کتابخانه به روزتر باشد

ندا کلایی

«**ماریا متولیان شاه رضایی**»، کتابدار «**کتابخانه عمومی ابن شهر آشوب**» ساری را از سال ها پیش می شناسم. زمانی که سال های دانشگاه را به اتمام رسانده بودم، برای گذران اوقات فراغت و مدت کوتاهی نیز برای ادامه تحصیل به کتابخانه عمومی در رفت و آمد بودم. هرچند پیش از انجام این مصاحبه، تنها چهره گرم و با محبت متولیان برایم آشنا بود و حتی نام وی را هم نمی دانستم ولی نزدیک شدن به هفته کتاب و کتابخوانی، فرصتی برایم به وجود آورد تا با راهنمایی مدیر مسئول ماهنامه «ارمون» گفتگویی با وی به عنوان یک کتابدار داشته باشم. متولیان متولد سال ۱۳۴۹ و فارغ التحصیل رشته فلسفه غرب از دانشگاه اصفهان است و ۱۶ سالی هست که به عنوان کتابدار فعالیت می کند. ابتدا کارش را از کتابخانه ی شهر کوهی خیل، شروع کرد و در سال ۱۳۸۷ به کتابخانه عمومی ابن شهر آشوب ساری منتقل شد. خوش اخلاقی و چه بارز اوست و مهربانی اش او را از سایر همکارانش متمایز کرده است. گفتگوی ما با این کتابدار که خوب می داند چطور علاقمندان به کتاب را همان طور علاقمند نگه دارد: در ادامه می خوانید.

همسرتان چطور؟

بله، همسرم بسیار اهل مطالعه است؛ در مقطع فوق لیسانس تحصیل کرده است و حتی شاید بیشتر از من اهل مطالعه و کتاب خواندن باشد.

بیشتر دوست دارید چه کتاب هایی را در اختیار دخترتان قرار دهید؟

کتاب هایی با محتوای دینی، روان شناسی و اجتماعی. دوست دارم که دخترم نسبت به مسایل اجتماعی آگاهی بیشتری بیابد تا در زندگی خود از تجاربی که به دست آورده، استفاده کند.

چه کتاب هایی بیشتر از بقیه مشتری دارد؟
جوان ها بیشتر رمان دوست دارند و کمتر کتاب های دینی می خوانند.

چه نوع رمان هایی؟ کلاسیک؟
نوجوانان و جوانان همه مدل رمانی مطالعه می کنند؛ کلاسیک، عامه پسند و... بطور کلی؛ داستان و قصه را بیشتر دوست دارند اما سایر افراد، بویژه تحصیل کرده ها رمان های کلاسیک و آثار نویسنده های خارجی مثل تولستوی، فاکتر و... را بیشتر امانت می برند.

خودتان چه کتاب هایی را برای خواندن به جوانان پیشنهاد می دهید؟

به نظر من جوان ها ابتدا کتاب های مذهبی بخوانند چون زمانی که اطلاعات مذهبی ما کامل باشد و وظایف دینی خود را به خوبی انجام دهیم، به طور یقین کارهای دیگر ما نیز با موفقیت انجام می شود. در کنارش، کتاب های دیگر مانند؛ کتاب های علمی، روان شناسی و اجتماعی هم می توانیم مطالعه کنیم.

مراجعه کنندگان شما بیشتر از چه قشری هستند؟
چون این جا کتابخانه مرکزی شهر است، از فردی که مدرک دکترا دارد تا کودکی که در آمادگی است، برای امانت گرفتن کتاب به این جا می آیند ولی خب، به طور کلی نوجوانان و دانشجویان بیشتر به کتابخانه مراجعه می کنند. شاید هم پله هایی که کتابخانه دارد، موجب شده تا سالمندان کمتر به این جا بیایند!

به نظرم، ما کتابدارها می توانیم تعداد مراجعین را افزایش دهیم. به طور مثال ؛ می توانیم با اهدای یک کتاب به یک کودک یا نوجوان، آن ها را تشویق کنیم تا کتاب های بیشتری را مطالعه کنند. اگر مسئولان این منابع را در اختیار کتابخانه قرار دهند، کتابدارها هم می توانند با تشویق کودکان و نوجوانان که قشر حساس جامعه هستند، آن ها را به خواندن کتاب ترغیب کنند. هنگامی که مراجعه کودکان به کتابخانه بیشتر شود، به طور یقین بزرگسالان هم بیشتر برای مطالعه به کتابخانه می آیند.

آیا شده است مراجعه کنندگانی که به مدت طولانی به کتابخانه عمومی مراجعه می کنند، از دوستان شما شوند؟
بله، مراجعه کنندگان دایمی زیادی داریم که به نوعی از دوستان ما کتابدارها هستند و از ما راهنمایی می گیرند و ما هم از آن ها درس هایی می آموزیم که مفید است.

بانوانی که به کتابخانه مراجعه می کنند، بیشتر شاغل هستند یا خانه دار؟

بانوان شاغل به کتابخانه می آیند، ولی تعداد مراجعه کنندگان خانه دار بیشتر است و از کتاب های رمان هم استقبال خوبی می کنند.

از سیستم ارایه خدمات به اعضای کتابخانه عمومی راضی هستید؟
من به عنوان یک کتابدار راضی هستم. به عقیده من، نظر مراجعه کننده نسبت به ارایه خدمات بیشتر اهمیت دارد و میزان رضایت آن ها از کارما خیلی مهم است.

از ساعت کاری تان راضی هستید؟
ما در دو شیفت در گردش کار می کنیم؛ از ساعت ۷ صبح تا دو نیم بعد از ظهر و عصرها هم از تا ۷ غروب. ساعت کار ما زیاد است. با توجه به این که اکثر کتابدارهای این جا خانم هستند و وظایف و مشغله های دیگری هم به جز کتابداری برعهده دارند ۷ ساعت و نیم کار در کتابخانه، زمان زیادی است. به ویژه در زمستان که زودتر شب می شود و ساعت ۷ شب، دیر وقت به حساب می آید. در ادارات دیگر، ساعات کاری آن قدر زیاد نیست. در واقع، ساعت کاری، برای ما رضایت بخش نیست.

درباره کتابخانه های کشورهای دیگر، اطلاعاتی دارید؟
وضعیت کتابدارهای آن جا چطور است؟

کتابخانه های کشورهای دیگر، مانند کتابخانه ملی ایران، به روز است. تعداد کتابدارها کم است ولی امکانات بیشتری در اختیاردارند، کارها به صورت الکترونیکی انجام می شود، مراجعه کننده با کارت عضویت خود وارد کتابخانه می شود و کمتر به راهنمایی کتابدار نیاز پیدامی کند. شاید ساعات کاری کتابدارهای کشورهای دیگر ۵ ساعت باشد ولی کارمفید است.

شیرین ترین خاطره ای که در زمان کتابداری دارید، چیست؟
ابتدای کارم، در کتابخانه کوچکی کتابدار بودم که پسر کوچکی برای گرفتن کتاب به کتابخانه آمد. از من پرسید: کتاب را چطور می خوانند؟! من نیز کتاب داستان حسن کچل را یکی، دوبار برایش خواندم.

پس از این که کتاب را برایش خواندم، گفت : خاله ! کتاب را به من می دهی تا ببرم خانه؟ من هم کتاب را به او امانت دادم تا ببرد و به مادرش گفتم تا پس از خواندن، کتاب را باز گرداند. البته آن کودک هم این قدر به کتاب علاقه داشت که دیگر آن را نیاورد ! خوشی این خاطره برای من این بود که کودکی که در یک روستا زندگی می کند و شاید تمکن مالی هم نداشت،، چقدر زیاد نیازمند مطالعه و خواندن کتاب بود که به کتابخانه آمد. و نتیجه می گیریم که مطالعه و علاقه به کتاب، ارتباطی

”

نوجوانان و جوانان داستان و قصه را بیشتر دوست دارند و افراد تحصیل کرده رمان های کلاسیک و آثار نویسنده های خارجی مثل تولستوی، فاکتر و... را بیشتر امانت می برند.

”

به وضعیت مالی و محل زندگی ندارد.
خاطره بدی هم از زمان کار در کتابخانه به ذهن دارید؟
بله. مراجعه کننده ای به کتابخانه مراجعه کرده بود که چند کتاب به امانت گرفت و کتاب دیگری نیز برای امانت می خواست که امکان امانت دادن آن نبود. وقتی با مخالفت ما مواجه شد، با عصبانیت کتاب را به طرف ما انداخت و بد و بیراه گفت و رفت ! و چون ارباب رجوع بود، ما هم چیزی به او نگفتیم. بعضی وقت ها چنین اتفاقاتی می افتد.

پس مشغله ذهنی زیادی در زمان کار دارید؟
بله. اولین مشغله ما این است که بتوانیم منابع مورد نظر مراجعه کننده را در اختیار وی قرار دهیم.
در مردم این ذهنیت وجود دارد که کتابداری کار بسیار آسانی است. شما چطور فکر می کنید؟
نه. این ذهنیت درست نیست. کتابدار دغدغه بسیاری در



شغل خود دارد. کتابدار یعنی؛ مشاور امین، یعنی؛ روان شناس. به عقیده من؛ یک کتابدار کار زیادی می تواند انجام دهد. به طور مثال؛ زمانی که یک مراجعه کننده وارد کتابخانه می شود، کتابدار از روی رفتار، برخورد و حتی حرف زدن وی، متوجه نوع کتابی که می خواهد، می شود و می تواند کمکش کند.
شغل کتابداری؛ تنها به دادن کتاب و دریافت آن از مراجعه کننده خلاصه نمی شود، در پس حرفه کتابداری، خیلی از فعالیت ها مخفی مانده است که به دید مردم نمی آید. در کتابخانه بیش از ۵۰ هزار جلد کتاب وجود دارد که اگر یک کتابدار از هر کتابی، تنها جمله ای بخواند، می تواند تجارب بسیاری به دست آورد که از آن ها برای راهنمایی مراجعه کننده استفاده کند.

دوست دارید که همیشه کتابدار باشید؟
بله، کتابداری را دوست دارم و باید هم در این شغل بمانم. اگر پیشنهاد شغل دیگری به شما بدهند، چطور؟
نه، هیچ پیشنهاد کاری را نمی پذیرم.

دوست داشتید به جای کتابخانه عمومی شهر ساری، در کتابخانه دیگری مشغول بودید؟ به طور مثال کتابخانه بزرگتری مورد نظر شما هست؟

نه، چون کارم را در محل کوچکی شروع کردم. تمام تلاش من این بود که در کتابخانه عمومی ساری مشغول شوم و با توجه به این که می دانستم کارم در این جا بیشتر می شود ولی به خاطر علاقه ای که داشتم به کتابخانه ابن شهر آشوب آمدم.

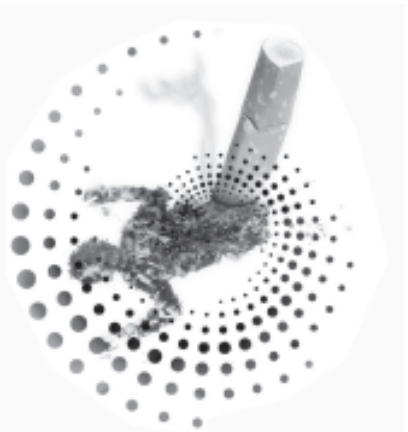
زمانی که کودک بودید، فکر می کردید کتابدار شوید؟
نه. اصلا فکرش را نمی کردم. حتی در دوره راهنمایی با خود می گفتم که بعد از تمام شدن درسم، چه کاره شوم. در دوره دبیرستان و دانشگاه بود که بیشتر به کتابخانه رفتم و پس از تمام شدن تحصیلاتم در شغل کتابداری مشغول شدم.

در کودکی عضو کتابخانه بودید؟
بله، در مقطع راهنمایی عضو کتابخانه کوچکی که در محل کتابخانه فعلی ابن شهر آشوب قرار داشت، بودم و به همراه خواهرم برای گرفتن کتاب می آمدم. به خاطردارم؛ زمانی که در دانشگاه اصفهان تحصیل می کردم، برای انجام تحقیقات به کتابخانه عمومی آن جا می رفتم. در آن جا با کتابخانه های بزرگی آشنا شدم.
در آن زمان کتابخانه ها در محوطه بازی قرار داشت که مراجعه کنندگان؛ کتاب را باز می کردند و پس از آشنا شدن با محتوای آن، کتاب را به امانت می گرفتند.

در چه فصلی از سال کتابخانه شلوغ تر است؟
با توجه به این که کتابخانه مرکزی شهر است، به طور کلی همیشه شلوغ است ولی از ابتدای مهر که مدارس باز می شود، دانش آموزان و دانشجویان بیشتری برای انجام تحقیقات به این جا می آیند.

مسئولان چقدر به این جا سر می زنند؟
معمولا مسئولان شهرستان ساری و بعضی از معاونان مدیر کل به این جا می آیند. در هفته کتاب و کتاب خوانی بازدید مسئولان بیشتر است و برنامه های فرهنگی مختلفی که در طول سال برگزار می شود، در هفته کتاب به اوج می رسد. ولی نیاز است که مسئولان بیشتر به این جا بیایند تا نسبت به مشکلات کتابخانه و کتابداران آگاهی یابند.

حرفی هست که دوست داشته باشید بگویید؟
دوست دارم که نوجوانان و جوانان به جای این که در خیابان ها وقت خود را به بطالت بگذرانند، به کتابخانه بیایند و کتاب مطالعه کنند. عقیده دارم که کتاب بهترین دوست انسان است، کتاب غذای روح است و اگر جوانان کتاب های مفید و مناسب را مطالعه کنند می توانند هر مشکلی را حل کنند، به ویژه کتاب هایی که درباره زندگی امامان معصوم است، می تواند نقش راهنمایی کننده ارزشمندی برای آنان داشته باشد.



رئیس بهزیستی نوشهر :

اعتیاد

مهم ترین عامل طلاق در نوشهر است

جواد بسطامی در گفتگو با «ارمون» با اشاره به این که چهار کمپ ترک اعتیاد میان مدت در نوشهر فعالیت دارند، گفت : در ابتدای فعالیت این کمپ ها، اشکالاتی وجود داشت که خوشبختانه به مرور زمان رفع شد و هر روزی که گذشت شرایط بسیار بهتر و مطلوب تری پیدا کردند و اکنون خدمات بسیار خوبی در این کمپ ها ارائه می شود.وی با بیان این که ایجاد چند کمپ دیگر از سوی بهبود یافتگان در نوشهر مورد تقاضا است، اظهار داشت : متأسفانه توجه جدی به بهبود یافتگان از سوی مسئولین شهری انجام نمی شود و تنها بهزیستی است که به آن ها بیشترین کمک ها را می کند.وی ابراز کرد : در بحث طلاق، یکی از عوامل بسیار مهم در بروز تقاضا برای طلاق، همین معضل اعتیاد است که شاید بیشترین عامل طلاق در نوشهر باشد و سپس معضلات بیکاری و ... در مراتب بعدی قرار دارند. رئیس اداره بهزیستی شهرستان نوشهر، مسکن و معیشت را از عمده ترین مشکلات این اقشار بر شمرد و عنوان کرد : در سال گذشته ۱۰ درصد اعتبار برای اشتغال افراد تحت پوشش بهزیستی در نظر گرفته شد اما بهزیستی نوشهر تا سقف ۲۰ درصد از آن ها حمایت کرد و فرصت های شغلی برای آن ها ایجاد کرد.بسطامی خاطرنشان کرد : شرایط؛ برای فرد بهبود یافته باید به گونه ای فراهم شود تا بار دیگر در دام اعتیاد گرفتار نشود.وی تصریح کرد: بهزیستی؛ برای افرادی که در مراکز درمانی میان مدت بسر می برند، در هر دوره مبلغ ۶۰۰ هزار ریال و برای مراکز سرپایی مبلغ ۴۰۰ هزار ریال می پردازد و بنابراین باید اعتبارات ویژه ای برای این موضوع در نظر گرفته شود تا در ارائه خدمات با مشکل مواجه نشویم. وی ادامه داد : هم چنین یک دوره ۲۸ روزه میان وجود دارد که هر خانواده باید مبلغ ۳ میلیون ریال بپردازد و این برای خانواده هایی که توان و بضاعت مالی ندارند، سخت است و نیاز به توجه مسئولین دارد تا این مشکلات بر طرف شود. رئیس اداره بهزیستی شهرستان نوشهر گفت : از آن جایی که نوشهر یکی از شهرهای توریستی و بسیار گردشگر پذیر است، باعث وجود تنوع مواد مخدر در این شهرستان می شود که در نهایت آسیب ها را زیادتیر می کند و باید چاره ای برای این موضوع اندیشه شود. رئیس اداره بهزیستی نوشهر با بیان این که در سال گذشته ۵۵۰ نفر بیمار اعتیاد در نوشهر از بند اعتیاد رهایی یافتند، یادآور شد : این افراد، در سلامت کامل قرار دارند و به دامن زندگی و جامعه بازگشتند.

مدیر خانه بهبودی طلوع رهایی نوشهر :

از کودکی به فرزندان خود «نه» گفتن را بیاموزیم



یکی از دغدغه ها و نگرانی هایی که امروزه خانواده ها و جامعه را درگیر خود کرده است، معضل اعتیاد است. بالای خانمان سوزی که زندگی را برای فرد و خانواده، به جهنمی سخت مبدل می سازد و تمامی ثروت های مادی و معنوی فرد و خانواده را می بلعد و از بین می برد. درد سخت و جانکاهی است که عذیری از یک خانواده، در دام شوم اعتیاد گرفتار شود و آتش اعتیاد خانواده را در هم بکوبد و از هم فرو پاشد. هزینه های هنگفتی که مواد مخدر و معضل اعتیاد بر جامعه تحمیل می کند، بسیار زیاد و سنگین است. اما از سویی دیگر نیز جای مسرت است که بسیاری از کسانی که در دام اعتیاد گرفتار بودند، به خود آمده و برای رهایی از آن عزم خود را جزم می کنند و بالاخره نیز از این بالای خانمان سوز رهایی می یابند و تولدی تازه می یابند و در آغوش گرم جامعه و خانواده به فرداهایی زیبا

”

اگر آموزش هایی نظیر «نه» گفتن، حل مسایل، کنترل خشم، برقراری ارتباط و ... آموزش داده شوند، می توان با این آموزش ها و فرهنگ سازی جلوی بسیاری از مشکلات و معضلات، از جمله روی آوردن به مواد مخدر را گرفت

”

می اندیشند. در این ارتباط همایشی تحت عنوان «همایش معتادان بهبود یافته خانه طلوع رهایی نوشهر» برگزار شد که در حاشیه این همایش با مدیر خانه طلوع رهایی نوشهر گفتگویی انجام دادیم که در زیر می خوانید:

یوسف مختاری در گفتگو با ارمون گفت : در حال حاضر بیشترین مصرف مواد مخدر در کشور و استان مازندران، مصرف ماده مخدر «شیشه» است و این بدان خاطر است که با تبلیغات دروغین شایع کردند که ماده مخدر «شیشه» اعتیاد ندارد! وی اظهار کرد: برخی مراکز لاغری شاید به طور مستقیم از شیشه استفاده نکنند، ولی شنیده شد که مواد مشابه ای همچون؛ «ریتالین» و «آمفتامین» برای لاغر کردن افراد استفاده می کنند.

مدیر خانه طلوع رهایی نوشهر یکی از عوامل بالا رفتن آمار اعتیاد در مازندران را توریستی بودن منطقه دانست و بیان کرد: چون از اقصی نقاط کشور برای تفریح به مازندران سفر می کنند، بنابراین امکان دارد با خودشان مشروبات الکلی و مواد مخدر نیز داشته باشند و این، منطقه ما را به دلیل تردد افراد مختلف، آسیب پذیرتر می کند.

وی یادآور شد: باید فرهنگ سازی شود و آموزش های لازم



علام و نشانه ها

این روزها صحبت های زیادی در مورد لیپید و کلسترول می شنوم و به تازگی جایی در مورد تری گلیسیرید خوانده ام! من که به کلی گیج شده ام این کلمات دقیقا چه معنی ای می دهند؟ کلسترول ماده ای چرب است که در گروه مواد چرب که ما به آن ها لیپید می گوئیم جای می گیرد. لیپیدها برای فعالیت عادی سلول های بدن حیاتی هستد مشکل از وقتی شروع می شود که میزان لیپید در خون بیش از اندازه باشد این چربی اضافه در دیواره شریان ها انباشته می شود با انباشته شدن چربی، شریان ها تنگ و جریان خون محدود می شود که این ابتلا به حمله قلبی و آنزین را در پی دارد. (معمولا پزشکان از شما می خواهند که آزمایش چربی خون دهید این آزمایش میزان کلسترول و تری گلیسیرید خون شما را نشان می دهد. (تری گلیسیرید یکی دیگر از انواع مواد چرب است) کلسترول به غده ها کمک می کند تا هورمون ترشح کنند اما بزرگترین نقش شان ساختن دیواره سلول ها است بدن ما می تواند تمام کلسترول مورد نیازش را از کبد بگیرد جایی که در آن کلسترول از چربی ساخته می شود مشکلات ما از جایی شروع می شود که در خونمان بیشتر از نیاز بدنمان کلسترول داشته باشیم این اتفاق معمولا زمانی می افتد که بیش از اندازه ماده چرب بخوریم.

تری گلیسیرید اصلی ترین فرم چربی های اشباع شده است که از غذاها گرفته می شوند و بیشترین نقش در تولید انرژی بدن را دارند احتمال بروز بیماری های عروق کرونر در افرادی که تری گلیسیرید خونشان بالا و میزان تراکم لیپوپروتئین خونشان کم باشد، بیشتر است. معمولا افرادی که اضافه وزن یا دیابت دارند یا کسانی که بیش از اندازه مشروبات الکلی مصرف می کنند، تری گلیسیرید خونشان بالا است.

دکتر گفته که تمام کلسترول ها برای ام مضر است. تازه متوجه شده ام که ما کلسترول خوب و کلسترول بد داریم فرق این دو چیست؟

کلسترول و دیگر چربی ها در خون حل نمی شوند. آن ها سوار پروتئین ها می شوند و از این طریق در بدن حرکت می کنند. ترکیب چربی و پروتئین لیپوپروتئین نامیده می شود. کلسترول بد یعنی لیپو پروتئین با غلظت کم (LDL) این کلسترولی است که در شریان ها انباشته و باعث تنگ شدن شریان ها می شود. لیپوپروتئین با غلظت بالا (HDL). HDL کلسترول اضافه را از شریان ها دور می کند و به کبد می برد تا در آنجا از بین برده شوند پس برای سلامتی ما باید LDL کم و HDL زیاد داشته باشیم.

ماه دیگر باید آزمایش کامل خون انجام دهم چه حدی از تمام این چربیها در جواب آزمایش خون عادی است؟ کلسترول کلی شما نباید بالای ۵.۰ MMOL/LITRE باشد. HDL باید در مردها بیش تر از ۱.۰ MMOL/L باشد و در خانم ها ۱.۳ mmol/l

میزان LDL باید ۳.۰ MMOL/L یا کمتر باشد ایده آلش بین ۲.۶ یا کمتر است. تری گلیسیرید باید کمتر از ۱.۷ MMOL/L و در شرایط ایده آل ۱.۶ یا کمتر باشد با حساب سرانگشتی کلسترول کلی ۵.۰ برابر با LDL ۳.۰ است البته برای بیماران عروق کرونر و بیماران کلیوی و دیابت این میزان

پرسش ها و پاسخ های پزشکی

خطرات کلسترول بالا

دکتر رمضان بخشیان

متخصص قلب و عروق و عضو هیئت علمی دانشگاه بقیه ...

باید کمتر باشد.

کلسترول ۴ MMOL/L یا کمتر

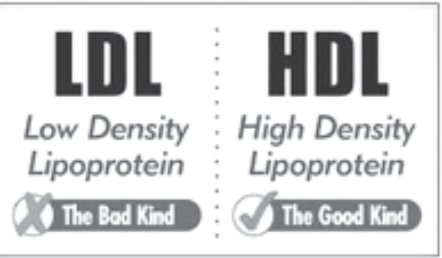
LDL ۲.۰ MMOL یا کمتر

پس ۵، ۳، ۴ و ۲ را به خاطر بسپارید.

تحقیقات نشان داده که اگر افراد عادی هم مثل بیماران عروق کرونر تلاش کنند کلسترول شان را به این حد برساند احتمال بروز بیماری ای قلبی در ان ها کاهش پیدا می کند. فواید این اتفاق برای مردان و زنان یکی است.

وقتی آزمایش چربی خون انجام دادم دکتر خود که هایپر کلوسترولیمادارم این دقیقا به چه معنی است؟

هایپر کلوسترولیمعا یعنی کلسترول کلی خون بالا است. معمولا بالا رفتن کلسترول کلی به خاطر بالا بودن LDL است در خانم ها قبل از یائسگی میزان HDL به خاطر عملکرد هورمون ها بالا است بهتر است همیشه به غیر از کلسترول کلی، میزان هر دو نوع کلسترول را هم بدانیم چون ممکن است اشتباهی میزان کلسترول خوب HDL خونتان را کاهش دهید. مثلا خانم ها قبل از یائسگی کلسترول بالایی دارند و این به خاطر بالا بودن میزان HDL است.



”

وقتی که روغن های گیاهی یا مارگارین ها را انتخاب می کنید این خیلی مهم است که به درصد اسیدهای چرب هم توجه کنید بهترین روغنها روغن هایی هستند که ترکیبی روغن های گیاهی روغن کلزا و مارگارین نرم در آن ها موجود باشد این روغن ها اسیدهای چرب و چربی اشباع کمی دارند ولی سرشار از روغن های غیر اشباع یگانه و چند گانه هستند

”

وقتی برچسب مواد غذایی نگاه می کنیم موارد زیادی از انواع چربی را ذکر کرده اند مثل چربی اشباع یا چربی غیر اشباع ممکن است در مورد معنی این ها کمی بیشتر توضیح دهید؟ چربی های اشباع به طور کلی منشا حیوانی دارند این ها همان چربی های بدی هستند که باعث بالا رفتن کلسترول می شوند.

چربی های غیر اشباع منشا گیاهی دارند و باعث کاهش میزان کلسترول خون می شوند.



چربی های اشباع ترکیبی از الکل، گلیسرول و اسیدهای چرب هستند اسیدهای چرب حاوی زنجیره طولانی اتم های کربن هستند معمولا ۱۲، ۱۴ یا ۱۶ این ها بیشترین تاثیر را در بالا رفتن LDL دارند (کلسترول بد) هر چه که ما بیشتر از چربی های اشباع استفاده کنیم کلسترول مان بالاتر می رود اگر کمتر بخوریم کلسترول در عرض ۳ تا ۴ هفته کاهش پیدا می کند چربی های غیر اشباع از اتم های کربنی تشکیل شده اند که باهم در نقطه مشخص پیوند دو گانه دارند این مسئله باعث می شود که این چربی ها در دمای اتاق به صورت مایع یا نرم باشند اگر در ساختار چربی فقط یک پیوند دوگانه موجود باشد چربی غیر اشباع و اگر چند پیوند وجود داشته باشد چربی غیر اشباع چند گانه است روغن زیتون، روغن کلزا و بادام زمینی همه در گروه روغن های اشباع نشده قرار می گیرند این روغن را همچنین می توان در آووکادو، بادام و روغن ماهی یافت روغن های غیر اشباع چند گانه شامل روغن آفتاب گردان و بیشتر مارگارین های نرم است. (همیشه مشخصات محصول را بخوانید) روغن های غیر اشباع چند گانه هم در کاهش کلسترول خوب تاثیر گذار هستند و هم از تشکیل لخته در خون جلوگیری می کنند همانطور که اگر روغن های اشباع را کنار بگذارید LDL خونتان کاهش پیدا می کند مصرف روغن های غیر اشباع تاثیر خیلی خوبی روی کاهش کلسترول دارند چربی های غیر اشباع چند گانه همچنین می توانند باعث بالا رفتن HDL شوند تمام انواع چربی ها، چه اشباع و چه غیر اشباع، سرشار از کالری هستند پس باید به خاطر داشته باشید که قرار است رژیم غذایی تان را سالم کنید پس نباید در مصرف چربی های غیر اشباع هم زیاده روی کنید.

می توانید اطلاعات بسیار زیادی در مورد رژیم غذایی سالم و لیست غذاهایی که در دسته بندی جای می گیرند پیدا کنید.

دکتر در مورد مضرات اسیدهای چرب برای ام توضیحاتی داده است این ماده در چه غذاهایی وجود دارد؟

اسیدهای چرب در مقیاس خیلی کم در گوشت و محصولات لبنی موجود است اما میزان خیلی زیادی از آن در روغن هایی موجود دارد که تحت عملیاتی به نام هیدروژناسیون در مای اتاق هم جامد هستند. اسیدهای چرب باعث بالا رفتن LDL و کاهش می شوند وقتی که روغن های گیاهی یا مارگارین ها را انتخاب می کنید این خیلی مهم است که به درصد اسیدهای چرب هم توجه کنید بهترین روغنها روغن های هستند که ترکیبی روغن های گیاهی روغن کلزا و مارگارین نرم در آن ها موجود باشد این روغن ها اسیدهای چرب و چربی اشباع کمی دارند ولی سرشار از روغن های غیر اشباع یگانه و چند گانه هستند همیشه به مشخصات غذایی مارگارینی که می خرید دقت کنید.

ویتامین E چه کمکی به کاهش کلسترول می کند؟ ویتامین E یک آنتی اکسیدان است آنتی اکسیدان ها از بدن در مقابل رادیکال های آزاد مراقب می کنند رادیکال های آزاد در اثر بعضی از واکنش های عادی سلول های بدن تولید می شوند آن ها ناپایدار هستند و اگر از یک حدی بیشتر شوند با اکسید کردن جداره سلول را از بین می برند که این باعث می شود LDL به دیواره شریان ها بچسبد.



یکسال از آبان غم انگیز نوشهر گذشت؛

سیل همچنان در کمین است

تخریب منابع طبیعی و جنگلی در بروز سیل نقش جدی دارد



ملایی کندلوسی

سال گذشته حادثه سیل نوشهر، یک هزار و ۲۵۰ واحد مسکونی از ۳۰ تا ۸۰ درصد خسارت دیدند و بیش از ۴۳۰ میلیارد ریال خسارت وارد شد. وقوع سه سیلاب ویرانگر در ۱۸ سال اخیر در آبان ماه سال‌های ۷۳، ۸۲ و ۹۱ در شهرستان‌های نوشهر و چالوس، در آستانه پاییز این ذهنیت را بین مردم ایجاد می‌کند که: آبان ماه هر سال باید منتظر سیلی دیگر بود! این آمار خسارات است اما مسؤولان باید اعلام کنند که سه سیل سال‌های ۷۳، ۸۲ و ۹۱، در مجموع چقدر به نوشهر خسارات وارد آورد.

فرماندار نوشهر در گفتگوی با «ارمون» گفت: در بحث سیل؛ متأسفانه مردم نوشهر و حتی بخش مرکزی و کجور نیز به صورت دوره ای آسیب می‌بینند. محمدعلی قمی افزود: امروز اگر وضعیت بخش مرکزی نوشهر مورد ارزیابی واقع شود، تغییر مسیر رودخانه بر اثر طغیان به صورت دوره ای دیده می‌شود و این بیانگر آن است که از این منظر آسیب‌پذیر هستیم. مدیران باید این موضوع را مورد توجه قرار دهند که وقتی جایی آسیب می‌بیند، انتظار مردم از مدیران این است که آسیب دوم را مجدداً از همان نقطه نبیند ولی اگر آسیب دوم از همان نقطه مجدداً اتفاق بیافتد، این نشان می‌دهد که مسئولان نسبت به آن بی‌توجه بودند.

۹ سال؛ ۳ سیل ویرانگر

نوشهر در یک فاصله زمانی ۹ ساله، در سال قبل شاهد وقوع سیل ویرانگری در داخل شهر بود و طی آن مشاهده شد که همان خانه‌هایی که در سال ۸۲ بر اثر سیل آسیب دید، متأسفانه در سال ۹۱ نیز آسیب دیدند و تخریب شدند و این نشان می‌دهد که در ساخت و ساز بعدی باید سطح ارتفاع رعایت می‌شد و مجوز نیز منوط به رعایت این موضوع می‌بود.

قمی تصریح کرد: اکنون پس از گذشت یازده ماه از وقوع سیل در نوشهر، هنوز هیچ گونه اعتباری برای ساماندهی رودخانه بعد از سیل، به نوشهر اختصاص نیافت و اگر ساماندهی صورت گرفت، به خاطر مدیریت شهرستانی و نیز راهنمایی‌های استاندار وقت بود که به ما در ساماندهی کمک کرد.

وی در ادامه به روند ساماندهی اشاره نمود و اظهار داشت: فقط در سرشاخه گیر رودخانه «نیرنگ» حدود ۶۰۰ کامیون لجن خارج شد و این سوای از درختان و سرشاخه‌های بزرگی بود که سیل با خود آورده بود و منابع طبیعی نیز آن‌ها را استحصال کرد و جالب این جاست که برای مکان تخلیه لجن هم با مشکل مواجه بودیم. بعد از سیل، اعتباراتی از محل حوادث و... برای منابع طبیعی در نظر گرفته شد و در بالادست سرشاخه گیر، برای مدیریت ارتفاع رودخانه و جلوگیری از رانش دیواره‌های رودخانه، چند رسوب گیر زده شد. آزادسازی حریم رودخانه‌ها در شهر و روستا نیاز به فرهنگ سازی دارد و باید از تجاوز به حریم رودخانه‌ها خودداری شود و با این آزاد سازی حریم‌ها، از بروز خسارت سیل جلوگیری خواهد شد.

فرماندار نوشهر در این باره گفت: در همین راستا در محدوده خیابان فردوسی و گردکل، خانه‌هایی که از قبل برای آن‌ها در نقطه ای دیگر زمین در نظر گرفته شده و به صاحبان آن‌ها واگذار شده بود، تخریب آن خانه‌ها در حریم رودخانه انجام شد و آوار برداری صورت گرفت و بدین طریق حریم رودخانه آزاد شد و دیوار چینی آن هم از سوی شهرداری

آغاز گردید.

قمی عنوان کرد: در حال حاضر نیز زمین‌هایی تهیه شد، تا آن تعداد از کسانی که در حریم رودخانه گردکل ساکن هستند، به آن مکان انتقال داده شوند و در آستانه بیست و دوم آبان ۹۲، سالروز وقوع سیل ۹۱ در نوشهر، واگذاری آن‌ها



صورت گیرد.

وی هم چنین به کمک‌های بلاعوضی که به سیل‌زدگان با کمک بنیاد مسکن نوشهر ارایه گردید، پرداخت و گفت: کمک‌های بلاعوض نیز به کسانی که نیازمند بودند به صورت مبالغ ۵ میلیون ریالی و گاهی تا سقف ده میلیون ریالی اختصاص داده شد و ضمن آن، یک حساب بانکی به نام امام جمعه نوشهر و مشاور امور خیرین فرمانداری افتتاح کردیم و این هدایا تقدیم سیل‌زدگان شد.

موضوع دیوار بندر نوشهر، یکی از دغدغه‌های مردم و مسئولین در محله خیابان خیام در زمینه سیل بود که این دیوار اکنون برداشته شد و به جای آن دیوار نرده‌ای قرار گرفت و بدین



ترتیب راه خروج آب ایجاد شد و دیگر آب نمی‌تواند بیش از اندازه بالا بیاید و این یک اقدام بسیار خوبی بود که بندر نوشهر همکاری لازم را کرد.

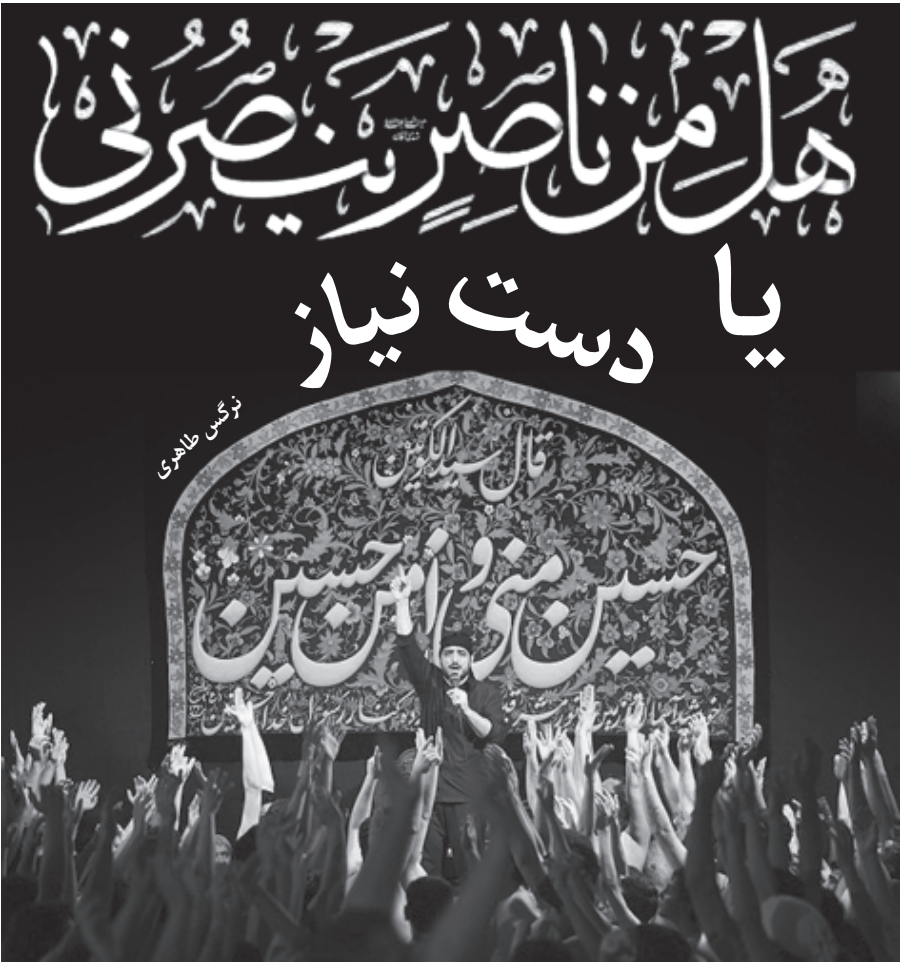
وی ورود دهیاران در مقوله سیل را راهگشا دانست و بیان کرد: دهیاران روستاهای منطقه را نیز در مقوله سیل وارد کردیم تا نسبت به آزاد سازی و بازسازی حریم رودخانه‌ها فعال شوند که برای نمونه، با همکاری اهالی روستای «مزگا» آزادسازی حریم‌ها و لایروبی رودخانه‌ها انجام شد و بنابراین همه این اقدامات کمک می‌کند تا آسیب سیل سال گذشته را دیگر شاهد نباشیم. تخریب منابع طبیعی موجب تغییر حوزه آبریز می‌شود و این موضوع به یک تهدید تبدیل می‌شود. برداشت‌های بی‌رویه و تخریب جنگل در بخش مرکزی نوشهر و روستاهای «دزدک» و «حوض کتی» حوزه‌های آبریز، در سال قبل، دو روستای این منطقه را با تهدید جدی سیل مواجه کرده است و یا در روستای «مزگا» نیز به دلیل همان برداشت بی‌رویه و تخریب جنگل، حوزه آبریز «چیلک» و «بندپی» وارد رودخانه این روستا می‌شود که این رودخانه نیز کشش این حجم زیاد آب را ندارد.

تخریب منابع طبیعی و آسیب‌هایی که به جنگل وارد شده است و نیز ساخت و سازهای غیرمجاز سبب می‌شود که جذب آب با مشکل مواجه شده و آب‌ها همه به یک مسیر هدایت شوند که در نهایت در یک نقطه به طغیان و سیل تبدیل می‌شود. در رودخانه «نیرنگ» و «ماشلک» نیز باید درختانی که به صورت مانع در مسیر رودخانه یا در حریم آن قرار دارند، از سوی منابع طبیعی نشانه‌گذاری شوند تا ضمن بهره‌برداری از این درختان، از بروز خسارات احتمالی سیل جلوگیری شود.



یا دست نیاز

نگس طاهری



می‌کند. هر کسی می‌خواهد نزدیک شود و سوالی بپرسد ولی آن‌ها ذوق زده‌اند و نمی‌توانند جواب بدهند. یا امام رضای غریب تنها جمله‌ای است که از زبان آن‌ها به گوش می‌رسد. نگاهی به دور و برم می‌اندازم. عده‌ای نماز می‌خوانند. عده‌ای دعا می‌کنند و یا دعا می‌خوانند و نوشته روی دیوار، توجه مرا بیشتر جلب می‌کند؛ این حسین کیست که عالم همه دیوانه‌اوست ذقایی مات و مبهوت خیره می‌شوم و با خودم می‌گویم؛ گاهی کسی یا چیزی، بهانه‌ای یا واسطه می‌شود برای ارتباط بیشتر و نزدیک‌تر با اطرافیان مان، تا صمیمیت بیشتری برقرار و دوستی‌ها محکم‌تر شود. باید به این باور رسید که از خدا نمی‌توان فاصله گرفت و تمام مشکلات و مشغله‌های زندگی را بهانه قرار داد. ماه محرم؛ بهانه‌ای برای همه آن‌هایی است که می‌خواهند به خالق خویش نزدیک‌تر شوند، کمی درد و دل بکنند و یا گاهی برای لحظه‌ای هم که شده خودشان را در تمام اتفاقات و جریانات صحرای کربلا مجسم کنند. به خصوص مصیبت دیدگانی که در مقابل مصیبت زینب، غم‌شان را کوچک‌تر ببینند و تحمل‌شان را بالاتر ببرند. این روزها دل‌هایی قرارند و هر کسی که برای رفع و دفع همه بلاها و گرفتاری‌های زندگی‌اش به امامی متوسل می‌شود. دل‌بی‌قرار من هم این روزها این‌جا آرام نیست. ساعتی با یاد مظلوم کربلا و باب الحوائج (ابوالفضل) خلوت می‌کند و لحظه‌ای به غریب‌الغربا متوسل می‌شود و می‌گردد. کاش فقط عزاداری و گریه و زاری نبود. کاش از رفتار ائمه درسی می‌گرفتیم و در زندگی خودمان بکار می‌بردیم. کاش در زندگی امامان و بزرگان دینی مان کمی دقیق‌تر می‌شدیم و کمی سالم‌تر و درست‌تر زندگی می‌کردیم. امروز من به یاد اتفاقات روز عاشورا در صحرای کربلا که زیارت آن امام شهید هنوز نصیص نشده، در حرم امام رضا در ماه محرم، آرام آرام زمزمه می‌کنم.

السلام علی‌الحسین ... و علی‌اولاد‌الحسین»

اینجا همه میزبانند

رضا شریعتی

یکسالی از محرم پارسال می‌گذرد و دوباره به هرگوشه‌ای در و دیوار این شهر که می‌نگری بیری‌های عزادوسر بندهای یا ثارالله‌دسته‌های عزانقل از آمدن محرم و به پا خواستن پژواک زنگ غافله‌رهروان کربلا دارد. این نسیم و عطر محرم است که شهر به شهر را فرا گرفته است؛ باید خوب گوش جان بسپاری؛ آنوقت می‌شنوی، صدای زمزمه کودکی را که کودکانه نوای حسین یا ثارالله سر داده است. می‌بینی مادری را که معصومیت شیرخواره اش را زنجیر به کرامت حسین و یارانش می‌کند؛ خوثر نگاه کن؛ بیمار رنجوری آن جادر خلوت خود دست‌های توسل و نیازش را به سوی خاندان حسین (ع) دراز کرده، برایش فرقی نمی‌کند کل دنیا و حاذق‌ترین اطبا هم جوابش کرده باشند، بازهم ندای امن یجب سر می‌دهد. ببین؛ آسمان مغموم شده هم عزای حسین را می‌فهمد و در عزایش سیاه‌پوشی می‌کند. اینجا حتی ملائک و عرشیان هم در اشک و ماتم با هم رقابت دارند. به هر طرف که نظر می‌کنی عطر و نسیم محرم است که استشمام می‌شود؛ اینجا قناعت معنا ندارد، یکی از مثنوی هفتادمن دردها برایش می‌گوید و دیگری ندای العفو العفو سر می‌دهد؛ نفر بعد هم تا برآمدن آفتاب قرآن می‌خواند و اینگونه ندای عشق سر می‌دهد. اینجا کسی میهمان نیست همه میزبانند. اینجا صدای نوحه که بلند می‌شود فرقی نمی‌کند پیربازی یا جوان، آقا همه را مجنون می‌کند، فرقی نمی‌کند به دست‌های گره‌گشای اصغر شش ماهه توسل جست‌بازی یا به بازون بریده عباس، اینجا فقط کافیس دلت را به یکی گره بزنی و توسل بجویی تا مفهوم محرم را درک کنی.

امام رضا (ع) می‌فرماید: هر کس که عاشورا، روز مصیبت و اندوه و گریه‌اش باشد، خداوند روز قیامت را برای او روز شادی و سرور قرار می‌دهد. (بحارالانوار، ج ۴۴، ص).





محصولات کشاورزی مازندان آلوده است؛

بفرمایید سم!



کوروش غفاری

بی تردید توسعه کشاورزی به عنوان عمده ترین راه تامین مواد غذایی، تنها زمانی پاسخگوی جمعیت رو به رشد بشر خواهد بود که پیشرفت آن همگام و متناسب با روند افزایش جمعیت باشد. از طرفی گسترش کشاورزی باعث ناپایداری در اکوسیستم های طبیعی شده و توازن آن ها را بر هم زده است. در حقیقت؛ کشاورزی نوعی انحراف از تعادل طبیعی در اکوسیستم است که هدف از آن به دست آمدن محصولات بیشتر است اما طبیعت بطور مطلق تسلیم این فشارها نشده و به تدریج نوعی کشش به سوی برقراری مجدد تعادل، بوجود می آورد که به صورت عوارض ناخواسته ای چون آفات و بیماری های گیاهی و نیز علف های هرز، در کشاورزی بروز می کند. این همان مساله ای است که بشر از اوایل زندگی کشاورزی خود با آن رو به رو بوده و همواره در تلاش است تا تاثیر این عوامل را در محصولات خود به حداقل برساند. همین تلاش ها طی سال ها منجر به ایجاد روش های مبارزه و به خصوص، مبارزه شیمیایی با آفات شده است که تولید و عرضه سموم مختلف، از نتایج آن می باشد. در گذشته و تا سال های اخیر در اغلب کشور های جهان، کشاورزی به طریقی سنتی و با بازده بسیار پایین انجام می شد اما با پیشرفت علم و تکنولوژی، راه های زیادی برای بالا بردن کمی و کیفی تولیدات کشاورزی پیش پای بشر نهاده شد که آن چه امروز تحت عنوان کشاورزی نوین شاهد آن هستیم، استفاده حداکثر از امکانات را در جزئی ترین زمینه ها برای افزایش تولید مد نظر قرار داده است. بررسی ها نشان می دهد به طور تقریبی حدود یک سوم از محصولات کشاورزی جهان در مراحل داشت و برداشت توسط آفات از بین می رود. (این میزان در مازندران بنا به اظهار مسوولان؛ بین سی تا پنجاه درصد است!) میزان خسارت آفات در کشورهای توسعه نیافته از این هم بیشتر است. مثلا در آمریکای لاتین حدود چهل درصد محصولات با هجوم آفات از بین می رود. طبق تخمین سازمان خواروبار جهانی (O. A. F) حدود پنجاه درصد محصول پنبه در کشورهای در حال توسعه در اثر عدم و دسترسی به سموم حشره کش از بین می رود. کار برد سموم از یک طرف با از بین بردن عوامل ناخواسته باعث افزایش کمی و کیفی محصولات شده و از طرف دیگر با از بین بردن عوامل کنترل کننده طبیعی آفات، تعادل زیستی را بر هم زده و موجب طغیان آفات می شود. هم چنین تاثیر سوء سموم بر سایر موجودات، مسمومیت های ناشی از به کار بردن آفت کش ها در بین افراد و نیز هزینه های تولید سموم شیمیایی از مواردی هستند که نیاز به استفاده اصولی و متفکرانه از این مواد را بیشتر نشان می دهند. در هر صورت باید به این نکته توجه داشت که حتی امروزه نیز سموم شیمیایی در عمل نیرومندترین سلاح مبارزه با آفات به شمار می روند و احتمالا بشر هرگز از آن ها کاملا بی نیاز نخواهد شد. با این وجود، کیفیت و کمیت استفاده از سموم برای افزایش راندمان تولید، از چالش های مهمی است که مصرف کنندگان با آن مواجه هستند. به هرتقدیر، سالیان زیادی است که استفاده از مواد شیمیایی و آفت کشها برای رشد محصولات کشاورزی متداول شده است و این در حالی است که بررسیهای علمی نشان میدهد؛ استفاده از آفتکشها در تولید محصولات کشاورزی، باعث نفوذ سموم در اجزای غذایی آنها میشود و در بلند مدت، بیماریهای مختلفی را پدید میآورد که اثرات سوء فراوانی به همراه دارد. کارشناسان معتقدند؛ افزایش بیماریهای ناشناخته، انواع سرطانها و ناهنجاریهای ژنتیکی، بر اثر باقیمانده سموم در محصولات کشاورزی و میوهها است. از این رو، کشورها باید نسبت به کنترل سمپاشی های بی رویه و استفاده کمتر از کودهای شیمیایی راهکارهای موثری را در دستور کار قرار دهند. آنان معتقدند؛ آثار باقیمانده سموم و مواد شیمیایی در محصولات کشاورزی و میوه ها، تهدید سلامت جامعه مصرف کننده، تهدید سلامت کشاورزان بر اثر تماس با انواع سموم شیمیایی و بروز مسمومیت های تصادفی به دلیل مصرف ظروف مسموم برای مواد غذایی و آشامیدنی، از جمله این مخاطرات است. امروزه آگاهی از نتایج و اثرات استفاده از زراعت مدرن، منجر به استفاده منطقی از آفت کشها و هم چنین افزایش تقاضای مصرف کنندگان برای محصولات و مواد غذایی شده است که از مواد شیمیایی سمی و مضر برای محیط زیست، در آنها استفاده نشده باشد. با این وجود انتشار برخی اخبار در رسانه ها، در خصوص مصرف بی رویه انواع سموم در فرآیند تولید محصولات زراعی در مازندران، نگرانی های را برای جامعه پر شمار مصرف کننده بوجود آورده است.



سم در محصولات کشاورزی مازندران، پنج برابر میانگین کشور

معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی مازندران می گوید: میزان مصرف سم در برخی محصولات کشاورزی مازندران زیاد است. ابراهیم صالحی فر ادامه می دهد: در حال حاضر، میزان مصرف سم در محصولات کشاورزی مازندران، پنج برابر میانگین کشوری است. باید زمین های ایجاد شود تا کاهش مصرف سم در محصولات کشاورزی، در برنامه کاری قرار گیرد که در حال حاضر با مطرح شدن میزان بالای مصرف سم در کارگروه سلامت مازندران، شاهد کاهش مصرف سم در برخی محصولات کشاورزی در مازندران بودیم که این مقدار هم مورد تایید نیست. معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در ادامه با اشاره به بررسیهای انجام شده مصرف سم در تولید خیار، توت فرنگی، کدو و بادمجان، می گوید: برای این که کاهش مصرف سم در محصولات کشاورزی، به طور دائم در استان پیگیری شود، نیاز به برنامه جامع و مدتدار بود که دانشگاه علوم پزشکی با همکاری جهاد کشاورزی و محققان این بخش، برنامه تدوین سند راهبردی را در دستور کار قرار دادند. صالحی فر؛ یکی از اقداماتی که قرار است در این سند پیگیری شود را پیشنهاد ایجاد مرکز تحقیقاتی در سه نقطه استان مازندران برای پایش میزان سم مصرفی در محصولات تولیدی استان مازندران برشمرد که در سال ۹۲ مرکز پایش سموم در مرکز استان مازندران و در سالهای آینده نیز در غرب و شرق مازندران راه اندازی می شود.

تزریق سالانه پنج هزار تن سم به محصولات زراعی مازندران

رییس پژوهشکده زیست فناوری مازندران می گوید: مصرف بی رویه سموم در فرایند تولید محصولات کشاورزی مازندران، موجب نگرانی مصرف کنندگان، محققان و دستگاه های اجرایی شده که باید اقدامات جدی تری برای رفع این معضل صورت گیرد.

مصرف پنج هزار تن انواع سموم در یکسال مازندران

قربانعلی نعمت زاده می افزاید: بر اساس آمارهای مراجع رسمی، هم اکنون سالانه در بخش کشاورزی و باغ داری استان مازندران، حدود پنج هزار تن انواع سموم شیمیایی استفاده می شود. میانگین مصرف سموم شیمیایی در مازندران، هم اکنون پنج برابر میانگین کشوری است و این در حالی است که مصرف سالانه سموم شیمیایی در مازندران در دهه ۷۰ حدود ۱۲ هزار تن بود. استاد دانشگاه علوم کشاورزی ساری می گوید: یکی از وظایف دانشگاه علوم کشاورزی ساری تولید محصولات ارگانیک و سالم است که تاکنون به این موضوع کمتر توجه شده، اما اقداماتی در زمینه تولید محصول ارگانیک و سالم صورت گرفته که در پیچه های جدیدی را باز کرده است. وی با تاکید بر لزوم تولید سبزیجات و صیفی جات به صورت سالم و ارگانیک، می گوید: برنامه های جدی تری برای تولید سبزی و صیفی سالم و ارگانیک در استان باید صورت گیرد تا شاهد مصرف این محصول در استان باشیم. استاد دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری با اشاره به افزایش تعداد بیماران سرطانی در استان، افزود: بررسی ها نشان می دهد که بخش عمده ای از این بیماران را کشاورزان و یا وابستگان آنان تشکیل می دهند که تماس نزدیک با سموم شیمیایی کشاورزی دارند. به هر تقدیر تلاش و برنامه ریزی، به منظور کاهش ضایعات و بهره وری بهینه از محصول دسترنج کشاورزان و هم چنین اصلاح الگوی تولید بر اساس سلیقه بازارهای هدف و اهتمام به کشاورزی ارگانیک از مهم ترین اولویت هایی است



که برنامه ریزان و فعالان بخش کشاورزی باید در دستور کار قرار دهند.

استفاده از سموم اجتناب ناپذیر است

از طرفی رئیس سازمان جهاد کشاورزی مازندران می گوید: وسعت مزارع کشاورزی مازندران در مقایسه با استان های دیگر این حقیقت را آشکار می کند که اصولا با افزایش سطح کشت و انجام کشت های چندباره، استفاده از سموم کشاورزی نیز طبیعتا افزایش می یابد تا سلامت گیاهان حفظ شود. رضا عظیمی می افزاید: استفاده از سموم در بخش کشاورزی اجتناب ناپذیر است زیرا برای از بین بردن بیماری و آفت ها به منظور کاهش خسارات، استفاده اصولی و به اندازه، نه تنها عمر گیاه را افزایش می دهد بلکه مانع از زیان اقتصادی برای کشاورز می شود. وی می گوید: به طور کلی سه عامل؛ نوع سم، ماده موثر و باقیمانده سموم در تولیدات، باید در قضاوت برای میزان کم و کیف استفاده از سموم در نظر گرفته شود که با عنایت به بررسی های انجام شده، هیچکدام از موارد فوق در تولیدات استان مشاهده نشده است زیرا تمامی سم پاشی ها، چه در مزارع کشاورزی و چه در باغات میوه، چند ماه قبل از برداشت متوقف می شود. به گفته وی در راستای جلوگیری از مصرف بیش از حد مجاز و غیراصولی از آفت کش ها و سموم، توصیه های فنی و علمی به کشاورزان ارائه می شود که البته استفاده بیش از حد از سموم به دلیل افزایش قیمت آن برای کشاورز مقرون به صرفه نیست.

مازندران پیشگام در کاهش مصرف سموم

معاون تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی مازندران نیز به کاهش مصرف سموم و کودهای شیمیایی در شش سال اخیر اشاره می کند و می گوید: این استان در زمینه کاهش و حذف مصرف سموم خطرزا در کشور، پیشگام است. یحیی ابطالی می افزاید: هم اکنون در ۶۰ هزار هکتار از اراضی زراعی و باغی استان به صورت بیولوژیکی محصول تولید می شود. بر اساس نتایج تحقیقات و آزمایشات دانشگاه علوم پزشکی مازندران، سموم باقی مانده در محصولات کشاورزی زیر خط قرمز است. نخستین علامت استاندارد تشویقی برنج سالم و توت فرنگی ارگانیک به کشاورزان بابلسری اعطا شد. ابطالی به تولید محصولات سالم و عاری از سموم باغی سیاه

ریشه در مناطق بالا دست استان اشاره می کند و می گوید: هنوز این اراضی به کود شیمیایی و یا سموم آغشته نشده است. یارانه نهاده های کود و سم در دو سال اخیر کاهش یافته و هزینه تمام شده یک کیسه ۵۰ کیلویی کود فسفات و اوره به ترتیب ۷۰۰ و ۳۲۰ هزار ریال است. تا دو سال پیش، این کود با کم ترین قیمت تحویل کشاورزان می شد و به همین دلیل هم در مصرف آن استانداردها رعایت نمی شد. معاون تولیدات گیاهی جهاد کشاورزی مازندران می گوید: با توجه به این که بر اساس بررسی کارشناسان؛ نیاز سالانه کودهای شیمیایی اراضی کشاورزی مازندران ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تن است، پارسال فقط ۱۴۰ هزار تن کود مصرف شد. به هر تقدیر مساله باقیمانده سموم در محصولات کشاورزی، از مواردی است که در مورد بسیاری از محصولات نظیر تولیدات باغی، سبزی ها و صیفی جاتی که به تدریج برداشت و روانه بازار می گردند، از اهمیت خاصی برخوردار است، به طوری که در حال حاضر غالب کشورها به خصوص کشورهای اروپایی، آمریکا و ژاپن، اجازه ورود محصولاتی را که با سموم غیرمجاز سم پاشی شده باشند و یا این که باقیمانده

سموم در آن ها، بالاتر از حد مجاز باشد، به کشورشان نمی دهند. مساله مهمی که در فرآیند واردات محصولات زراعی و باغی به کشور، کمتر بدان توجه می شود. با توجه به موارد ذکر شده، امروزه در بسیاری از کشورها، به خصوص آن هایی که متکی به سموم وارداتی می باشند، برنامه هایی در جهت کاهش مصرف سموم شیمیایی و جایگزین کردن روش های مبارزه شیمیایی با دیگر روش ها در دست اقدام است. از جمله این روش ها که در سال های اخیر مورد توجه بسیاری از متخصصان کشاورزی و دوستداران محیط زیست قرار گرفته، مبارزه بیولوژیک در ابعاد وسیع آن می باشد. به اعتقاد کارشناسان در یک برنامه منطقی مدیریت آفات، می توان با استفاده از تاکتیک ها ی ویژه، از جمله؛ کنترل آفات به روش های بیولوژیکی، قرنطینه ای، فیزیکی و مکانیکی و استفاده از واریته های مقاوم، امری ضروری می باشد و لازم است که با تلفیق تاکتیک های مناسب، خسارات آفات را در اکوسیستم های زراعی در حد مقولی کنترل کرد.

کارشناس فناوری صید مولدین ماهیان خاویاری: جوانان برای تامین نان به دریا پناه می برند!



مهندس محمد اولیایی در گفتگو با «ارمون» گفت: در حاشیه دریای خزر چند کشور وجود دارد، برنامه ریزی یک سویه؛ جواب نمی دهد و باید تمامی این

کشورها با هماهنگی و همکاری یکدیگر در زمینه های آلودگی ها، صیدهای بی رویه و...، عمل کنند. وی افزود: ماهی خاویاری؛ یک ماهی مهاجر است و با توجه به گستردگی عظیم دریای خزر، این ماهی به سمت کشورهایی، مانند؛ ترکمنستان و آذربایجان حرکت می کند و بنابراین این کشورها باید در روند حفظ و گسترش ذخایر ماهیان خاویاری، همکاری جدی داشته باشند. کارشناس مسئول فناوری صید مولدین ماهیان خاویاری غرب مازندران، با بیان این که؛ سیر تکاملی در رودخانه ها و نوسانات غذایی، برروی رژیم غذایی تاثیرگذار است، خاطرنشان کرد: آلودگی های مختلفی، از جمله؛ کشاورزی و خانگی که مخصوصا در آذربایجان به رودخانه ها وارد و به دریا سرازیر می شود، برروی بچه ماهی ها و ماهی های دیگر تاثیرات منفی بدی می گذارد. محمدی ابراز کرد: متأسفانه در غرب مازندران نیز شدت آلودگی های فاضلابی که به رودخانه ها می ریزد، بسیار بالا است که این نیز روند تغذیه و رشد ماهی ها را دچار مشکلات جدی می کند. وی تاکید کرد: باید در پروسه حفظ و تکثیر و رشد ماهیان خاویاری در دریای خزر، تمامی دستگاه های مرتبط، مانند؛ بیمارستان ها، شهرداری ها، بهداشت محیط، فرمانداری ها، فاضلاب های شهری و روستایی و همه و همه که در این فرایند تاثیر گذار هستند، باید کمک کنند. وی افزود: از طرفی به دلیل ضعیف بودن شرایط اشتغال برای ساحل نشینان مازندران و به خصوص در غرب مازندران، نیروی جوان؛ برای تامین نان خود به دریا پناه می برد و این خود موجب صیدهای غیرمجاز و بی رویه و رونق بازار قاچاق ماهیان خاویاری می شود. محمدی گفت: صیدهای بی رویه و غیرمجاز سبب می شود، بچه ماهی هایی که باید روند تکاملی رشد خود را طی کرده و به سن تولید مثل برسند، از بین می روند و این خود باعث اختلال و هم چنین کاهش ذخایر ماهیان خاویاری شده و حتی می تواند منجر به انقراض آنان در دریای مازندران شود.





جاده هراز از دیروز تا امروز

از دیرباز، دسترسی و ارتباط بخش های جنوبی سلسله جبال البرز، به ویژه تهران با شمال سرسبز و ارتباط جاده ای بین منطقه شمال و جنوب، جزو آروژها بوده و تصور عبور از کوه های سر به فلک کشیده، قابل تصور نبود.

۲۵۰ سال پیش، راه ارتباطی؛ به شکل کاروان روی شاه عباسی، ساخته شد تا مورد استفاده کاروان روها برای جا به جایی کالا قرار گیرد و هم اکنون می توان آثار پل ها و دیوارهای قدیمی را در قسمت هایی از حاشیه رودخانه دامنه کوه مشاهده نمود.

جاده هراز که تهران را از راه دره هراز به آمل و سواحل دریای خزر متصل می کند، در سال ۱۳۴۲ ساخته شد و تا به امروز، حدود نیم قرن جوابگوی مردم منطقه بوده و در زمان خود، یکی از مشکل ترین و پیچیده ترین کارهای مهندسی کشور به شمار می رفت.

”

محور هراز، جاده ای ست ۱۳۰ کیلومتری در حد فاصل آبعلی تا آمل، با ۱۵ تونل، ۱۳ دهنه پل بزرگ بتنی، ۶۰۰ دهنه پل کوچک و ۱۵/۵ کیلومتر دیوارهای حائل و سایر ابنیه فنی که با مهارت و شایستگی های خاص بر اساس استانداردهای زمان خود طراحی و اجرا گردید و می توان گفت؛ اولین پروژه مدرن راه سازی در زمان خود بوده است

”

ساختن راه هراز؛ این راه بی همتا، مزیت های فراوانی، از جمله؛ کاهش چشم گیر زمان سفر و ایجاد جاذبه های طبیعی و گردشگری برای مردمان زمان خویش، ایجاد نمود و عاملی مهم و تاثیرگذاری برای توسعه همه جانبه مازندران گردید.

محور هراز، جاده ای ست ۱۳۰ کیلومتری در حد فاصل آبعلی تا آمل، با ۱۵ تونل، ۱۳ دهنه پل بزرگ بتنی، ۶۰۰ دهنه پل کوچک و ۱۵/۵ کیلومتر دیوارهای حائل و سایر ابنیه فنی که با مهارت و شایستگی های خاص بر اساس استانداردهای زمان خود طراحی و اجرا گردید و می توان گفت؛ اولین پروژه مدرن راه سازی در زمان خود بوده است.

توسعه بیش از پیش اقتصادی و اجتماعی، رشد روزافزون ترافیک و جا به جایی مسافر و کالا، توجه به پتانسیل های موجود در زمینه گردشگری و جذب مسافر، توسعه ارسال



سپیده که سلانه سلانه از پشت سلسله جبال البرز بر می آید و روز را روی سر جاده می پاشد، همسفر هراز می گردی. صدای همراهی رودخانه می آید. تاریکی کنار می رود و اشعه های طلایی آفتاب، میزبان مسافرانی می شوند که دل به پیچ های این جاده سپرده اند. سفر در هراز، سفر در هزارتوی طراوت است؛ وقتی می چرخي و می روی، تا پنجاه سال زیبایی را ورق بزنی؛ وقتی تونل هایش، هر بار چشم هایت را تاریک و روشن می سازند و پل هایش، تو را تا رسیدن به ساعت هایی سبزتر بدرقه می کنند. وقتی این چنین در حاشیه آب و باد به پیش می روی و لذتی هم قواره مخره و کوه را تجربه می کنی، دیگر عبور از این همه خنکای معطر، قصه دندان گیری است. دیگر انگار ابهت کوه روبرو، دنیای کوچکتر را سخت زیر و رو می کند و در درونت همهمه می شود. حس خوبی است که ردپایت در هراز بماند و این مسیر روایی، در خاطره هایت جا خوش کند. حس خوبی است که عطر گرم شالیزارهای هراز، گاهی در اتومبیل ات بپیچد و نگاهت در میان درختان و بوته زار هایش بگردد و جوان شود. حس خوبی است که گاهی این جاده شاعرانه، زیر چرخ های رفتن ات طی شود و هوایش، تو را به غزل های تازه برساند. آنگاه که سپیده، سلانه سلانه از پشت سلسله جبال البرز بر می آید. به هراز می روی و مسافر این آفرینش پر از کوه و رود و درخت می شوی، تا دست های عاشق خلقت، دوباره می روی و زیبایی در چشم هایت اتراق می کند، می روی و رنگ آمیزی این جهان بزرگ، جادویت می کند. انگار هراز؛ هر بار، مسافرتش را به جاده ای می برد که پر از روشنایی است، به ایستگاهی که امام زاده هاشم اش، خستگی راه را از تن مسافرانش به در می کند.

● حسین احمدی و رقیه توسلی

باند قدیم جاده هراز مورد توجه قرار گرفت و احداث باند جدید و ۴ خطه نمودن جاده هراز در سال ۱۳۸۹ در برنامه اجرایی وزارت راه و شهرسازی منظور و مطالعه و اجرای این پروژه به مهندسین مشاور محول شد.

هراز کارگاه بزرگ راه سازی

محور هراز با دارا بودن پل ها، تونل ها و دیوارهای متعدد حایل و ضامن، به یک پروژه خاص و منحصر به فرد، تبدیل شده است و تنها پروژه بزرگ ملی است که اجرای آن توسط مسئولین استانی مدیریت می شود.

احداث سد هراز در حاشیه این جاده، موجب گردید، حدود ۱۰ کیلومتر از این محور، در حوزه این سد قرار گیرد که در این راستا، نیاز به احداث جاده جایگزین در بالادست می باشد.

آبان ماه سال ۱۳۹۰ که به همراه خبرنگاران از روند اجرایی تعریض محور هراز بازدید نمودیم، این محور؛ به یک کارگاه بزرگ راه سازی تبدیل شده بود و مدیران راه و شهرسازی، از اتمام این پروژه در پایان امسال خبر داده بودند.

اما کمبود اعتبارات این پروژه بزرگ ملی، موجب گردید، روند اجرایی آن با مشکلات متعددی مواجه شده و پس از دو سال تعریض، این محور؛ درگیر کم و کاستی ها باشد.

در جاده هراز، ساخت قطعات زیادی در مراحل پایانی کار قرار دارد ولی به علت اجرای قطعات متعدد و جدا از هم، افتتاح

پروژه، منوط به بهره برداری کامل از تمام قطعات بوده و باید بطور همزمان زیر بار ترافیکی بروند.

محور هراز؛ یک پروژه بزرگ ملی است که مدیران وزارت راه و شهرسازی، باید به آن نگاه ملی داشته باشند و با تزریق به موقع اعتبارات، به بهره برداری هرچه سریع تر این پروژه، کمک نمایند.

فعالیت های انجام شده امیدوار کننده است

رضضانی؛ یک شهروند آملی، به خبرنگار ما می گوید: جاده استراتژیک هراز، در فصول مختلف سال، پذیرای مسافران و گردشگران بسیاری است که باید مسیری ایمن و عاری از دغدغه باشد که متاسفانه این گونه نیست!

وی فعالیت های انجام شده در این محور را امیدوار کننده می داند و می افزاید: در سال های اخیر، به همت مدیران استانی، تلاش های زیادی صورت پذیرفت ولی بودجه ناکافی و مشکلات عدیده، موجب گردید، معضلات این محور بطور کلی رفع نشود. رضضانی با اشاره به این که مشکلات محور هراز در فصول سرد سال بیشتر نمایان می شود، اضافه می کند: این جاده ظرفیت پذیرش این حجم تردد را ندارد و ترافیک ناشی از برف و یخ بندان و ریزش سنگ، بر مشکلات این محور می افزاید.

وی ادامه می دهد: سهولت حرکت در نقاط عریض موجب می شود، ورود اتومبیل ها در مسیرهای باریک، با مشکل مواجه شود و باعث ایجاد ترافیک در این گلوگاه ها گردد.

رضضانی هم چنین ایجاد روشنایی در بخش هایی از محور هراز را ضروری می داند و یادآور می شود: با اجرای تونل در منطقه امام زاده هاشم، این مسیر ۲۰ دقیقه ای؛ به ۳ دقیقه تقلیل یافت که جای تقدیر دارد.

قادری؛ شهروند مازندرانی، به کاهش زمان سفر در محور هراز اشاره می کند و می گوید: با انجام فعالیت های صورت گرفته، نکات مثبت این محور بیشتر شده است.

وی با بیان این که؛ ۶۰ درصد محور هراز، تعریض و مناسب سازی شده است، اضافه می کند: نقاطی از این محور، باریک است که این مساله بر ترافیک جاده می افزاید.

قادری از مسولین خواست با سرعت دادن به این پروژه، مشکلات سفر در محور هراز را کاهش داده و ایمنی سفر را افزایش دهند.

رشد ترافیک و ضرورت احداث باند جدید

مدیرکل راه و شهرسازی مازندران در گفتگو با خبرنگار ما می گوید: مهندسین مشاور؛ با توجه به مسائل و هزینه قابل توجه نگهداری، مطالعه ساختار زمین شناسی و ملاحظه نقاط بحرانی و حادثه خیز، هم چنین نقاط برف گیر و بهمن گیر مسیر موجود، طراحی باند جدید، بهسازی و اصلاح و ارتقای محور موجود را با جلوگیری از مختل شدن عبور و مرور باند قدیم، در دستور کار خود قرار دادند.

سید علی اسد می افزاید: در حال حاضر؛ اداره کل راه و شهرسازی مازندران توانست با حمایت و همدلی تمامی دست اندرکاران این حوزه، تلاش تمامی مهندسین و مشاوران خود با حفظ منابع طبیعی و رعایت الزمات زیست محیطی در سطح این محور، ۴۰ کیلومتر از مسیر ۱۱۰ کیلومتری محور هراز در حوزه استحفاظی خود را به صورت چهار خطه و مابقی مسیر را با به کارگیری بیش از ۷۰۰ نفر نیروی انسانی با ۴۳۲ دستگاه از انواع ماشین آلات راه سازی، با پیشرفت فیزیکی قابل توجهی، به صورت چهار خطه در دستور کار دارد.

وی اضافه می کند: در سطح این محور، ۱۹ دهنه تونل به طول ۱۲ هزار و ۷۵۳ متر، طراحی که تا به امروز ۱۳ دهنه آن به طول ۱۰ هزار و ۴۵۳ متر آن اجرایی و مقدار ۶ هزار و ۲۹۲ متر نیز حفاری صورت گرفته است.

مدیرکل راه و شهرسازی مازندران ادامه می دهد: در این راستا، تعداد ۲۰ دهنه پل بزرگ برای این مسیر طراحی گردید که از این تعداد، ۸ دهنه پل احداث، ۳ دهنه نیز در دست احداث و مابقی در حال مطالعه است.

مهندس اسد با اشاره به این که در تعریض و چهار خطه شدن محور هراز، تا کنون ۷ هزار و ۲۵۰ متر دیوار حائل و ضامن ساخته شد، می افزاید: با توجه به گستردگی و حجم کار در سطح محور هراز، بیش از یک میلیون و ۵۰۳ هزار متر معکب، عملیات خاکی و ۱۵۲ هزار متر معکب، عملیات بتنی انجام گرفته است.

وی با بیان این که برای اتمام عملیات طرح ریزی و ۴ خطه شدن محور مهم و حیاتی هراز در حوزه استحفاظی مازندران، مقدار ۵ هزار ۳۰۰ میلیارد ریال اعتبار نیاز می باشد، خاطرنشان می سازد: با اختصاص ۴۶۰ میلیارد ریال اعتبار از محل فروش سهام، عملیات ارتقاء و تعریض محور هراز، شتابی مضاعف گرفت.

مدیرکل راه و شهرسازی مازندران؛ کمبود اعتبارات را عامل مهم کندی پیشرفت فیزیکی عملیات اجرایی محور هراز می داند و می گوید: در حال حاضر، مشکلاتی از قبیل؛ نبود مصالح مرغوب، شرایط خاص آب و هوایی و جغرافیایی منطقه و کمبود اعتبارات و منابع مالی مناسب، شرایط کاری را در این محور، با مشکل جدی مواجه نموده است.

مهندس اسد ضمن اعلام رضایت از اجرای عملیات تعریض محور هراز می افزاید: خوشبختانه با توجه به حضور مهندسان متعهد و کار آزموده در محل پروژه، امید است تا هرچه زودتر، شاهد

تکمیل این پروژه باشیم.



دکترفلاح با اشاره به این که راه های ارتباطی مازندران به دلیل گردشگر پذیر بودن و نزدیکی به پایتخت، از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و از راه های بسیار پرتراکم محسوب می شوند، اضافه می کند: فاصله کم مراکز جمعیتی در مازندران و تراکم شهرها، بر اهمیت راه های درون استانی افزوده و این در حالی است که هنوز توجه ویژه ای به این راه ها نگردیده است. وی ادامه می دهد: در برخی استان ها که فاصله طولانی با مرکز کشور دارند، شاهد احداث جاده های ۶ بانده هستیم ولی مازندران از این نظر محرومیت دارد.

دکترفلاح دراین بازدید، از آمادگی کامل استانداری مازندران؛ در جهت اتمام هرچه زودتر عملیات تعریض محور هراز، خبر می دهد و می افزاید: استانداری مازندران؛ این آمادگی را دارد که در جهت رفع موانع و مشکلات اجرایی پروژه در سطح استان، با تمام توان گام بردارد، چرا که نگاه ما به محور هراز، یک نگاه فرا استانی است.

”





ساماندهی بافت های قدیمی

در همه شهرها؛ به ویژه مرکز مازندران، بخش هایی وجود دارد که قدمت آن به بیش از یکصد سال می رسد و اغلب منازل قدیمی و ساختمان های متروکه یا کاروانسراهای فرسوده را شامل می شود که در روزگار ما از آن ها به عنوان بخشی از میراث فرهنگی و یادمان هنر گذشتگان یاد می شوند. برخی از این بافت ها؛ امروزه به قدری فرسوده و متروکه شده اند که خطر آوار شدن آن ها و بروز برخی خسارت های جانی و مالی دور از ذهن نیست که با وجود تأکیدات مکرر مسئولان و مدیران شهری و درخواست شهروندان مبنی بر نوسازی بافت های فرسوده و قدیمی مناطق مختلف شهر، به لحاظ برخی سیاست های متناقض، این مساله هنوز شکل اجرایی نیافته است.

به اعتقاد کارشناسان، اگرچه ساختمان ها و عمارت های قدیمی به عنوان بخشی از میراث گذشتگان و یادمان هنری آنان، باید حفظ شود اما هرگز نمی توان در مقابل خطر آوارشدن آن ها بر سر مردم و نمای زننده ای که امروزه به واسطه وجود بناها در سطح شهرها نمایان است، اقدامی نکرد. از این رو، انتظار می رود مدیران شهری؛ هرچه سریع تر با لحاظ نمودن تمهیدات و بهره گیری از دانش مهندسی، نسبت به ساماندهی و بهسازی بافت های قدیمی شهری اقدام نموده و از این ساختارها به صورت بهینه استفاده نمایند.

بررسی ها نشان می دهد که برخی از این ساختمان ها و ساختارهای قدیمی؛ با اندکی بازسازی و مدیریت، به عنوان موزه، گالری نقاشی و یا با اخذ تمهیداتی؛ به عنوان سفره خانه های سنتی قابلیت استفاده را دارند و از آن جایی که این مکان ها عمدتا مورد علاقه گردشگران قرار می گیرند، می توانند منبع درآمد خوبی نیز برای شهرداری ها یا سازمان های متولی باشند.

نکته قابل توجه دیگری که در این فرایند می تواند مورد توجه قرار گیرد، استفاده از سرمایه گذاری های بخش خصوصی در زمینه بازسازی و بهره وری بهینه از این گونه اماکن است که خود می تواند موجبات تحرک و پویایی اقتصاد شهری شود. به هر تقدیر، ساماندهی و بهسازی بافت های قدیمی شهری، مساله ای است که در سال های اخیر همواره مورد تأکید و توجه قرار گرفته است و امید می رود هرچه سریع تر شاهد اقدامات امید بخش در این زمینه باشیم. خلاصه کلام این که؛ بررسی چالش های زندگی شهری در مرکز مازندران نشان می دهد که این شهر نیازمند اقدامات جدی تری در حوزه تدوین قوانین، نظارت بر فرآیند اجرا و هم چنین ضرورت هزینه کرد بهینه در بودجه و اعتباراتی است که شهروندان؛ سنگینی تامین آن را بر دوش خود کاملاً حس می کنند. به بیان دیگر؛ عمق مشکلات شهری مرکز استان را باید در فقدان اقدامات زیربنایی جستجو کرد نه در پروژه های روبنایی. در مجالی دیگر باز هم به این مهم خواهیم پرداخت.



به ۳۰ الی ۴۰ سال می رسد و این در حالی است که عمر مفید ساختمان های مهندسی ساز، حدود یکصد سال برآورد می شود. بنابراین ضروریست مدیران شهری و سازمان های ذیربط با اجرای دقیق قوانین در خصوص چگونگی ساخت و سازها و نظارت برفرایند احداث آن، از هر گونه مسامحه و اغماض در خصوص احداث ساختمان های غیر استاندارد پرهیز نمایند، چرا که این دقت و توجه، در واقع؛ نوعی اصلاح الگوی مصرف و جلوگیری از هدررفت سرمایه های ملی است. هم چنین برگزاری دوره های آموزشی برای کارگران و مجریان پروژه های ساختمانی و ایجاد مراکزی برای تولید مصالح استاندارد که در دهه های گذشته تا حدودی به آن توجه می شد، از دیگر اولویت هایی است که باید در این زمینه مد نظر قرار گیرد.

قرار گیرد. از این رو، برنامه ریزی برای بهینه سازی، مکان یابی و استقرار این واحدها می تواند روند رو به رشد معضل ترافیک در خیابان های اصلی شهر را کاهش و فرایند خدمت رسانی به شهروندان را تسهیل و تسریع نماید.

ضرورت مدیریت ساخت و سازها

بی تردیدی یکی از مهم ترین مسائل و چالش های کنونی مرکز استان مازندران، مساله ساخت و سازهای غیراستاندارد و خارج از اصول و قواعد شهری و مهندسی است. به گونه ای که امروزه در تمامی مناطق حاشیه شهر، شاهد نوعی هرج و مرج در فرایند ساخت و سازها هستیم که عمدتا توسط کارفرمایان و کارگران و مجریان غیرمتخصص ایجاد می شود و این گونه ساخت و سازها، در واقع نوعی هدررفت بودجه وامكانات و مصالح ساختمانی است که بدون لحاظ نمودن موازین فنی مورد استفاده قرار می گیرند.

نگاهی به سیمای شهرهای استان مازندران و تامل در نوع و کیفیت ساخت و سازهایی که در حال انجام است، نشان می دهد که بسیاری از این ساخت و سازها در شرایطی کاملاً غیر علمی و بدون بهره گیری از دانش مهندسان، شهرسازان و معماران در حال احداث می باشد.

نتیجه بررسی ها نشان می دهد که تقریباً بیش از ۸۰ درصد از مصالح مورد استفاده در فرایند احداث ساختمان ها؛ به ویژه در حواشی شهرها، غیراستاندارد است؛ به گونه ای که اغلب شن و ماسه ای که در اجرای پروژه مورد استفاده قرار می گیرند، مصالح واریزه ای یا رودخانه ای است که فاقد کیفیت دانه بندی مورد نیاز در احداث بناها و ساخت و سازها می باشد. هم چنین برخی مصالح فلزی، مانند؛ میلگرد که بیشتر در کارگاه های کوچک تولید می شود دارای آلیاژی نادرست و فاقد استحکام کافی است؛ به طوری که بواسطه کاربرد ناصحیح همین مصالح غیراستاندارد، عمر مفید اغلب ساختمان ها در مازندران، حداکثر



هفتگی و روز، سینماها، مدارس و مهدهای کودک، بانک ها و سازمان های خدماتی نظیر؛ آتش نشانی، شهرداری یا سازمان هایی نظیر؛ زندان و پادگان از جمله عناصری هستند که سیمای شهرها به میزان زیادی به مکان گزینی آن ها بستگی تام دارد؛ بدین معنا که اگر این عناصر براساس مطالعات کارشناسی و مهندسی در مکان هایی درست طرح ریزی و استقرار یابند مسلماً سیمای شهر آراسته گردیده و نشان دهنده ذهنیت خلاق مدیران شهری در فرایند اداره آن می باشد و اگر این عناصر به گونه ای آشفته و غیرکارشناسی در مکان های مختلف شهر، به صورت پراکنده استقرار یابند، نشان دهنده دخالت ذهنیتی غیرخلاق و مبتنی بر روش های مدیریت سنتی در فرایند اداره شهر است.

با این توصیف، نگاهی گذرا به سیمای شهر ساری به عنوان مرکز مازندران و مطالعه چیدمان عناصر مهم شهری، به راحتی در می یابیم که استقرار این عناصر براساس الگوی کارشناسی شده صورت نگرفته است. به عبارت دیگر، استقرار پادگان نظامی در یکی از مناطق پرجمعیت و پرتراکم شهر و هم چنین استقرار سازمان آتش نشانی در خیابانی با ترافیک سنگین که امکان هر گونه خدمات رسانی را در مواقع لزوم با تاخیر زیاد مواجه می سازد، نشان می دهد که مدیریت شهری در این گونه شهرها بر مبنای علم روز سیر نکرده است.

به اعتقاد کارشناسان، در حال حاضر برای حل بسیاری از معضلات شهرهای مازندران، نظیر؛ مشکل ترافیک، ضروری است عناصر مهم و تاثیر گذار شهری ساماندهی شوند که در این فرآیند، انتقال و جابجایی برخی از سازمان ها و دستگاه های اجرایی به نقاطی خارج از هسته مرکزی شهرها اجتناب ناپذیر است. زیرا انتقال سازمان هایی که روزانه؛ محل مراجعه بسیاری از شهروندان است و به علت واقع شدن در هسته مرکزی شهر (ساری) باعث ایجاد گره های کور ترافیکی می شوند، از جمله پروژه هایی است که باید در دستور کار شورای شهر و شهرداری

نقدی بر مدیریت شهری مرکز مازندران

زندگی پر چالشی در ساری

کورش غفاری چراتی

برنامه و استراتژی، دو عنصر بسیار مهم در فرآیند مدیریت شهری است که فقدان آن ها؛ به آشفته گی و نوعی درهم ریختگی در تمامی عناصر شهری منجر خواهد شد و در نهایت جریان طبیعی و روزمره زندگی در شهرها را تحت الشعاع قرار می دهد. بر همین اساس؛ امروزه در تعریف نوین مدیریت شهری، جایگاه برنامه ریزی و استراتژی به عنوان دورکن اساسی و اصلی در این مقوله کاملاً مشخص و تبیین شده است. به عبارت دیگر، اعمال مدیریت در یک مجموعه فاقد برنامه مدون و کارشناسی شده و هم چنین فاقد استراتژی تعریف شده، نتیجه ای جز روزمرگی و هدر رفت زمان و سرمایه نخواهد داشت. بر این اساس، با نگاهی مختصر به سیمای شهرهای مازندران؛ به وضوح در می یابیم که اعمال مدیریت در اکثر شهرهای استان، از گذشته، بر پایه نوعی روزمره گی و به دور از هر گونه برنامه ریزی و استراتژی راهبردی و کاربردی تداوم یافته است. تحقیق و تفحص در علل ماهوی معضلات عدیده ای چون ترافیک و زباله، نشان می دهد که اگر از گذشته های نه چندان دور، مدیریت شهرهای استان بر اساس برنامه ای تعریف شده و استراتژی مشخص صورت می پذیرفت، هیچ گاه ساکنان شهرهای زیبای استان به چنین معضلاتی مبتلا نمی شدند. از سوی دیگر، هرچه زمان می گذرد، مسائل و معضلات شهری مازندران؛ به ویژه در مرکز استان، ابعاد گسترده تر و پیچیده تری می یابد که مهار و کنترل آن دشوار تر خواهد بود. با این وجود می توان گفت؛ اگر در دوران کنونی، طرح های جامع

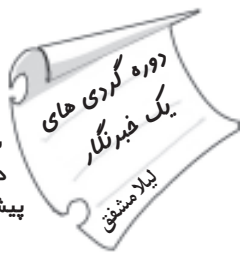
بهینه سازی عناصر شهری

امروزه یکی از مولفه های اصلی و اساسی در مدیریت شهری، ضرورت دقت در مکان گزینی و استقرار عناصر و المان های شهری در مکان های مناسب است. عناصری نظیر؛ ساختمان های اداری، پارک ها، بازارهای



ناهمراهی هایی برای فرزند خوانده ساری

آسایش مردم یک شهر نه تنها در گرو توجه مسئولین است بلکه به کمک و همیاری مردم نیز نیازمند است. در این راستا سعی نمودیم نگاهی اجمالی داشته باشیم به شرایط شهری تا تلنگری باشد به آنهائی که می خواهند در محیطی بهتر زندگی کنند. تحولات اخیر شهرداری ساری بارقه های امید را در شهر وندان به مراتب بیشتر کرد. لذا موکداً تصمیم داریم در هر شماره با معرفی و پرداختن به وضعیت فعلی و نیز ضعفها و نیازهای احتمالی، پیشنهاداتی درباره ی محلات و خیابانهای ساری ارائه نماییم، باشد که تاثیرگذار افتد.



بخش دوم

محله ۲۲ بهمن

خیابان مانند کوچه نوزدهم، هنوز بسیاری از کوچه ها بدون آسفالت مانده اند.

آب گرفتگی معابر و خیابانها با کوچکترین بارندگی یکی دیگر از مشکلات این محله است که تردد عابرین را دشوار می کند و چون در فصل پائیز و زمستان بیشترین میزان بارندگی اتفاق می افتد و این فصول همزمان است با ایاب و ذهاب دانش آموزان، نامناسب بودن معابر خصوصاً برای کودکان و نوجوانان مشکل سازتر است.

زباله ها نیز در این محل معضل بزرگی شده است. با وجود اینکه مردم این منطقه از مامورین جمع آوری زباله و نیز رفتگران بسیار راضی هستند ولی اذعان داشته اند که به دلیل عدم وجود صندوق های جمع آوری زباله، خیابانها در مدت زمان اندکی با انبوه زباله های پراکنده آلوده شده و پیامد آن تجمع حشرات و موجودات موذی در این منطقه است.

با توجه به اینکه خیابان ۲۲ بهمن یکی از مناطق پر جمعیت و شلوغ ساری محسوب می شود و نیز با در نظر داشتن وسعت زیاد این منطقه متأسفانه فضای سبز و پارکی به آن تخصیص داده نشده و خانواده ها برای اوقات فراغت و تفرجهای کوتاه و نیز بازی و سرگرمی کودکان مکان مناسبی ندارند. در حالیکه به نظر میرسد این یکی از ضروریات این محله است.

آنچه که در اینجا بیان شد گوشه ای از مشکلات محله ۲۲ بهمن ساری ست که اهالی آن با مجله ارمون مطرح نموده اند. مردم این منطقه به این باور رسیده اند که مسئولین به محله آنها به چشم یک روستای خارج از شهر نگاه کرده و کمتر در جهت فراهم نمودن امکانات عمرانی گام برمی دارند. گرچه به نظر می رسد در سالهای اخیر امکانات بیشتری به این منطقه تخصیص داده شده است اما با توجه به رشد شهر ساری و گسترش آن، این بخش اکنون جزء مناطقی ست که می تواند علاوه بر داشتن امکانات عمرانی، به طور مستقل از پارک، کتابخانه و ... برخوردار باشد. فراهم نمودن اینگونه امکانات رفاهی از ایاب و ذهاب کاذب جمعیت ساکن در چنین مناطقی به مرکز شهر (میدان ساعت) کاسته و از بار ترافیک و هزینه های متعاقب آن کم می نماید. گرچه بازار هفتگی کوچکی در این محله وجود دارد اما نیازهای انسان مدرن امروز را نمی توان تنها به نیازهای اولیه اش محدود نمود. شاید وقت آن رسیده به منطقه ای که نامش نشانی از انقلاب است کمتر به چشم فرزندخواندگی نگاه کنیم.



از جمله محلات جدید و در عین حال پر جمعیت شهر ساری است که از طرف شمال به زمینهای مزروعی و روستای آبکسر، از طرف جنوب به باغ کلبادی و پشت بیمارستانهای بوعلی سینا و نیمه شعبان، از طرف مشرق به بلوار دانشگاه و از طرف مغرب به روستای ملیک منتهی می شود.

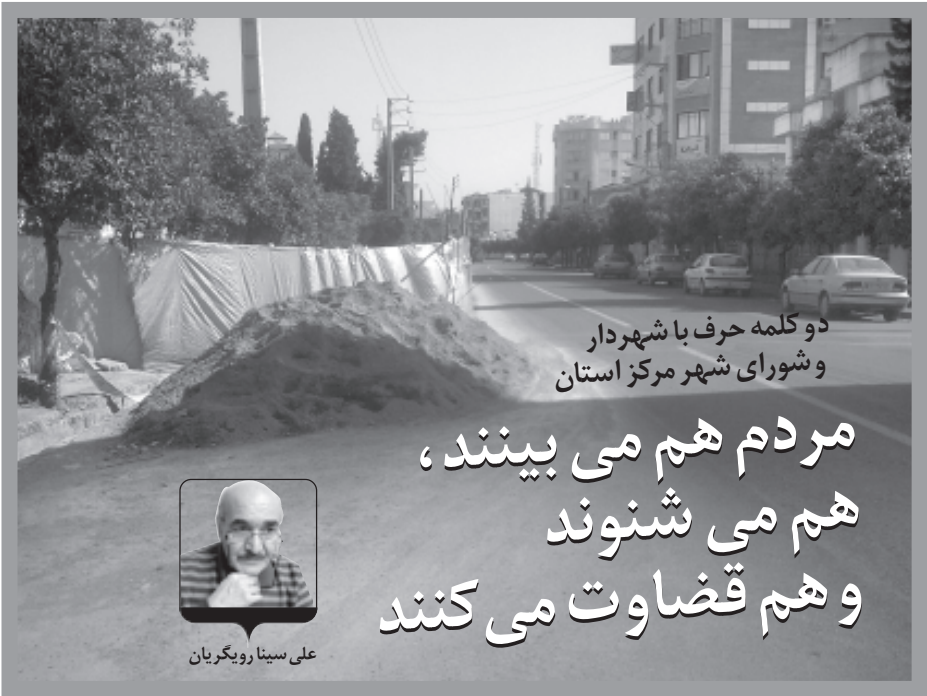
مهاجرینی که از دودانگه ساری بودند این منطقه را تعریض نموده و جهت سکونت خود و دیگران مهیا نمودند. در واقع می توان گفت زمان شکل گیری این محله از دهه ی ۵۰ یعنی از حدود سالهای ۱۳۵۵ ه.ش به بعد می باشد.

در بین انبوه ایستگاه های تاکسی، اتوبوس و سواری که دور میدان امام (ره) ساری حلقه زده اند، به تازگی ایستگاهی راه اندازی شده است که مسافرانش را به محله ای پرجمعیت می رساند به نام ۲۲ بهمن. ایستگاهی که در مقصد، جایگاه مناسبی برای انتظار مسافرانش ندارد. ایستگاهی که ساعت عبور و مرور اتوبوس هایش نامعلوم است. اتوبوس هائی که گاه هستند و گاه ساعتها خبری از آنها نیست!

ناگفته نماند که از ساعت ۷ عصر به بعد، دیگر هیچ خودروی عمومی ای در این منطقه آماده خدمت نیست تا به ساکنینش سرویس دهد و اهالی چاره ای جز استفاده از سرویس های خصوصی ندارند که مسلماً هزینه ی مالی مضاعفی را به خانواده ها تحمیل می کند.

متأسفانه مردم این منطقه از عدم توجه به روشنائی محله شکایت دارند. خرابی تیرهای چراغ برق و عدم تعویض لامپهای سوخته، برخی از معابر را در تاریکی فروبرده و از آنجا که یکی از مشکلات این منطقه حضور معتادین در زمینهای خالی و بدون کاربری ست، اهالی منطقه ۲۲ بهمن ساری را دچار اضطراب و ناامنی نموده است.

کندن مدام آسفالتهای کوچه و پس کوچه های این محله هم داستان دامن درازی دارد که خیال تمام شدن ندارد. گرچه هدف از این کندن ها قابل درک است و فراهم نمودن امکانات عمرانی جزء حقوق این شهروندان بوده و نشان از توجه مسئولین دارد اما چرا آسفالت هائی که باشتاب کنده می شوند، بازسازی هائی چنین طولانی در پی دارند؟ و این سوالی ست که همه اهالی این منطقه از خود و مسئولین می پرسند. البته باید متذکر شد با وجود توجه مسئولین به برخی از کوچه های این



چند روز پیش: مهدی رجبی زنجیر

مردم هم می بینند، هم می شنوند و هم قضاوت می کنند



علی سینا رویگریان

دلیل سهل انگاری در رعایت استانداردها، دیواره سمت خیابان ریزش کرد و پیاده رو و خیابان که محل رفت و آمد شهروندان است، ریزش کرد و یک چهارم از عرض این خیابان که در ساعتی، بسپار پرترافیک هم هست، در تیول حضرات انبوه سازان در آمد!

راننده تاکسی که مرا از آن مسیر می برد، تعریف می کرد که؛ شهرداری به خاطر یک کامیون ماسه ای که برای تعمیر خانه ام در خیابان فرعی ریخته بودم، به من اخطار کرد که اگر در کوتاه ترین زمان آن را جمع نکنم، با لودر شهرداری جمع اش خواهند کرد! حالا بیش تر از یک ماه است که نیمی از عرض یک طرف خیابان بسته شده و عین خیال شان نیست!

یک مهندس عمران مطلع می گوید: یکی از وظایف شهرداری، نظارت بر ساخت و سازها است. اما این انبوه ساز؛ بدون ساختن حایل محافظ، خاکبرداری کرده و از قضا ماشین آلات سازمان عمران شهرداری خاک ها را می بردند و گویا قرار بوده که در ازای آن، به انبوه ساز مورد نظر بتن تحویل بدهند! این دیواره بدون محافظ، چند بار ریزش کرد که بعد از ساختن یک دیواره آجری به طول ۱۳ متر و بدون استفاده از میلگرد و شمع کوبی، بار آخر پس از یک بارندگی، سمت خیابان ریزش کرده و پیاده رو و بخشی از خیابان و نیز دیوار یکی از همسایگان در سمتی دیگر، فرو ریخت! و عجیب است که پس از چندماه همچنان بخشی از خیابان جداسازی شده و اقدامی برای بازسازی دیواره و باز شدن خیابان نشده است؟

شهردار گرامی و شورای محترم شهر ساری

چند وقت پیش یکی از شهروندان همین شهر به من می گفت: شما به جز شهرداری و شورای شهر، زورتان به کس دیگری نمی رسد، که این قدر عملکرد آن ها را نقد می کنید؟ پاسخ من بدون یک کلمه کم و کاست این بود: موضوع این نیست! ما با همه کار داریم. اما تفاوت در این است که دستگاه های دولتی مدت هاست که توجهی به نقدها ندارند و کار خودشان را می کنند و نیازی به پاسخگویی نمی بینند! اما شهرداری و شورای شهر به مردم بیشتر نزدیک اند و می دانند که بسیاری از اهالی رسانه، نقدهایشان از سر دلسوزی برای شهر و استان و وطن شان است و راحت تر می توانند نیش و نوش ما را تحمل کنند! همین!

توضیح: تصاویر این گزارش در روز عید سعید غدیر گرفته شد.

آقای عبوری

روزی که پس از چالش ها و کشمکش های پنهان و پیداء، به عنوان شهردار ساری منصوب شدی، نه تنها بسیاری از اهالی رسانه، از شما حمایت کردند، بلکه اقبال بخش قابل توجهی از شهروندان نیز همراهت بود. چون مازندران هستی و می دانی که در این دیار؛ مردم نه فقط به پیشینه مدیران، بلکه به طایفه و تبارش نیز توجه دارند.

خود من هم از جمله کسانی بودم که برایت نوشتم: آقای شهردار؛ آستین ات را بالا بزن، تو تنها نیستی.

شهردار گرامی

خاطر من هست، هنگامی که با اولین بارندگی و سیل در شهر، چکمه پوشیدی و همراه کارگران شهرداری به رفت و رفتق شهر پرداختی، دوستان راضی و خوشحال شدند و نادوستان این حرکت را متظاهرانه خواندند که اگر شما از آن بی خبرید، برای ما حدیث مکرر بود.

نوروز که فرا رسید، میدان های مرکز استان را آن چنان آراستی که کسی شبیه آن را در این شهر به یاد نداشت و دوست و نادوست، دست مریزاد گفتند.

سپس اسب های رمیده میدان امام را صیقل دادی و روانه میدان خزر کردی و پیران و جوانان و کودکان این شهر لبخند زدند. اما هنگامی که زمزمه یارگیری ات در شورای شهر به گوش مردم رسید، چین و شکن تردیدها بر چهره برخی از شهروندان، انکار ناشدنی بود.

شورای محترم شهر ساری

در خاطر مردم هست که پیش و پس از انتخابات شورای شهر، چگونه گذشت. به هر حال قوم و خویش و دوست و همسایه و هم محلی مردم همین شهرستان بودید. جمعی با رضایت، عده ای ناراضی، گروهی معترض اما بالاخره بجز آنائی که به دلایل خاص از شما حمایت کردند، به غیر از آرای سنتی که هنوز هم قابل توجه و کارساز است، بیشتر مردم، نه فقط به خاطر عکس هایتان بلکه با امیدواری به تلاش تان برای بهبود وضع شهرشان، شما را انتخاب کردند و گوش را بر حرف و حدیث ها، بستند.

شهردار گرامی

درست است که مردم ما بی حوصله و خسته اند اما هم به





گفتگو با جمال محمدی

امروز ، موسیقی اقوام جواب می دهد

«کایر» برای همین تاسیس شده

○ علی سروی



چوپانی ، مسلم فهیمی ، علی نظری . من بچه ی انقلاب هستم تمام پوست و خونم با انقلاب شکل گرفته. کارهایی نیز در این زمینه ساخته ام. من با توجه به شناختم از جامعه و مردم آهنگ می سازم.

صدا و سیما ، هنرمندان را رایگان به خدمت می گیرد
از دهه ۶۰ به بعد تحول چشمگیری را در موسیقی مازندران می بینیم. از دهه هفتاد به بعد موسیقی مازندران جوان پسند تر شده است. معتقدم؛ موسیقی ما هنوز در یک ویتترین خوب پخش نشده. تا موسیقی ما در یک ویتترین بزرگ به نمایش در



ویلون را ولش کن، نی بزَن

سال ۶۳ رفتم تهران، هنرستان موسیقی. ویلون را انتخاب کرده بودم. در آن دوران کشور من خیلی غم داشت. مردم خیلی غمگین بودند. برایشان که ساز می زدم، می گفتند؛ ویلون را ولش کن، نی بزَن!

به هر حال ویلون یک ساز غربی بود و گوش آن ها به شنیدن نی عادت کرده بود. من معادل سازی کردم و کمانچه را انتخاب کردم. کمانچه و ویلون هم خانواده هستند.

گروه موسیقی طالبا

حوالی سال های ۷۰، ۷۱ گروه موسیقی طالبا را تاسیس کردم. از بین برادرانم، تنها برادر بزرگترم کمال با من بود. باقی برادرها خیلی کوچک بودند. پدرم هم حضور پیگیرانه ای داشت. در گروه موسیقی طالبا دوستان دیگری هم بودند. حاج حسین

دوباره آن ها را زنده می کند. همکاری من با بینا از سال ۲۰۰۲ شروع شد و یک دهه و نیم ادامه پیدا کرد. او مازندرانی را از من یاد گرفت.

با لله وا و قرنه عکس می گرفتند

من به عنوان سفیر ایران در خارج از کشور ظاهر شدم، نه به عنوان یک معترض ؛ در این سال ها بخشی از عمرم در فرودگاه ها سپری شد. اما من می خواستم؛ مردم در سراسر دنیا کارم را ببینند. می خواستم ساز های من، با وجود سازهای صنعتی آن ها دیده شود. ساز من فولک است و اصالت دارد. این سازی است که پشتوانه فرهنگی دارد. مردم لله وا ی مرا می گرفتند و با آن

عکس می انداختند. با قرنه عکس می انداختند و می گفتند؛ عجیب است سازی به طول یک میله خودکار به اندازه ی یک ترومپت صدا دارد! وقتی می نوازی اش، آدم حس می کند دارد به ارکستر سمفونی گوش می کند.

با اجرای جمال محمدی، شما می توانید بفهمید او کجا زندگی می کند. در آن جا مردم می گویند؛ موسیقی ایرانی غمگین است اما چیزی که جمال می زند شاد است. بله من اکثرا موسیقی های شاد اجرا می کنم. کار من برای آن ها متفاوت بود و به همین خاطر استقبال شد. مازندرانی ها هم برایشان جالب بود که در کشوری دیگر موسیقی محلی شان دارد اجرای شود.

نوروز استکهلم با سرنا

به دعوت دانشگاه موسیقی سوئد برای تدریس به آن جا رفتم. سه سال در سوئد زندگی کردم. کمانچه درس می دادم و تنوری و مبنای موسیقی. اکثر شاگردانم، ایرانی و ترک بودند. ترک ها گردش موسیقی شان مثل ماست. موسیقی شان به ما نزدیک است. شاگرد سوئدی هم داشتم. آن ها به من معلم دادند، تا زبان شان را یاد بگیرم. من هم عاشق این جور آرتیست بازی ها ! بعد از پنج شش ماه، آرام آرام زبان شان را یاد گرفتم. زبان سوئدی در هیچ جای دنیا کاربرد ندارد. در آن جا به فستیوال ها هم دعوت می شدم. درجه ی هنری من دکتری بود. مرا به عنوان یک نماینده ی موسیقی شرقی به برنامه های شان می بردند. نوروز استکهلم با پخش سرنا ی من از تلویزیون سراسری شان آغاز شد. چهارشنبه سوری هم برنامه داشتم.

اجرای موسیقی در سالن جایزه ی نوبل

سال ۲۰۱۰ توی سالن جایزه نوبل برنامه اجرا کردم. فضای این سالن مرا گرفت. بزرگ و باشکوه بود. با تمام سالن هایی که دیده بودم فرق داشت. دقیقا خاطرم نیست آن سال جایزه ی نوبل را چه کسی گرفت. قرارداد من در آن جا دو ساله بود. یک سال هم به خاطر شاگرد هایم ماندم.

فستیوال مولانا

سال گذشته خانم بینا را برای فستیوال مولانا دعوت کردند. ما در آن جا یکسری از قطعات موسیقی تربت جام را اجرا کردیم. این برنامه؛ نزدیک بارگاه مولانا برگزار می شد. اتاق های مراقبه هنوز در آن جا بود. آرشيو و موزه ای قوی داشت. مردم از سراسر دنیا آمده بودند. بلیت گران قیمتی داشت اما مردم این بلیت را تهیه کرده بودند و آمدند. این برنامه مرا به فکر واداشت. کاش ما هم



رسیده ام که موسیقی مازندران، نه تنها گسترش پیدا نکرده بلکه مهجور مانده است. ما نتوانستیم قرابتی بین موسیقی خودمان و اقوام مختلف ایجاد کنیم. به نوعی؛ این موضوع را آسیب شناسی کردم و به این نتیجه رسیدم که ما نمی توانیم موسیقی مان را بدون در نظر گرفتن موسیقی محلی سایر نقاط کشورمان گسترش بدهیم. ما زمانی می توانیم موسیقی مان را گسترش بدهیم که دوستانی غیر از برادر داشته باشیم. ما به برقراری ارتباط با دیگران نیازمندیم. من هنوز نتوانستم یک کرد یا لر را بیاورم و در کنار او موسیقی محلی ام را اجرا کنم. «کایر» یعنی دوستی و این گروهی است که من از سال ۸۷ دارم رویش کار می کنم.



- از دهه هفتاد به بعد موسیقی مازندران جوان پسند تر شده است.
- من به عنوان سفیر ایران در خارج از کشور ظاهر شدم، نه به عنوان یک معترض!
- سازمن فولک است و اصالت دارد. این سازی است که پشتوانه فرهنگی دارد. مردم «لله وا» ی مرا می گرفتند و با آن عکس می انداختند.
- صدا و سیما یک ویتترین خوب است اما متاسفانه نه برنامه ریزی درستی دارد و نه به فکر موسیقی محلی ماست.
- صدا و سیما می خواهد هنرمندان را رایگان به خدمت بگیرد. هنرمند خوب و فعال را نمی آورد تا مجبور نباشد پولی بپردازد.
- ما به برقراری ارتباط با دیگران نیازمندیم. من هنوز نتوانستم یک کرد یا لر را بیاورم و در کنار او موسیقی محلی ام را اجرا کنم.

دیگر موسیقی برادران محمدی جواب نمی دهد

امروز دیگر موسیقی طالبا و برادران محمدی جواب نمی دهد. امروز موسیقی اقوام جواب می دهد. کایر برای همین تاسیس شده است. ما دیگر طالبا و طبری نیستیم. ما کایر هستیم. کایر یک گروه منطقه ای است. با این حال دغدغه ی کایر و من، همواره موسیقی مازندرانی است. شما تا به موسیقی و فرهنگ اقوام دیگر احترام نگذارید، نمی توانید موسیقی خودتان را مطرح کنید.

کمال می تواند به جمال جواب بدهد

از میان برادرانم، کمال کارش خوب است. کمال؛ در تصنیف خوانی توی مازندران رقیب ندارد. همیشه خودم می گویم؛ کمال می تواند به جمال جواب بدهد. خواهرانم «نرگس» و «جمیله» هم موسیقی را خوب یاد گرفته اند. سید حمزه هم همینطور. پسرانم محمد و علی که طبیعتا از من جلوتر هستند و آینده دار. یکسری از اعضای خانواده، به خاطر امرار معاش و مشکلات زندگی، فرصت کمتری برای موسیقی گذاشته اند و نتوانستند آن طور که باید و شاید، پیش بروند.

مترجم فرزندانم شده ام

از اشعار جوانان استقبال می کنم. من فراخوانی در فضای مجازی داده ام و یک تعداد کار هم آمد گروه کایر از اشعار جوانان استقبال می کند، چون سعی دارد موسیقی جوان پسندی ارائه کند. من کاری را می خوانم که لازم نباشد مردم برای فهمیدن اش بروند توی کتابخانه ها بگردند و اصطلاحات مازندرانی را پیدا کنند!

یکی گفته بود : شماها دارید زبان مازندرانی را نابود می کنید! این حرف افراطی هاست. اگر می خواهیم زبان مازندرانی از بین نرود، بیایم آن را جزو دروس مدرسه بچه هایمان کنیم. الان من توی خانه ام مترجم شده ام. برای فرزندانم لغات مازندرانی را ترجمه می کنم. باید شعرهایی خوانده شود که عامه مردم آن را بفهمند. به خصوص در کنسرت ها.





روز مازندران مناسبتی جریان ساز برای پیشرفت استان

ایرج نیاز آذری

مناسبت‌ها فرصتی برای مرور وقایع و ترسیم شرایط و تقویم شمارشگر ایام و نشان دهنده تحولات و پدیده ها، در این بین شورای فرهنگ عمومی با نامگذاری ۱۴ آبان به عنوان روز مازندران هویت تاریخی و فرهنگی مازندرانی‌ها را نشانه دار کرد. اگرچه صیغه فرهنگی و آیینی روزمازندان پر رنگ تر است اما چون فرهنگ زیر بنا و شالوده هر جامعه است می توانیم از این بستر برای پیشرفت و تعالی زاد بوم برنامه ریزی نماییم. مازندرانی‌ها در روز تقویمی خود با این پرسش مواجه می شوند که برای پیشرفت و توسعه زاد بوم خویش چه مسوولیتی دارند. هریک از ما در شغل و صنفی قرار داریم و به عنوان یک‌مازندرانی می توانیم فراخور تخصص، تجربه و توانمندی که برخورداریم برای بهتر شدن وجوه مختلف استان تلاش کنیم و قدمی برداریم. درمیان همه عرصه های پیشرفت و تلاش اما عرصه فرهنگ از حساسیت و ارزش مهمتری برخوردار است. لذا بر همه مازندرانی‌ها فرض است برای تعالی فرهنگی استان مجدانه بکوشند. برخی اخبار و گزارش‌ها از شرایط نه چندان مناسب فرهنگی و اجتماعی درمازندان حکایت دارد که بیشترریشه در شرایط بد اقتصادی دارد. ومن قصد ندارم کام مخاطبان را در این مناسبت و سطور تلخ کنم.. مازندرانی که دارای پیشینه و اصالت عمیق فرهنگی برخوردار بوده هم اکنون دچار چالش‌های شدید اجتماعی و فرهنگی شده است تا جاییکه با تاسف فروان رئیس دانشگاه علوم پزشکی مصرف شیشه در مازندران را رتبه یک کشور اعلام کرد. ودر ناهنجاری‌های دیگر رکورد دار و متأسفانه صدر نشین! .استانی که بیش از ده هزار شهید، فضلا و عالمان برجسته، و نخبگان شهیر و ملی و فرهنگ اصیل دارد شایسته این شرایط و وضعیت نیست.بزرگان، مفاخر آداب، سنن، فرهنگ، معماری، باورها، ارزشها ی دینی مذهبی و قدمت فرهنگی مازندران غنی ترین سرمایه و اعتبار امروز ما برای ساختن فردایی بهتر است.مازندران سرزمین علویان است و خاستگاه شیعی دارد و با برخورداری از آموزه های دینی و داشتن مردمی سختکوش و فرهنگ دوست شایسته پیشرفت و تعالی در همه زمینه ها. مردم مازندران همبستگی و همدلی خود را با فرهنگ غنی " کابری " بروز می دانند.و این ویژگی ارزشمند نیاز مبرم امروز ماست. این سرمایه اجتماعی و فرهنگی که خاستگاه دینی و ملی دارد شایسته به روز شدن است. چه آنکه در شرایط امروز اجتماعی و اقتصادی نیازمند کایری نخبگان برای توسعه همه جانبه زاد بوم هستیم. اگرچه دنیای مدرن تحت تاثیر سازمان های مردم نهاد قرار گرفته است اما مردم مازندران بی آنکه تشکیلات یا سازمانی داشته باشند متأثر از فرهنگ غنی و با اصالت خویش از طریق کایری همدرد، همدل، همکار ومدد رسان یکدیگر بوده اند.با اعتبار اینکه باید فرزند زمان خویش بود می توان بین سنت و مدرنیته ارتباط معناداری برقرار نمود و از طریق ترکیب باور ها، ارزشها و سنن بومی محلی با تکنیک ها و تجارب بشری برای همگرایی و هم افزایی مسیر جدید پیمود.واقعیت آن است که دولت به تنهایی نخواهد توانست از پس مشکلات و چالش‌ها برآید و اگر مشارکت و همکاری مردم نباشد به طو مار معضلات یکی پس از دیگری افزوده می‌شود، از این رو از بزرگان مازندان انتظار می‌رود با تشکیل یک "لویی جرگه" و تاسیس نهادی غیردولتی برای توسعه استان قدم‌های اساسی بردارند. استان مازندران مشکلات نگران کننده ای در زمینه های اشتغال، تولید، امور اجتماعی، فرهنگ و محیط زیست دارد که اگر برای برون رفت آن حرکت نکنیم تاریخ ما را سرزنش خواهد کرد.چه آنکه همین امروز فرزندان ما سخنان نگران کننده هویتی بر زبان جاری می سازند. استان مازندران در کنار مواهب طبیعی و خدادادی و شرایط ویژه جغرافیایی بزرگانی ارزشمند در مصاد حکومتی و مناصب اجرایی دارد وشایسته نیست اینگونه محروم و کم فروغ باشد.فرهنگ تعاون، کار گروهی و کایری می تواند در تمام سطوح شکل بگیرد، از روستا تا استان و رسالت اصحاب فرهنگ و اندیشه بر ترویج و نشر چنین فرهنگی استوار است.

حال تئاتر شهرمان خوب نیست!

گفتگو : حسین احمدی

بهار ۱۳۷۸ بود که در گروه تئاتر مِبا شهرستان ساری در نمایش «اتل متل هله هوله» هم بازی شدند تا استعداد و علایق خود را به هنر ناب نمایش بیازمایند و پس از ۸ سال همکاری مشترک در این عرصه، تصمیم بگیرند تا همکاری و همدلی خود را علاوه بر صحنه نمایش، در صحنه زندگی نیز تجربه کنند .در مرداد ماه ۱۳۸۶ پیوند ازدواج این زوج هنرمند صورت پذیرفت تا حضورشان در عرصه های نمایشی، محکم تر و دوست داشتنی تر گردد. «رفسا (نیما) افضلی» و «سمیرا علیپور» زوج هنری تئاتر مازندران هستند که سال ها حضورشان در صحنه های نمایش، آن‌ها را در زمره فعالین این عرصه قرار داده است.گفتگوی ما با این زوج هنری به شما تقدیم می‌شود.



کمی از خودتان بگویید؟

افضلی: ۳۲ساله هستم و کارشناس نمایش با گرایش بازیگری. از سال ۷۳وارد دنیای نمایش شده و تا به امروز نیزقطره ای کوچک از دنیای بی کران این هنر هستم.

علیپور : کارشناس ارشد تئاتر در گرایش کارگردانی ام. از سال ۷۸وارد حرفه نمایش شده و تا به امروز در خدمت تمامی علاقمندان، هنرمندان و هنر دوستان این هنر ناب هستم.

در رابطه با سوابق هنری تان توضیح می دهید؟

افضلی: حضور در بیش از ۵۰اثر نمایشی تحت عنوان نویسنده، کارگردان، بازیگر، طراح، مشاور و دستیار، حضور در جشنواره های مختلف نمایشی، از جمله؛جشنواره بین المللی تئاتر فجر (با سه نمایش)، جشنواره بین المللی تئاتر اکو و بین المللی دانشجویی عروسی (۵دوره)، دریافت دیپلم افتخار بازیگری در دهمین جشنواره تئاتر کودک و نوجوان کشور، مدرس هنرستان سوره و کارگاه بازیگری حوزه هنری استان، عضو شورای نظارت برنمایش مرکز استان به مدت ۳ سال و نویسندگی و کارگردانی برنامه زنده تلویزیونی اتل متل (۶۰برنامه) از جمله سوابق اجرایی من است.

علیپور: خوب من هم مثل نیما ! چون از اول با هم بودیم ولی این را بگویم که نیما خیلی بیشتر از من در عرصه های نمایشی مخصوصا بازیگری، حضور داشته، چرا که علاقمندی من، بیشتر در حوزه کارگردانی و تحقیق و پژوهش تئاتر بوده، تا بازیگری.

در حال حاضر مشغول چه کاری هستید؟

افضلی: براساس کار تخصصی خودم، هم اکنون در حال تدریس در کارگاه های آموزش نمایش خلاق کودک و نوجوان شهرم هستم. ولی اگر خدا بخواهد، مطمئنا یک اثر نمایشی در ژانر طنز به روی صحنه می آورم.

علیپور: تدریس در دانشگاه علمی – کاربردی فرهنگ و هنر و نوشتن یک مقاله در خصوص اهمیت نورپردازی در تئاتر.

کدام کارتان را بیشتر دوست دارید؟

افضلی: بدون اغراق می گویم که من تمامی نمایش هایی را که خودم بازی و یا کارگردانی کردم، دوست دارم و برای من ارزشمند هستند اما نمی توانم از کارگردانی و بازی در نمایش «جایی در



میان خوک ها» و هم چنین بازی در نمایش «اتل متل هله هوله» یادی نکنم.

علیپور: قطعا کارگردانی نمایش های «خاله جون بازی» و «باغ وحش شیشه ای» را بیشتر دوست داشتم، چرا که تجربه های خیلی خوبی برایم به وجود آوردند. از بازی در نمایش «مسئله ای نیست» هم خاطرات خوبی برایم به جا مانده است.

از کارهای مشترک تان بگویید؟

افضلی: ترجیح می دهم همسرم جواب شما رو بده، چون من حافظه خوبی ندارم.

علیپور: نیما شوخی می کند! چون تعداد نمایش هایی که کار کرده زیاد بوده و شاید آن‌ها را به خاطر ندارد ! ما با هم در بیش از ۳۰اثر نمایشی همکار بودیم ولی در چندین اثر، مثل؛ «اتل متل هله هوله»، «خاله جون بازی»، «شهر آدم، شهر حیوان»، «مسئله ای نیست»، «الک دولک، عجزوه کلک»، «ماه تی تی» و «تازه پری» با هم؛ همبازی هم بودیم.

اهمیت تئاتر کودک و نوجوان را چگونه ارزیابی می کنید؟

علیپور: این سؤال در حوزه تخصصی نیما است. این بار من سکوت می کنم تا عمو نیمای بچه های مازندران پاسخ تان را بدهد.

افضلی: من که از سال ۷۹تا به امروز، به عنوان مدرس کارگاه های نمایش خلاق کودک در مراکز آموزشی و مهد کودک های استان فعالیت می کنم، به جرات می توانم بگویم؛ تئاتر و نمایش، از ضروری ترین هنرهایی است که می تواند نقش ارزنده ای در تربیت و آموزش فرزندان این مرزوبوم ایفا نماید.

از این روی ملید که هنرمندان متخصص و کارشناس در این رشته، وارد عرصه اجرایی شده تا بتوان راه درستی در جهت آموزش و تربیت فرزندان باز شود.

امروزه تئاتر کودک درمازندران از جایگاه خوبی برخوردار بوده و از استقبال خوبی در بین مخاطبان برخوردار است ولی باید کار را را به دست کاردان سپرد، نه کسانی که این کار را آسان می پندارند.

در سال های اخیر در زمینه اجرای برنامه های کودک، هر کسی به خود اجازه داده تا با تقلید از برنامه های دیگران پا به این دنیای بی آلایش بگذارد.

به عقیده شما تئاتر در کشور و مازندران چه جایگاهی دارد؟

افضلی: با توجه به پیشینه هنرهای نمایشی در کشور و وجود هنرمندان و صاحبان اندیشه در این حوزه، می توانستیم به جایگاه رفیع تری برسیم ولی کم مهری دست اندرکاران، همراه با نبود زیر ساخت ها، امکانات و منابع مالی، ما را از تئاتر دنیا عقب انداخته، ولی با این همه، در حال حاضر، تئاتر در کشور، آرام آرام باید به جایگاه واقعی خود برسد چرا که تئاتر؛ هنری است، فرهنگ ساز و اجرایی آن در جامعه، ضرورتی انکار ناپذیر می باشد.

علیپور: با وجود این همه هنرمند با استعداد و تحصیل کرده و صدها مرکز آموزشی و دانشگاهی در کشور، هنوز هنر تئاتر نتواسته به جایگاه ارزشمند خود در کشور و دیار ما برسد. به نظر من؛ این سال ها اصلا حال تئاتر کشور و شهر ما خوب نبوده و نیست و باید همه به فکر درمان آن باشیم.

افضلی: در ضمن؛ مازندران همواره مهد تربیت عالمان و هنرمندان بزرگ بوده که در این میان، تئاتر نیز از این قاعده مستثنی نیست. قدمت بیش از نیم قرن فعالیت تئاتری در مرکز استان، نشان از علاقمندی و اهمیت این رشته هنری در مازندران دارد ولی متأسفانه امروزه و در چند سال اخیر، چراغ درخشان این هنر ناب در استان کم سو شده و این جای بسی تاسف است. حوزه هنری؛ که در چند سال اخیر در این زمینه خوش می درخشید، حالا با تغییر مدیریت و اعمال سلیقه ها، دستخوش رکود شده. صدا و سیما هم اصلا نمی داند هنری به نام تئاتر وجود دارد یا نه؟

علیپور: بگذارید من از منظری دیگر به سؤال شما پاسخ دهم. جایگاه و ارزش این هنر در مازندران، همین بس که بگویم بیشترین فارغ التحصیل رشته تئاتر در کشور، مازندرانی هستند که این



خود نشان از ابراز علاقه بسیاری از جوانان و مردم این خطه هنر پرور به نمایش بوده است. هم چنین این پرسش مطرح می شود که؛ با وجود ده ها مراسم و آیین کهن این سرزمین که سراسر پر از عناصر نمایشی و تصویری است، چرا تئاتر مازندران به این حال و روز افتاده که تعداد آثار تولید شده در خور توجه در طول سال، به ۲۰ عدد هم نمی رسد؟ و این سؤال بزرگی است که باید متولیان و مسؤولین مربوطه پاسخگو باشند.

در پایان، آیا نکته خاصی هست که بخواهید بگویید؟

افضلی: واقعا نمی دانم از چه کسی و یا چه دستگاهی باید انتقاد کنم. فقط می دانم هیچ مسؤول فرهنگی، تئاتر را نمی خواهد، چون عملکرد آنان این موضوع را نشان می دهد.

علیپور: واقعا نیما درست می گوید. هنرمندان؛ بدون هیچ چشمداشتی، عاشقانه کار می کنند و سعی می نمایند از هر طریقی درد دل شان را به گوش مسؤولین و متولیان برسانند اما باز هیچ گوش شنوایی نیست.

افضلی: هنر؛ نیاز به حمایت همه جانبه مسؤولین، هنرمندان و مردم دارد. پس بیاییم هنر تئاتر را دریابیم. پیشنهادم برای برون رفت از این وضعیت، ابتدا شناخت چالش ها و موانع و هم چنین؛ برنامه ریزی در جهت رفع آن ها، تقویت زیرساخت ها و نیز تامین منابع مالی مناسب است. **علیپور:** و باید به مقوله آموزش و آگاهی هنرمندان از علم به روز تئاتر و به کارگیری این هنر در جهت فرهنگ سازی و آگاهی بخشی عموم مردم، توجه ویژه شود؛ چرا که یکی از دلایل عقب ماندگی تئاتر استان، همین عدم آموزش و شناخت علمی اهالی تئاتر می باشد.

به امید روشن بودن همیشگی چراغ های سالن های نمایش ...

از لابه لای حرف های نا نوشته:

افضلی: گشت و گذار در ایران علاقه شخصی هر دوی ماست.

علیپور: زیارت امام رضا (ع) همیشه اولویت سفرهای ماست.

افضلی: با وجوداین که ۷سال از اجرای خاله جون بازی می گذرد، ولی هنوز هم به آن تعلق خاطر دارم.

علیپور: زندگی؛ با به دنیا آمدن دخترمان «ملودی» جور دیگری رقم خورده است.

افضلی: از این که بیش از یک دهه عمو نیمای بچه های مازندران هستم به خودم می بالم. **علیپور:** اجراهای برنامه های کودک «عمو نیما» را خیلی دوست دارم چون پر است از انرژی.

افضلی: سال ۸۸وقتی همسرم از سوی استانداری مازندران، به عنوان بانوی نمونه هنر استان برگزیده شد، خیلی لذت بردم.

علیپور: از این که می بینم خیلی ها با تقلید از برنامه «عمو نیما» می خواهند به محبوبیت برسند، غمگین می شوم.

افضلی: شاید از معدود افرادی هستم که در هر دو حیطه (تئاتر کودک و تئاتر بزرگسال) کارهای زیادی انجام دادم.

علیپور: با توجه به شرایط موجود در تئاتر، دوست دارم «ملودی» در موسیقی فعالیت کند.

افضلی: خوشبختانه من و همسرم با تمامی اهالی تئاتر شهر و دیار خود، تعامل و دوستی داریم.

علیپور: از عوامل موفقیت من و نیما، خانواده هایمان بودند که در تمامی مراحل زندگی از حمایت شان برخوردار بودیم.





بازیگر و کارگردان مازندرانی تئاتر :

تئاتر مازندران

نیاز به بومی گرایی دارد

گفت‌وگو: محمدحسین ملایی کندلوسی

مازندران را باید بی شک مهد هنر و هنرمند پرور بدانیم، چرا که خیل عظیم استعدادهای هنری که در جای جای مازندران دیده می شود، شاید در سایر نقاط کشور کمتر با چنین دریای عظیم استعدادهای هنری برخورد کنیم. این همه استعداد و توانمندی در هنر و تئاتر که همگی از مازندران و از میان مردم هنردوست این دیار برخاسته اند، نیاز به توجه جدی مسئولین امر در راستای فراهم آوردن زیرساخت ها و امکانات لازم برای بروز خلاقیت ها و تحرک و پویایی هنر خود هستند.

جمعی از هنرمندان تئاتر نوشهر، امسال دست به کار بسیار جدید و زیبایی زدند و مدتی است که در یک اقدام هماهنگ، چند نمایش به مدت بیش از سه هفته و به نوبت، از سوی هنرمندان و کارگردانان مازندرانی تئاتر به روی صحنه می رود. اکنون پای صحبت «سعید مرادی» یکی از کارگردانان جوان تئاتر که ۱۶ سابقه فعالیت هنری در این عرصه را دارد و این روزها در نوشهر؛ اثر جدید خود را به روی صحنه می برد، نشستیم و با وی به گفتگو پرداختیم که در زیر می خوانید.



مرادی به ارمون گفت: تئاتر مازندران، هنرمندان پرکاری دارد اما متأسفانه امکانات لازم و مورد نیاز و نیز بستر مناسب برای اهالی تئاتر فراهم نیست تا بتوانند فعالیت های خود را بیشتر کنند.

وی افزود: هنرمندان بسیار قوی و با استعدادی ما که در سطح استان مازندران در حال فعالیت هستند، با مشکلات عدیده ای روبرو می باشند.

وی تصریح کرد: بزرگ ترین مشکل تئاتر، نداشتن بودجه است و بسیاری از بچه های تئاتر با هزینه های شخصی خودشان برای تمرینات و فعالیت های مرتبط با تئاتر، کار می کنند. وی بیان کرد: هنرمندانی که در شهرستان های مازندران در حال فعالیت تئاتری هستند، اکثراً در سطوح بسیار بالایی کار می کنند؛ به طوری که آثار آن ها قابلیت اجرا در تهران و سالن معروف «تئاتر شهر» را دارد اما مشکلات موجود در تئاتر، این فرصت را از آن ها گرفته است و بنابراین نیازمند حمایت ویژه از سوی مسئولین هستند، چرا که حمایت های آنان می تواند بسیار راهگشا باشد.

بازیگر و کارگردان مازندرانی تئاتر در خصوص اجرای هم زمان چند تئاتر در روز های اخیر در نوشهر، اشاره کرد و گفت: ما چند گروه تئاتر؛ در نوشهر، به نوبت اقدام به اجرای تئاتر با موضوعات مختلف و جداگانه کردیم اما حمایتی از سوی مسئولین ندیدیم.

وی ادامه داد: چگونه است که وقتی یک نفر از یک استان دیگر به نوشهر می آید تا یک کار طنز اجرا کند، شهرداری حمایت می کند و انواع و اقسام امکانات را در اختیار قرار می دهد، در حالی که هنرمندان نوشهری در شهر خودشان از این حمایت ها محروم هستند و گاهی باید هزار جور منت کشی کنند تا شاید کمترین و جزئی ترین امکانات به او داده شود.

وی افزود: در آمد تئاتر، آن قدر نیست که بتوان پاسخگوی هزینه های تبلیغات آن باشیم، در حالی که یکی از مهم ترین ابزارها برای تئاتر، همین تبلیغات است تا مردم بتوانند با خبر شوند که چه نمایشی و در چه زمان و مکانی برگزار می شود تا برای تماشای آن وقت خود را تنظیم کنند.

وی ابراز کرد: وقتی امکانات لازم برای اجرای تئاتر در یک سالن وجود نداشته باشد، موجب از دست رفتن تمرکز کارگردان و بازیگر می شود و کار، آن طور که باید، خوب از آب در نمی آید.

وی خاطرنشان کرد: در نوشهر و چالوس، فقط یک سالن برای کار تئاتر داریم که آن هم در اداره ارشاد نوشهر قرار دارد و گروه های تئاتری در همین سالن تمرین می کنند، در حالی که نیاز به سالن های متعددی داریم تا زمان تمرینات گروه های تئاتری، از نظر زمانی،

فشرده نباشد بلکه بتوانند با زمان کافی تمرین کنند.

این هنرمند گفت: در غرب مازندران، در تنکابن و نوشهر، فعالیت تئاتری بسیار گسترده تر است و نیاز به یک سالن تخصصی و مجهز تئاتر کاملاً احساس می شود.

وی استقبال مردم از هنر تئاتر را بسیار مطلوب ارزیابی کرد و گفت: مسئولین باید از این همه استقبال مردمی حمایت کنند و نگاه جدی برای رفع مشکلات تئاتری داشته باشند.

وی هم چنین اظهار داشت: با توجه به روند موجود، همه باید سعی کنیم؛ کورسویی که در تئاتر مازندران باقی مانده است را حفظ کنیم.

این کارگردان مازندرانی؛ در ادامه بر لزوم بومی گرایی در تئاتر تاکید کرد و افزود: تئاتر مازندران، نیاز به بومی گرایی دارد؛ یعنی اهالی تئاتر؛ به جای روی آوردن به متون نمایشی خارجی، از فرهنگ و آداب و سنن منطقه خودشان بهره ببرند و به نمایش در آورند و این کار نه تنها موجب حفظ، احیا و اشاعه بیشتر فرهنگ بومی و محلی می شود بلکه نسل جوان امروز ما نیز با فرهنگی های اصیل بومی و محلی منطقه خود آشنا شده و به آن بیشتر علاقمند می شود.

وی تاکید کرد: با تئاتر می توان بسیاری از مشکلات و معضلات هر شهر را توسط هنرمندان آن شهر به روی صحنه آورد و برای حل آن راهکار ارائه داد.



رمان دلنشین «باغ سامورایی» نوشته «گیل تسو کیاما» با ترجمه تاثیرگذار «فرانک وثوقی» اثری کاملاً عمیق و دوست داشتنی بوده که نشر روزگار آن را به چاپ رسانیده است.

لذت همنشینی با این کتاب، از اولین جملات، پیدایش می شود و با هر ورق زدنی، این احساس خوب، پرنرنگ تر نیز می گردد.

با این که برای رسیدن به دیالوگ های محدود این رمان باید صبوری بسیار به خرج داد اما هیجان و کشش زیبایی که در بطن داستان نهفته، مخاطب را لحظه ایی کم حوصله و عجل نمی سازد.

رمان باغ سامورایی، روایتی است که به عشق، بیماری، امید، تنهایی و ایمان می پردازد. به جنگی که جغرافیایی نمی شناسد و بیرون و درون آدم ها به پا می گردد.

به لحاظ تاریخ دار بودن این رمان، بسیار مورد علاقه من است. انگار هر بار به واسطه ثبت روز، ماه و سال، خرده داستان های این رمان ۲۶۴ صفحه ای جذاب تر به نظر می رسد و شخصیت اول داستان، در بیشتر لحظات زندگی ما قابل مشاهده است.

این داستان که در بحبوحه جنگ ژاپن و چین رخ می دهد، درباره زندگی «استفن» دانشجوی جوان بیست ساله چینی است که مبتلاً به بیماری سل است و طی سفری دریایی از هنگ کنگ به کوبه ژاپن عزیمت می کند تا جسم بیمار و نحیف خود را به خانه اجدادیش برساند.

استفن که می خواهد در روستای ساحلی «تارومی» توان از دست رفته اش را باز یابد و روزهای نقاهت اش را سپری کند، راوی «باغ سامورایی» است و رمان، حول محور زندگی او می چرخد.

دومین شخصیت مهم کتاب؛ «ماتسو»، مستخدم پیر و کم حرف این خانه ساحلی دور افتاده است.

با توصیف ها و روایت های استفن، رمان به پیش می رود و با دوربین نگاه او، لحظه به لحظه ماتسو و تارومی بیشتر به خواننده معرفی می شوند.

ترجمه روان و یکدست این اثر، هر خواننده ای را برای پیگیری این رمان، مشتاق می سازد و لحن آرام و محیط دریایی این قصه، باعث می شود؛ تمام مدت صدای امواج، موزیک متن خواندن باشد. ۱۶ سپتامبر - ۱۹۷۳ صفحه «۱۹ سه پایه نقاشی را برداشتم و به سمت ساحل به راه افتادم. بوی خوش گل های آخر تابستان، هوا را پر کرده بود و خانه ها هنوز پشت پرچین های بامبو در خواب بودند. از بالایی شیب می توانستم ساحل خالی پوشیده از شن سفید را ببینم. دریا بسیار آرام و سبز آبی بود. به زحمت از تپه شنی بالا رفتم. نمی خواستم طلوع صبحگاهی را از دست بدهم.»

راوی که اهل قلم مو و بوم و رنگ است، در جای جای کتاب، به نقاشی می پردازد و رویایی بودن تارومی را با زبان تصویر، بیان می کند.

این کتاب بوی ژاپن و دریا و باران می دهد. بوی غذاهایی که دست های پیر و مردانه ماتسو می پزد و بوی باغی که نماد امید و بهار است.

همان طور که ماتسو، استفن این قصه را هر لحظه شگفت زده می کند، موضوع و روند آموزنده این رمان هم، هر بار مخاطب این کتاب را خشنود و غمگین و خاطر جمع می سازد.

سبک نوشتاری و پرهیز از احساسات رقیق و اجرای زمان بندی شده اتفاقات در این رمان، دوست داشتنی است؛ این که نویسنده؛ ابتدا نشانه ها را می آورد و بعد به موضوع اصلی داستان می پردازد.

از آثار دیگر این نویسنده موفق، می توان به «زنان ابریشم»، «شب رویاهای بسیار» و «روایی دریا» اشاره کرد.

«گیل تسو کیاما» می خواهد بفهماند که بیماری، نوشتن، حرف زدن، اندیشیدن، امیدواری و گاهی پذیرفتن تنهایی؛ لازمه زندگی است، این که؛ کسب دیدگاه های تازه در موقعیت های نو و صبر در برابر مشقت های تقدیر، شاید کار آسانی نباشد اما از آن گریزی نیست.

نویسنده این اثر شاید از چهار فصل کردن کتابش به دنبال آن

برداشتی آزاد از رمان «باغ سامورایی» نوشته؛ گیل تسو کیاما

سفر به نیمه پنهان زندگی

رقیه توسلی

است که چشم های خواننده را به روی معانی واقعی اتفاقات خوب و بد زندگی باز کند، به این که باید همواره به خاطر سپرد؛ روزهای عمر، با بهار و تابستان و پاییز و زمستان همراه است و زندگی هرگز در بهار یا زمستان محض، خلاصه نمی شود.

وقتی در روند اولیه این اثر، شیرینی و آرامش تابستان در جان خواننده می نشیند، نویسنده «باغ سامورایی» با طرح دیگری پیدایش می شود و با لطافت دست خواننده اش را می گیرد و با خود به روستایی کوهستانی که فقط جذامیان در آن روزگار می گذرانند، می برد.

در مسیر خواندن این رمان، به هنرمندی نویسنده کتاب بیشتر پی می بریم. آن جا که او استادانه و زیبا، مخاطبانش را غافلگیر می کند و بدون هیچ گونه آه و ناله و سیاه سازی، خواننده را با مهارت؛ به درون اندوهی عمیق می کشاند؛ به درون دنیای تاریک جذام.

این جا نویسنده بدون این که خللی در احوال کلی داستان و مخاطب ایجاد کند، موضوع را به مسیری که می خواهد، هدایت می کند و خواننده را قدم به قدم با درد جانکاه این بیماری و غم طرد شدن، آشنا می سازد. با جای خالی انگشتان دست و پا و سوراخ هایی که روی چهره، دیگر همه چیز به حساب می آید. با جذام که به قول ماتسو مثل آتش سوزیست و وقتی شروع می شود، نمی توان جلوی آن را گرفت.

به این ترتیب؛ مخاطب در پایان کتاب، ذره ذره با شخصیت کم حرف ماتسو و رازی که در طول داستان آشکار می شود، روبرو می گردد. با تصمیمات و اندیشه هایی که ذهن را زیر و رو می کنند و با چشم هایی که دیگر، واضح تر از همیشه می بیند.

آنجا که رابطه خشک میان دو مرد، با موضوع مشترکی چون بیماری دستخوش تحول می گردد و زن جذامی داستان، می گوید: "وقتی تمام دلخوشی ام را برای ادامه زندگی از دست داده بودم، ماتسو اصرار کرد یک باغ داشته باشم و نشانم داد که شادی و زندگی در بیرون و اطراف ما هم جریان دارد"، بوضوح می شود رضایت را بر چهره خواننده خواند.

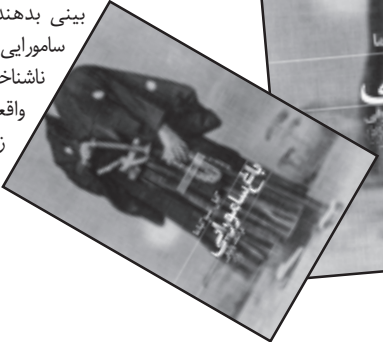
آن جا که استفن از ماتسو می پرسد؛ چرا مرا به روستای جذامیان بردی، می شنود: «می خواستم بدانی که تنها نیستی» و آن جا که استفن برمی خیزد و رنگ های آبی و زرد را روی پالت می ریزد و آرام آرام زیبایی باغ، روی بوم نقاشی ظاهر می گردد، خواننده به عاشقانه ترین نگاه می رسد و جواب سوالات بسیاری را درمی یابد.

با توجه به سوژه تکان دهنده و متفاوتی که این کتاب به آن پرداخته، باز به اعتقاد من، رنگ این کتاب، سبز و سفید است و جزو مهربان ترین و آرام ترین کتاب هایی است که مطالعه کرده ام.

شاید سفر یکساله استفن به تارومی و یاماگوشی، تشبیه سفر آدمی به درون خویش است. سفر به اعماق گمشده ای که در خود داریم و آن را رها کرده ایم. شاید برای از بین رفتن بسیاری از ترس ها و ناامیدی ها، ما هم باید مثل استفن در تدارک یک مسافرت طولانی، به نادیدنی ترین مکان های ذهن و قلب مان باشیم. به آن جا که می تواند برای روح مان معجزه ای باشد که از آن بی خبریم.

کاش مثل این رمان خوب، همه نویسندگان؛ طوری کتاب هایشان را بنویسند که فهم دنیا را بزرگ کنند و به مخاطب، جهان بینی بدهند. کاش همان گونه که باغ

سامورایی، برای خوانندگانش فرصت دیدن ناشناخته ها را دست و پا کرد و با طرح واقعیتی در قالب تخیل، کمی زحمت دلنشین کردن دنیا را متقبل شد، کتاب های دیگر هم از این روش، دور نماند.





یک کلمه و چند خط

فولک لور

کلمه «فولکلور» از دو بخش «فولک» و «لور» تشکیل شده است که بخش اول به معنای توده ی مردم، عامه، خلق یا عوام و بخش دوم یا «لور» به معنی دانش و حکمت است.

واژه ی فولکلور را نخستین بار، «ویلیام جی تامسن»، باستان شناس نامدار انگلیسی به کار برده است. «افسانه» یا «قصه» که در اکثر زبان

های محلی ایران به آن «اوسانه» گفته می شود بخش مهمی از فولکلور است.

یکی از واژه هایی که به جای فولکلور به کار رفته، «فرهنگ عامه» است که گویا اولین بار توسط مرحوم «رشید یاسمی» در یکی از شماره های مجله ی تعلیم و تربیت عنوان شده است.

«فرهنگ عوام» اصطلاح ترکیبی دیگری است که «صادق هدایت» در سال ۱۳۱۴ در کتاب های «نیرنگستان» و «اوسانه» به کار برده است.

در سال ۱۳۱۴ فرهنگستان ایران؛ واژه ی «توده شناسی» را به جای فولکلور پیشنهاد داده است.

«علی اکبر یاغی تبار»

جنگل ثمر نداشت، تبر اختراع شد

شیطان خبر نداشت، بشر اختراع شد!

«هابیل» ها مزاحم «قابیل» می شدند

افسانه ی «حقوق بشر» اختراع شد!

مردم خیال فخر فروشی نداشتند

شیئی شبیه سکه ی زر اختراع شد

فکر جنایت از سر آدم نمی گذشت

تا این که تیغ و تبر و سپر اختراع شد

با خواهش جماعت علاف اهل دل

چیزی به نام شعر و هنر اختراع شد!

این گونه شد که مخترع از خیر ما گذشت

اینگونه شد که حضرت «شر» اختراع شد!

دنیا به کام بود و ... حقیقت؟ مورخان!

ما را خبرکنید؛ اگر اختراع شد

«جلیل قیصری»

مادر

در مهر و سجاده اش خلاصه شده بود

در بچ بچ موزونی

که همیشه خدا

هماهنگ با سر انگشتانش

در دهان می چرخید

ما از جوانی سوخته می گفتیم و او

دائم می گفت:

«پیر شوید الهی»

مادر رفت

خدا به آلزایمر زود رس مبتلا شد

گاهی که

در یک گرگ و میش مه آلود

دست اش را می گیریم

تا از این سوی خیابان

به آن سویش ببریم

جور غریبی

در نی نی نگاه مان خیره می شود و می گوید:

«پیر شوید الهی»

حالا بگو

جوانی نکرده مان را

از که طلب کنیم؟



بهداشت و تندرستی کیانی حاجی منتشر شد

سکینه کیانی حاجی (مهین)

مربی بهداشت بازنشسته آموزش و

پرورش قائم شهر و متولد ۱۳۳۲

،سرودن شعر و نوشتن داستانهای

کوتاه را از دوره ی دبستان آغاز و در

دوره ی دبیرستان نمایشنامه

های او در مناسبتهای مدرسه به

اجرا در می آمدند. اشعار نامبرده در

جنگ های ادبی استان در سالهای

اخیر به چاپ رسیده و در کتاب «شعر

امروز مازندران» معرفی گردیدند. وی در

سالهای اخیر تمام هم خود را به تالیف ادبیات کودک و

نوجوان نموده که کتاب و لوح فشرده ی «بهداشت و تندرستی» نمونه ی بارز آن است.

از هم داستانی با سلاطین هخامنشی تا ورود دین و فرهنگ اسلامی و سپس مهاجرت اقوام کرد و لر و ترک و گرجی و ارمنی و... تا اقوام بیگانه روس و آمریکایی و آلمانی و....، و نیز مهمان نوازی و غریب داری مردم طبری که موجب کوچ این اقوام شد، آداب و رسوم و فرهنگ موسیقایی مازندران دستخوش تلفیقاتی گردید که گاه ارزشمند و گاه موجب کاهش ارزشی بخش هایی از موسیقی طبری گردید.موسیقی مازندران، با الهام از جلوه های گوناگون زندگی، مانند: کار و تولید، جشن ها، آیین نوروزی، لالایی ها، نوازش در مراسم عزا و سوگ ها و هم چنین حضور اقوام مهاجر و مهاجرت های زیاد به این دیار که به دلیل آب و هوای خوش و مردم خون گرم، شکل گرفته است بر موسیقی ما تاثیرات زیادی گذاشته است که دراین قسمت از گفتار، گذری بر این نوع موسیقی داریم که لازم است، تاثیرات فرهنگی اقوام دیگر را به دیده اغماض ننگریم و بدون قضاوت بررسی نماییم.

موسیقی سرحدی

از موسیقی های رایج در مازندران، دسته ای از موسیقی است که همراه با مهاجرت های قومی، جمعیت و گروه های اجتماعی که از دیگر نقاط ایران قدیم به مازندران و در جلگه ها، حاشیه ها و مناطق سرحدی آن اسکان یافتند، به وجود آمده است.این دسته از موسیقی در اثر جابجایی جمعیت از مازندران به مناطق مجاور و همجواری با موسیقی دیگر مناطق غیرمازندرانی به وجود آمده و بر موسیقی مازندران اضافه شدند و تاثیر زیادی بر آن گذاشته و خود متاثر شدند. اما برخلاف «نجما و صنم» در موسیقی مازندران بطور کامل حل نشده بلکه با گذشت زمان با حفظ هویت خود هم چنان مستقل در کنار موسیقی مازندران قرار گرفتند.شیوه زندگی چوپانان که با گوسفندان دامنه ها را گذر کرده و همدم و هم زبان دام و صحرا می شوند و با صداهایی ویژه گوسفندان را به سویی می رانند، خود زمینه ساز موسیقی ویژه ای شد. چاربدارانی (چهار پا داران) که بر اسب نشسته و برپهنه کوه و جنگل آواز می خوانند تاراه دراز را کوتاه نمایند و ناهمواری راه که با تکان ولزش اسب همراه است و بر وضعیت صوتی آوازخوان تاثیر می گذارد و نیز کشاورزانی که درشالیزار و کشتزار خشکه، تا بلوغ گندم و برنج، لحن به لحن می خوانند و می سرایند، همه و همه در ویرایش و ساختار موسیقی مازندران سهم دارند. گفتنی است؛ موسیقی سرحدی، با اشعار فارسی و لحن های مازندرانی بیان می گردد. (هرایی، منظومه امام رضا و....)

آیین کهن واسلامی

از موسیقی کهن، علاوه بر لحن های باستانی، مثل؛ «اهورا خوانی» و موسیقی مربوط به اعیاد و تیرگان و جشن های چهار شنبه سوری و... می شود نام برد که خود دستخوش اثرات آیینی ورود اسلام گردید و در این دیار نهادینه شد. اختلاط موسیقی، با فرهنگ دینی را می توان از اجزای جدایی ناپذیر یک جامعه فرهنگی دانست که در بحث موسیقی مذهبی به آن اشاره نمودیم. لازم به گفتن است؛ به اندازه ای که اشعار و سروده ها از اسلام تاثیر پذیرفت، ملودی ها نیزپیرفت. به دلیل این که ملودی ها، موجود بود، ولی سروده های دینی اسلامی جایگزین سروده های دینی زرتشتی گردید.همان گونه که انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، زمینه ای برای بیان منظومه های زمان ظلم و جور فتوداليسم شد و در بخش های قبل، به عنوان موسیقی حماسی از آن یاد شد.



علیرضا ولی زاده

موسیقی گرجی

از آن جایی که شرق مازندران، به خصوص منطقه اشرف

البلاد (بهشهر) و عباس آباد، به عنوان یکی از مراکز مهم

حکومتی، جولانگاه سیاسی و تفرجگاه شاهان و درباریان بوده و از

طرفی گرجی ها از نفوذ بالایی در حکومت برخوردار بوده و

مناصب مهم حکومتی را در اختیار داشتند، موجب کوچ اقوام خود به اصفهان (پایتخت حکومت عباسی) و مازندران، به ویژه؛

گرجی محله بهشهر (به عنوان منطقه استراتژیک در خلیج

دریای خزر) گردیدند. سکونت قوم گرجی (اگرچه سنت شان در

فرهنگ و دین و آداب مازندران حل شد)، تاثیر فراوانی بر موسیقی

مازندران گذاشته است. به گونه ای که «گرجی محله» از مراکز

مهم حفظ و اشاعه موسیقی بوده و از مراکز مهم تجمع موسیقی

دانان محلی، ملی، گوداری، کردی و... می باشد و موسیقی در

این منطقه، خانوادگی و مورد حرمت اهالی بوده و دارای رقابت بی

وقفه است و نوازندگان و هنرمندانی به عرصه موسیقی ایران هدیه

نموده که اثار ارزشمندی به یادگار گذاشته اند. موسیقی و سماع

در گرجی محله، هنوز شیوه گرجی و آکسان های قدرتمند

موسیقی گرجی را بیان می دارد و به نوعی از موسیقی گرجستان،

بی شباهت نیست. «آکاردئون» از سازهای به جامانده از موسیقی

گرجی در گرجی محله است و آوازاها و سماع های گروهی، از



این جا ساری به یعنی شهری که ...

این جا ساری است و ساری مرکز استان مازندران است. ساری امکانات زیادی دارد. یکی از امکانات بالقوه ی ساری این است که با یک بارندگی ساده به یک استخر بزرگ تبدیل می شود و علاقمندان به شنا و واترپلو می توانند از این امکان نهایت استفاده و در عین حال سوء استفاده را نکنند. چند سال پیش این شهر پر از زیاله بود و در این زمینه رکورد دار بود و البته حق اش بود که در کتاب گینس نام اش ثبت شود! هنوز هم این شهر با زیاله ها مشکل دارد. سال ها قبل وقتی «آری هان» به این جا آمد، یک جمله تاریخی گفت. او گفت: این استان که هر جایش را نگاه می کنی سرسبز است، چرا زمین فوتیالش چمن ندارد؟

آری هان؛ نمی دانست که این هم از ویژگی های منحصر به فرد ماست. او نمی دانست اکثر بازیکنان ما از زمین های خاکی شروع کرده اند و به جایگاه های دست نیافتنی، دست یافته اند. ما باید از مسئولین استان متشکر باشیم که این امکان را برای ورزشکاران ما فراهم کرده اند و به این ترتیب بنیه شان را قوی ساخته اند. لقب شهر ما «بهار نارنج» است. هیچ شهری در مازندران به اندازه ی ما بهار نارنج ندارد این مساله قابل شمارش و اثبات است. در حال حاضر خیلی از شهرهای دنیا در خاور بسیار دور، دور، میانه، نزدیک و بسیار نزدیک دارند از ما الگو می گیرند. گرچه ما دقیقا نمی دانیم این شهرها چه شهرهایی هستند. در این جا بین اهالی «فرهنگ» و «راهبند»، کوچکترین اختلافی دیده نمی شود، چه برسد به اختلاف دهان پرکنی مثل اختلاف طبقاتی. ساری پایتخت کشتی ایران و در پاره ای از موارد، پایتخت کشتی جهان است. با این حال، تیم کشتی درست و حسابی ندارد البته این هم از نبوغ ماست زیرا که اصولا پایتخت یک مورد، به آن مورد، نیازی ندارد. این را دیگر همه می دانند. در این جا همه ی مردم به کسانی که در رابطه با زبان و ادبیات و موسیقی شان کاری انجام داده باشند احترام می گذارند. مطمئنا ما هم آدم هایی مثل شهریارو حتی بالاتر از او را داریم منتهی اسم شان خاطره مان نیست. شاید به آرزایم دچار شده باشیم. خلاصه خدمت تان عرض کنم این جا ساری به، یعنی؛ شهری که به پر از گل و بلبل است.

میرزا هادی نوروزی

آن بازیکن اسمی، آن دلاور نامی، آن کشتی گیری همتا، آن زننده ی روپا، آن خمیازه کشنده در شهرآورد، آن که این روزها نشسته رو نیمکد (نیمکت)، آن گلزن در هر بازی، میرزا هادی نوروزی!

پلنگی بابلی بودی و کشتی می گرفتی و یک خم گرفته دوخم اش می کردی و فنون زدی و کاپ بگرفتی. نقل است میرزا در یک روز عده ی قلیلی را یک دست، یک پا کرد و در روز دیگر عده ی کثیری را کله با. جهانیان که این بشنیدند، چون بید بر خود لرزیدند، دست هاشان به یکدیگر نشان داده و ویریه رفتند و گفتند: نگاه کن این اعصاب من است.

در برخی نسخ آمده:

چون جهانیان آن پلنگ را دیدند

وحشت زده به خاک غلتیدند

سراو گول مالیده به او توپ بخشیدند او را این مطاع خوش آمد سخت دل بسته گشت و مشغول.

زان پس دگر دوبنده نمی پوشید

ز شادی در پوست خود نمی گنجید

توپ بر ماسید و به کوی و برزن شد و ناشتا از کله ی سحر تا بوق شب هزاران جهد بکرد به جد.

که نابرده رنج، گنج میسر نبود

و هر گلی را بوی ترنج نبود!

نقل است روزی از بی وقتی گرگ و میش، روپا زدن نمود و چون روز برفت و پاسی از شب بگذشت هم چنان می زد. جمعی که این دیدند، مدهوش و جمعی که این بشنیدند، نعره زدند و بر سر کوفتند و به بیابان شدند.

نقل است روزی قاضی القضاات گوی سبز را دو سه باری فریب بداد و تکنیک از خود بدر کرد و لایی همی زد، خلق گفتند: این چه بود؟ بگفت: او از شب قبل به سمت حریف غش بکردی و دل دادی و قلوه بگرفتی و من این گونه حالش بگرفتم.

گفته اند دنیا نظیر خمیازه ی او در هیچ شهرآوردی ندید.

در این باره از میرزا این گفته آمد: آن شب یاد دارم چشم نخفت و فکرم به هر جای شد جز خواب و این گونه بود که این گونه شد.

کرامات بسیارش را اجمال سخن تباه نمود. خدایش حفظ بفرماد.

بحث اقتصادی

آقایان راهنما، کلانی، روش پژوهان و بازاریان مشغول مجادله در باب مسائل اقتصادی هستند. آن چه می خوانید میزگرد آن ها درباره ی تورم و یارانه هاست. این برنامه با اجرای آقای حیدری در کانال یک پخش شد و چشم مارو گرفت.

راهنما: مشکل اصلی را همگی گم کرده ایم و نمی دانیم از چه حرف می زنیم.

روش پژوهان: درباره ی خودتان حرف بزنید نه دیگری، شما راه را گم کرده اید به دیگران چه ارتباطی دارد؟ در بحث یارانه ها، مجلس یادش رفت از دولت سوال کند که چگونه می خواهد این کار را انجام دهد.

راهنما: شما که خودتان موافق بودید

روش پژوهان: بنده موافق بودم؟ بنده موافق بودم؟ شما برو مطالعه کن بعدا حرف بزن.

راهنما: شما الان بیست سال است با نظرات تان پدر مارودر آوردی! روش پژوهان: اولاً بیست سال نه و بیست و پنج سال و چند ماه. دوما شما برو مطالعه کن.

کلانی: شما این همه از آدام اسمیت خواندید، چه کردید؟ اصلا می دانید اسمیت پدرش که بوده، مادرش که بوده.

روش پژوهان: تودیکه اصلا حرف نزن. دکترایت تقلبی است. قرار بوده از جیب شما برود توی جیب بنده. جیب به جیب بشود و تمام.

بازاریان: این اصلا جیب ندارد. اگر هم داشته باشد، توی جیب اش پشه و شیش، با هم تک شوت بازی می کنن.

کلانی: مدرک بنده بین المللی است. به بنده دکترای افتخاری داده اند. این مدرک را به کسانی می دهند که کار درست باشند. حتی آدام اسمیت هم نتوانست این مدرک را بگیرد.

راهنما: این ها درد جامعه نیست. جامعه ی ما الان پول توی جیب اش نیست. یارانه می دهیم که پول برود توی جیب ها. فکر این را نکردیم که جیب دولت خالی می شود.

روش پژوهان: من می گویم؛ به جای این که جیب دولت خالی شود، از جیب شما برود توی جیب ما.

بازاریان: آقا شما دستت را از جیب ما دریاور. جیب بر!

راهنما: همین نظرات باعث شده، اقتصاد ما چپ و راست بشود.

کلانی: خواهشا بحث را سیاسی نکن. خواهش می کنم توجه داشته باشید ما داریم درباره ی اقتصاد حرف می زنیم. نون سنگک شده پانصد تومان، چرا؟ درد جامعه ی ما این جاست.

راهنما: بیا سر کوچه ما بخر، دو بیست و پنجاه تومان است.

بازاریان: آدرس بدهید ما هم بیاییم. همه چیز از آن جایی شروع شد که بنزین یکهو چهار صد تومان شد. این یکهو بالا و پایین شدن ها گاهی خوب است.

روش پژوهان: ببینید اگر قانون یارانه ها درست انجام می شد، خیلی

طنزنامه

علی سروی



از مشکلات رفع شده بود. همه جای دنیا جواب داده، این جا هم جواب می داد.

راهنما: آن مال کشورهایی است که مجلس یادش نمی رود از دولت سوال کند. البته من متوجه منطق شما شدم.

روش پژوهان: نه خیر، شما متوجه نیستید.

راهنما: وسط حرف من نپرید.

روش پژوهان: شما چی داری می گی؟ الان یک ساعته داری حرف می زنی.

کلانی: این مسائل را طبق تعاریف موجود در کتاب ها می توان حل کرد. راهنما: این مال اقتصادی است که این قدر رانت خوار نداشته باشد.

به همین سادگی نیست که شما می فرمایید. به همین سادگی نیست.

بازاریان: شما هم که؟ هر که، هر چه می گوید، نمی شود و نشد و درست نیست، راه می اندازی.

کلانی: طرف دو تا خانه دارد، یارانه هم می گیرد این که نمی شود. روش پژوهان: من می گویم باید از جیب شما برود توی جیب ما.

بازاریان: یکی به این بگوید با جیب ما کاری نداشته باشد.

راهنما: اقتصاد ما داشت مسیر را درست می رفت. ما داشتیم از نقطه «الف» به نقطه ی «ب» می رفتیم منتهی این وسط یک سر به نقطه ی «پ» زدیم و یادمان رفت کجا می خواستیم برویم.

من هم مثل شما خیلی دوست داشتم ادامه ی این بحث جذاب را بشنوم منتهی مجری برنامه اعلام کرد چهل و پنج دقیقه پیام بازگانی پخش خواهد شد و ما هم کانال را عوض کردیم و یادمان رفت چه داشتیم می دیدیم.

یک صبح قشنگ پاییزی

کله ی سحر دست و رو نشسته سوار تاکسی شدم. اگر تو ماشین به شدت سوراخ بود.

راننده یی مقدمه گفت: خبر داری دلار زیر سه تومن شده؟

پیش خودم گفتم: تو تا حالا تو عمرت دلار دستت گرفتگی؟ تا حالا از دو متری دلار رو دیدی که حرفش رومی زنی؟

مطمئنا تا به حال دلار رو ندیده بود. حتی نمی توانست دلار رو میون فرانتک وین ویورو تشخیص بده.

فقط شنیده بود دلار چیزیه که بالا و پایین رفتنش می تونه زندگی ما رو بالا و پایین کنه و این موضوع بدجوری به اگروز سوراخ ماشینش ربط داشت.

رستم و دیوسفید

رستم: چنانت یکوم به گرز گران که دیگر نیایی به مازندران

دیو سفید: گوم بواش! انا ناترینگ بند دارنی. جوری تره چک و روش کمبه که سی سال شه دور چرخ هایری بی تربیت، نفهم، و چه سر به نیس کر که تره گننه.

در برخی کتب آمده که رستم مازنی نمی دانست و دیو سفید با او به زبان خودش سخن گفت.

دیوسفید: بیا سو ی میدان خزر که استاده هستم با بیل و تبر

چنان و چنین و چنونم کنم به یکباره این واونت کنم

پر فروش ترین های شهر کتاب

نام کتاب: خانه

نویسنده: تونی موریسون

مترجم: یگانه وصالی

ناشر: مروارید

قیمت: ۶۷۰۰

به خودت نگاه کن. آزادی. هیچ کس و هیچ چیز

نجات نمی ده غیر خودت. کار خودت را بکن.

تو هم جوونی و هم زن. هر دوشون محدودیت های

جدی دارن. اما تو آدم هم هستی. نذار لنور یا یه آدم بی اهمیت یا یه دکتر

پلید تصمیم بگیره تو کی باشی. این بردگيه."

نام کتاب: بی ترس

نویسنده: محمد رضا کاتب

ناشر: ثالث

موضوع: داستانهای فارسی

قیمت: ۸۵۰۰

بازی پیرمرد از این جا شروع شده بود که گفته بود هیچ وقت

اسمی نداشته و حالا هم نمی تواند اسمی روی

خودش بگذارد و از من خواست یک اسم برایش انتخاب کنم. خب آن موقع

ها من یک پسر کم سن و سال و باز یگوش بودم و فکر می کردم این یکجور

بازی تازه است.

نام کتاب: یک هفته در فرودگاه

نویسنده: آلن دوپاتن

مترجم: مهرناز مصباح

موضوع: فرودگاه ها – جنبه های اجتماعی

ناشر: زاوش

قیمت: ۶۳۰۰

هرچند معمولاً وقت شناسی را مهم ترین عامل داشتن

یک سفر خوب می دانیم. من اغلب آرزو داشتم هواپیمایم تاخیر داشته

باشد تا ناچار شوم وقت بیشتری را در فرودگاه بگذرانم...

گرانمایگان دانش ساروی

کلاس ها و سمینارها

○ برگزاری سمینارها و کارگاه های فرهنگی و هنری

○ برگزاری کلاس های عکاسی، بازیگری و فن بیان

○ برگزاری نشست های حافظ و مولانا خوانی

آدرس: ساری- خیابان خیام، جنب ثبت احوال

ساختمان حمید طبقه دوم

تلفن: ۰۹۳۵۷۳۷۸۶۷۷ -۰۱۵۱-۳۱۰۶۰۹۹



نمایندگی های شهر کتاب در مازندران

شهر کتاب ساری:

خیابان فرهنگ - خیابان ۱۵ خرداد ۰۱۵۱-۳۲۶۷۰۹۵

شهر کتاب آمل:

خیابان هراز نبش آفتاب چهلم..... ۰۱۲۱-۲۲۴۱۱۵۵

شهر کتاب بهشهر:

خیابان امام - کوچه بانک ملی..... ۰۱۵۲-۵۲۳۳۴۳۳

شهر کتاب قائمشهر:

خیابان ساری -روبروی ظرافت..... ۰۱۲۳-۳۲۳۷۹۴۵

شهر کتاب تنکابن:

بلوار امام رضا(ع) روبروی دادگستری..... ۰۱۹۲-۴۲۲۳۱۹۷

نام کتاب : گفتگو با وودی آلن

نویسنده : اریک لا کس

مترجم : مازیار عطایه

ناشر : شور آفرین

قیمت: ۲۴۰۰۰۰ ریال



این کتاب در سال ۲۰۰۹ منتشر شده و تفاوت عمده ای با اکثر کتاب های گفت و

گو و زندگی نامه دارد. این دست کتاب ها معمولاً در طول چند هفته یا چند ماه آماده می شوند و صرف نظر از زمانی که می برند، نتیجه مانند عکسی فوری

است که عقاید و احساسات فرد مورد نظر را در دوره ی خاصی از زندگی اش منعکس می کند. اما

کتاب حاضر، آلوم عکسی است که بیش از نیمی از زندگی وودی آلن، از سال ۱۹۷۱ را دربر می گیرد و گذر او

از یک کارگردان بی تجربه به یکی از مطرح ترین فیلم سازان دنیا و چیزهایی را که در این مدت فرا گرفته، به

خوبی نشان می دهد. «وودی آلن» اول دسامبر ۱۹۳۵ در نیویورک به دنیا آمد. بعد از پایان دبیرستان به

دانشگاه نیویورک رفت، اما هرگز نتوانست در رشته فیلم و ارتباطات موفق باشد و سرانجام از آن جا اخراج شد.

در ۱۹ سالگی شروع به نگارش سناریو برای مجموعه های تلویزیونی کرد و تبخرش در این زمینه، در آمد وی

را از هفته ای ۷۵ دلار به هفته ای ۱۵۰۰ دلار رساند. او سال ۱۹۶۵ اولین بار وارد دنیای سینما شد و فیلم نامه «تازه

چه خبر، پیشی؟» را نوشت، اما به عنوان کارگردان در سال ۱۹۶۶ بود که فیلم «چه خبر، سوسن ببری» را

ساخت و یک سال بعد در فیلم «کازینو رویال» از سری فیلم های جاسوسی جیمز باند ایفای نقش داشت.

نام کتاب : کتاب سیاه

نویسنده : ارهان پاموک

موضوع : داستان

ناشر : نشر نی

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال

«کتاب سیاه» تا امروز به ۶۰ زبان دنیا ترجمه شده است و حالا یکی از

محبوبترین رمان های «ارهان پاموک» با ترجمهی «عینله غریب» در ایران

هم منتشر شده است. ارهان پاموک درباره ی رمان «کتاب سیاه» گفته

است: "کتاب سیاه" دومین رمانم بود که به انگلیسی ترجمه شد و کمی بعد

خوانندگان جدیدی پیدا کردم و بیرون از مرزهای ترکیه مخاطبان تازه ای.

اما سال ۱۹۹۰، وقتی نسخه ی ترکی این کتاب را پشت ویتترین کتاب

فروشی ها دیدم، می دانستم که راه را درست رفته ام.» استقبال از «کتاب

سیاه» در سال ۱۹۹۴ در کشورهای انگلیسی زبان بسیار زیاد بود و سال ۱۹۹۶ این کتاب با

ترجمه ی دیگری دوباره در لندن منتشر شد. «کتاب سیاه» جدای از داستان تودرتویی که دارد، یکی از بهترین نمونه

های نثر و زبان پاموک را به نمایش می گذارد. داستان این کتاب خیلی زود به سینما هم راه یافت و فیلمی با عنوان

«چهره ی پنهان» از روی این اثر ساخته شد که در جشنواره ی فیلم آنتالیا تحسین شد. ارهان پاموک در اینجا هم روایتی





تولید ۲ میلیون اصله نهال در سال

شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران در قالب طرح‌های علمی جنگلداری بر این منابع ملی مدیریت می‌کند



شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران از سال ۷۶ در مرکز مازندران تاسیس و با هدف تولید کاغذ، چرخ این واحد تولیدی در مازندران به چرخش در آمد. هم اکنون این کارخانه با ظرفیت تولید ۱۷۵ هزار تن، شامل: ۹۰ تن کاغذ روزنامه، چاپ و تحریر و نیز ۸۵ تن کاغذ فلوتینگ، به عنوان بزرگترین واحد تولیدکننده کاغذ در خاورمیانه مطرح است. در حال حاضر ۱۸ تا ۲۰ درصد سهم تولید در کشور، متعلق به این کارخانه است و به نوعی رهبری بازار کاغذ را بر عهده دارد. از آن جایی که هدف اصلی شرکت احیای هر چه سریع تر جنگلهای مخروطیه و رساندن میزان رویش به بیش از ۶ متر مکعب در سال است، در این راستا تمام سعی بر این است تا در چارچوب طرح‌های تدوینی و با کاشت گونه‌هایی با صفات پسندیده ژنتیکی و سازگار با محیط، با تولید نهال‌هایی با کیفیت مطلوب، از طریق ایجاد باغ بذر و احداث نهالستان‌های جنگلی در چهار منطقه و در سطحی حدود ۶۳ هکتار، به میزان ۲/۴ میلیون اصله نهال در سال، جبران مافات شود. شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران به منظور احیای جنگل‌های استان، در ابتدا: از پایان سال ۱۳۸۹ با احیای مساحتی حدود ۱۶ هزار هکتار از جنگل مخروطیه و کم‌بازده، بنه‌های دامی تخریب شده، مناطق روستایی تخلیه شده، فضا‌های باز و نقاط خالی از درخت، با کاشت بیش از ۳۰ میلیون اصله نهال از انواع گونه‌های سازگار با محیط که عمده آن پهن برگ بومی منطقه است، با انجام عملیات مراقبتی و اجرای برنامه‌های پرورشی تا رسیدن نهال به مرحله نهایی رویش و حصارکشی در عرصه‌های نهال‌کاری شده، توانست به خوبی از عهده این مسئولیت بر آید. شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران، با اقدامی تخصصی و کارشناسانه، با توجه به کاهش

چشمگیر سطح جنگل‌های شمال و افزایش روند تخریب آن، لازم دانست تا از طریق احیا، و بازسازی عرصه‌های مخروطیه و کم‌بازده و اصلاح ساختار جنگلهای مسن در قالب طرح‌های علمی جنگل‌داری، بر این منابع ملی مدیریت کند. بر همین اساس، طرح جنگلداری چوب و کاغذ مازندران، با هدف حفظ، احیا، و پرورش، در مناطقی از جنگلهای

برنامه ریزی ۱۰ ساله جنگل‌کاری

علی اکبر رفیعی با تأکید بر این که رفتار با جنگل باید علمی و بر اساس موازین علوم مرتبط با جنگل باشد، گفت: کتابچه طرح و برنامه جنگلداری شرکت صنایع چوب و کاغذ، با برنامه ریزی ۱۰ساله تدوین شده و قابلیت اجرا دارد. وی مهم‌ترین بخش در کتاب طرح و برنامه جنگلداری را احیا و توسعه جنگلهای زیر نظر این واحد تولیدی دانست و ادامه داد: نهال‌کاری، براساس نیازهای بیولوژیکی سرزمینی تعریف میشود.

تولید ۲ میلیون اصله نهال در سال

این مسئول با اشاره به این که سه نهالستان در صنایع چوب و کاغذ مازندران وجود دارد، بیان داشت: ۶۴ هکتار نهالستان در آمل و دو منطقه در تجن داریم که سالانه ۲ میلیون اصله نهال تولید میشود.

وی تولید نهال را طبق برنامه ۱۰ ساله طرح جنگلداری دانست و خاطرنشان کرد: آمار نشان میدهد ۳۴ میلیون اصله نهال از ابتدای طرح جنگلداری در سال ۷۴ در صنایع چوب و کاغذ تا پایان سال ۹۱در ۱۶هزار و ۷۰۰هکتار جنگل کاری شده و نیز با ۶هزار کیلومتر حصارکشی، از ورود دام جلوگیری شد. وی از احداث یک هزار و ۲۰۰کیلومتر جاده جنگلی خبر داد و گفت: جاده، زیر بنای توسعه است و احداث راه، به منظور تخریب جنگل نیست بلکه حمایت از این مواهب طبیعی است. رفیعی اعلام کرد: ۵۰درصد از نیروهای بخش جنگل در بخش حفاظتی و ۳۰ درصد در حوزه نگهداری فعالیت و از ۷۰ دستگاه موتورسیکلت، ۶ دستگاه خودرو، دو دستگاه ماشین مجهز به اطفای حریق بهره می‌برند که این از نقاط قوت

صنایع چوب و کاغذ برای حفاظت از عرصه‌های طبیعی و جنگلی است.

کاشت گونه‌های شاخص جنگلی

وی نسبت درختان قطع شده، به تناسب کاشت نهال را ۹ اصله دانست و افزود: گونه‌های شاخص جنگلهای شمال کاشته میشود که شامل: توسکا، افرا، بلوط، اکالپتوس، سفید پلد، ملج، ون، ممرز و سایر گونه‌های درختی دیگر میشود. رفیعی حجم چوب جنگلهای شمال را یک میلیون و ۴۰۰ هزار متر مکعب عنوان کرد و در ادامه گفت: ۳۵۵ میلیون متر مکعب، توان جنگلهای شمال است و از این میزان، حدود ۷۰۰ هزار تن بهره‌برداری میشود.

معاون طرح و برنامه شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران ابراز داشت: ۳۰ واحد نگهداری ثابت در مبادی ورودی جنگلهای زیر پوشش ما مستقر است و در مناطقی که دارای طرح جنگلبانی است، قاچاق چوب ۷۰درصد کمتر از سایر نقاط است. وی تأکید کرد: به منظور صیانت از جنگل، برق مصرفی برخی از ایستگاه‌های نگهداری، با انرژی خورشیدی تأمین میشود که استفاده از این گونه انرژی، مقرون به صرفه است.

طرح جنگلداری وابسته به بودجه عمومی نیست

معاون طرح و برنامه صنایع چوب و کاغذ مازندران تصریح کرد: طرح جنگلداری وابسته به بودجه عمومی نیست زیرا در بحرانهای مختلف، طرح جنگلداری تعطیل نشده است. رفیعی با تأکید بر این که باید از هرگونه تصمیماتی که ممکن است به جنگلهای آسیب برساند پرهیز کنیم، متذکر شد: طرح توقف برداشت از جنگل، به ضرر جنگلهای شمال

کشور است. وی افزود: جنگلهای فاقد مجری، مورد تخریب قرار گرفتند.

وی برداشت از جنگل را یکی از طرح‌های جنگلداری دانست و گفت: در گذشته، برداشت از جنگل ۲/۹ مترمکعب در هکتار بود اما به دلیل تغییر دیدگاه کارشناسان، این رقم به ۰/۷ هکتار تقلیل یافت.

رفیعی اظهار داشت: ۲۰۰ هزار هکتار از اراضی جنگلهای شمال، در اختیار صنایع چوب و کاغذ مازندران است که سالانه ۱۰۰ هزار متر مکعب برداشت صورت میگیرد و در سال آینده به ۸۰ هزار متر مکعب تقلیل مییابد و سالانه باید این روند نزولی حفظ شود.

وی میزان نهال کاری در هکتار را یک هزار و ۵۰۰ تا ۲ هزار ۲۰۰ اصله نهال دانست و اضافه کرد: این میزان در آخر دوره برداشت، تبدیل به ۱۵۰ تا ۲۰۰ اصله نهال میشود و بقیه در قالب مراقبت و پرورش قرار میگیرد.

این مسئول، ظرفیت اکولوژیک و توان جنگل را مهم دانست و در ادامه گفت: برداشت از جنگل بر اساس توان اکولوژیکی، در طرح صیانت از جنگل کشور آمده است. وی یادآور شد: جنگلهای ما ۲/۵ تا ۷ متر مکعب رویش سالانه دارند. رفیعی معتقد است که سالانه ۳ تا ۴ میلیون مترمکعب میتوان از جنگلهای چوب برداشت کنیم.

کاهش برداشت چوب، برابر است با بیکاری

رفیعی تصریح کرد: نعمت‌زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت قولی را به ما دادند و انجمن صنفی صنایع چوبی کشور پیگیر این موضوع است که باید تلاش کنیم، واردات چوب بر اساس تعهدات وزیر صنعت، معدن و تجارت باشد.



شهردار مرکز استان خبر داد:

بافت قدیم ساری احیا می شود

شهردار ساری به همراه برخی از اعضای شورای شهر و دو تن از معاونان خود از چند پروژه عمرانی بازدید کرد. بنابه گزارش مرکز امور رسانه شهرداری ساری، باقری رئیس شورای شهر و نجاریان، پیری، مدینه، جعفری، پیوندی و زلیکانی از شورای شهر همراه با فرزانه و رشیدی معاونان وی عبوری را همراهی کردند.

اعضای شورای شهر نیز با ارائه نظرات و پیشنهادات خود جهت هرچه بهتر اجرا شدن پروژه‌ها بر اجرای هرچه دقیقتر و سریعتر آنها تأکید کردند.

شهردار ساری در این بازدیدها با تقدیر و تشکر از همراهی و همدلی اعضای شورای شهر، حمایت آنها را رمز و راز موفقیت‌های خود دانست و گفت: در سایه این تعامل و تفاهم می‌توان آینده بسیار با شکوهی را برای مرکز مازندران پیش بینی کرد. وی درباره پل ذغالچال با اعلام این مطلب که بزودی فاز اول آن افتتاح می‌شود افزود: در سفرهای استانی دولت دهم سهم زیادی از بودجه احداث این پل بر عهده وزارت نفت بود که

ماتاسفانه اعلام کردند قادر به انجام این تعهد نیستند. با این همه ما تلاش می‌کنیم پروژه در اسرع وقت به پایان برسد.

شهردار ساری در بازدید از بافت‌های قدیمی مرکز استان گفت: برخی از این بافتها به نشانه حفظ هویت شهر، مناسب سازی خواهند شد.

مهدی عبوری در بازدید از برخی بافت‌های قدیمی شهر و محله نعلبندان بر ضرورت بازسازی این محله‌ها تأکید کرد و گفت: ما به توسعه همه جانبه شهر می‌اندیشیم اما برخی از بافت‌های قدیمی حامل هویت تاریخی و حتی جغرافیایی ساری هستند و باید ضمن حفظ آنها، مناسب سازی شوند. وی با تأکید بر اینکه امروزه بافت‌های کهن و تاریخی یک شهر گردشگر پذیرترین مناطق آن شهر را تشکیل می‌دهند افزود: اما ما نتوانستیم از این امتیازها بهره کافی برده و استفاده نماییم. با این وجود دست از تلاش بر نمی‌داریم و در این پیوند هم گام بر می‌داریم. وی در خصوص ضرورت اصلاح هندسی و توسعه بافت‌های قدیمی ساری هم خاطر نشان کرد: برای آرامش ساکنان این



محلات چاره‌ای جز این اصلاحات نیست و باید برای عبور قطار توسعه از این محلات ریل گذاری کنیم.

مهدی عبوری با تأکید بر ضرورت حفظ هویت تاریخی ساری در تمامی ابعاد و بویژه معماری آن گفت: "قطعه‌ای از کهن دیار" را برای بازدید گردشگران مناسب سازی خواهیم کرد.

بنا به گزارش مرکز امور رسانه شهرداری ساری عبوری که به بازدید از بافت قدیمی شهر در چند منطقه مرکز استان پرداخته بود ضمن بیان این مطلب که بخش‌هایی از بافت قدیمی ساری قابلیت پیوستن به نقاط گردشگری را دارند گفت: گردشگری ابعاد مختلفی دارد و اینگونه نیست که همه گردشگران برای دیدن طبیعت یا اماکن تاریخی سفر می‌کنند بلکه بسیاری برای آشنایی با تاریخ معماری از سویی به سوی دیگری روند که با توجه به این امر می‌می‌توانیم بخش‌هایی از بافت قدیمی ساری را که معماری زیبایی هم دارند برای جذب گردشگران مناسب سازی کنیم. وی به نمونه‌هایی از این اقدامات در یزد، شیراز، کاشان و کرمان اشاره کرد و گفت: ساری هم می‌تواند به این شهرها پیوسته و معماری کهن خود را به تماشا بگذارد.

شهردار ساری گفت: در سایه حمایت‌های شورای اسلامی شهر بیش از هر سازمانی، از ورزش و ورزشکاران پشتیبانی کردیم. وی با بیان اینکه شهرداری و شورای شهر ساری حمایت از ورزش و ورزشکاران را مهمترین راه برای مقابله با مفاسد اخلاقی و اجتماعی می‌دانند گفت: در بودجه امسال ده میلیارد ریال به همین منظور اختصاص داده ایم.

مهدی عبوری با بیان این مطلب که به گواه دست اندرکاران ورزش شهر و استان طی یک سال گذشته نگاه‌ای نسبت به ورزش در شهرداری ساری حاکم شده است گفت: چون ایمان داریم که شهرزنده، شهروند پر نشاط و سرزنده می‌خواهد با حمایت از ورزش و ورزشکاران می‌کوشیم نشاط و شادابی و در نهایت سلامت جامعه را افزایش دهیم.

شهردار ساری با اعلام این مطلب که در بودجه امسال ۴۰ میلیارد ریال سهم فرهنگ است که ۱۰ میلیارد آن به ورزش اختصاص دارد افزود: می‌کوشیم فضای ورزشی بیشتری نیز ایجاد کنیم که تجهیز برخی از زمین‌های ورزشی به چمن مصنوعی از آن جمله می‌باشد.

وی حمایت اعضای شورا از تصمیمات شهرداری را یکی از دلایل موفقیت خود دانست و خاطرنشان کرد: در سایه همین حمایت‌ها تأکید می‌کنم، شهرداری ساری بیش از هر دستگاهی از ورزش و ورزشکاران پشتیبانی می‌کند.





افتخار آفرینی مخترعان دانشگاه آزاد اسلامی ساری در مسابقات اختراعات جهان



موفقیت های علمی و پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی بی نظیر است

مخترعین باشگاه پژوهشگران و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی ساری قبل از اعزام به مسابقات اختراعات جهان در آلمان با دکتر کیومرث نیاز آذری رئیس دانشگاه آزاد اسلامی ساری دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار دکتر نیاز آذری رئیس دانشگاه آزاد اسلامی ساری با تشکر از همت بلند و تلاش ارزشمند اعضای باشگاه در تبدیل ایده به

پدیده و اختراعات جدید گفت: امروز به کارگیری علم در عرصه عمل و تبدیل آن به فناوری مورد نیاز جامعه یک اصل مهم و زیربنایی است و دانشگاهها به عنوان مراکز اصلی تولید علم باید زمینه های این اختراعات

و ابتکارات را فراهم کنند.وی تاکید کرد: ایجاد شرکت های دانش بنیان و حمایت همه جانبه از مخترعین و مبتکرین یکی از سیاستهای جدی دانشگاه آزاد اسلامی است و امیدواریم جوانان مبتکر و خلاق در عرصه تبدیل علم به عمل بیشتر تلاش نمایند.رئیس دانشگاه آزاد اسلامی برای تیم شرکت کننده در مسابقات اختراعات جهان آرزوی موفقیت نمود و گفت: موفقیتهای علمی و پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی بی نظیر است و انتظار می رود با گسترش شرکت های دانش بنیان این موفقیتها تداوم یابد.

اختراع ثبت ساعت خودروهای فعلی به صورت هوشمند مدال برنز مسابقات را کسب کرد و سه اختراع سیستم امتیاز دهی کاراته و آنالیز در جهان، اختراع دستگاه غذادهی حیوانات به صورت هوشمند و دستگاه تشخیص رنگ خودرو موفق به دریافت دیپلم افتخار شدند. مدیر روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی ساری تصریح نمود:مخترعین عضو باشگاه پژوهشگران و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی ساری تا کنون ۹ مدال نقره جهانی، ۵ مدال برنز جهانی و ۷ دیپلم افتخار از کشورهای فرانسه، کرواسی، صربستان، رومانی، سوئیس، آلمان و روسیه دریافت نموده اند.

مخترعین باشگاه پژوهشگران و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی ساری در مسابقات مخترعان و مبتکران جهان در نورنبرگ آلمان موفق به کسب ۳ مدال نقره، یک مدال برنز و سه دیپلم افتخار شدند .

مدیر روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی ساری با اعلام این خبر گفت: مجید تجن جاری و محمد رضا نجاتی مقدم اختراع سیستم کنترل مدارات برقی با استفاده از سیگنال مغز، حسن نجاتی مقدم اختراع سیستم امتیاز دهی کاراته و آنالیز در جهان، آرمان صابری اختراع دستگاه

غذادهی حیوانات به صورت هوشمند، مریم فرخی اختراع سیستم کنترل مدارات جت اسکی، خانه مهدوی اختراع ثبت ساعت خودروهای فعلی به صورت هوشمند و عباس رضایی مدیر پژوهش و سرپرست تیم اعزامی، اختراع سیستم تصحیح متون برگه های امتحانی (چهارگزینہ ای) را به این مسابقات ارائه کرده بودند. احمد مظفری افزود: در این مسابقات که با حضور مخترعان و مبتکران ۴۵ کشور دنیا از تاریخ ۸ لغایت ۱۲ آبان سال جاری در شهر نورنبرگ آلمان برگزار شد ۳ اختراع سیستم تصحیح متون برگه های امتحانی چهارگزینہ ای، سیستم کنترل مدارات برقی با استفاده از سیگنال مغز و سیستم کنترل مدارات جت اسکی موفق به دریافت مدال نقره مسابقات شدند.وی تاکید کرد: همچنین

دکتر ابراهیم کاردرگر مدیرعامل شرکت بیمه آسیا کشور :

تکریم مشتریان و بیمه گذاران، اولویت بیمه آسیاست



همایش دو روزه مدیران، روسای شعب، کارشناسان و نمایندگان بیمه آسیا استانهای مازندران، سمنان و گلستان با حضور مدیر عامل، اعضاء هیئت مدیره، معاونان و تنی چند از مدیران شرکت سهامی بیمه آسیا پانزدهم و شانزدهم آبان ماه سال در ساری برگزار شد .

علی محمد رشیدیان رئیس کل شعب استان مازندران در نخستین روز این همایش با تبریک انتصاب دکتر ابراهیم کاردرگر به سمت مدیرعامل و نائب رئیس هیئت مدیره شرکت و خیر مقدم به شرکت کنندگان در این مراسم؛ گزارشی از عملکرد استان مازندران طی سالهای گذشته و

هفت ماه سال جاری ارائه نمود.

سپس سرپرستان شعب استانهای گلستان و سمنان گزارشی از عملکرد شعب مربوطه را ارائه کردند.

در ادامه دکتر ابراهیم کاردرگر مدیرعامل شرکت در

خصوص حرکت رو به جلو جهت توسعه بازار و ارتقای جایگاه

بیمه آسیا، برنامه هایی را هکارهایی ارائه و ابراز امیدواری

کرد؛ که با تکیه بر سرمایه انسانی و توکل به خداوند و سعی

محمد فوقی مسئول کانون های فرهنگی و هنری مساجد مازندران :

خطابه مبلغان عزاداری امام حسین (ع) سبک زندگی دینی و حسینی باشد



مازندران برشمرد.

وی توجه به موضوع آگاهی بخشی دینی و بصیرت افزایی به عنوان مهم ترین بازخورد در برنامه های مناسبی، توجه جدی به مقوله سبک زندگی دینی در کلیه برنامه ها، زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدای گرانقدر، تجلیل و حمایت از شخصیت های فعال در حوزه تولیدات آثار فرهنگی و هنری مرتبط با مناسبت های دینی و توسعه بخشیدن و ترویج سنت های حسنه از جمله نذر کتاب های مرتبط با فرهنگ عاشورا را از دیگر برنامه های این ستاد اعلام کرد.

فوقی با اشاره به نقش کانون های فرهنگی و هنری مساجد در تقویت و ترویج ارزش های دینی در بین اقشار مختلف جامعه به ویژه نسل جوان خاطرنشان کرد: محافل عزاداری در کانون های فرهنگی و هنری مساجد، با استفاده از خطابه مبلغین به محوریت انقلاب اسلامی و نقش بی بدیل رهبر معظم انقلاب در وحدت جهان اسلام و تبیین سبک زندگی دینی و حسینی برگزار شود.

عضو ستاد ساماندهی شئون فرهنگی مازندران با اشاره به فعالیت ۸۲۶ کانون فرهنگی هنری مساجد با حضور ۹ هزار عضو در سطح شهرها و روستاهای این استان گفت : در خصوص اقامه نماز اول وقت در برنامه های دینی به ویژه نماز ظهر تاسوا و عاشورای حسینی فرهنگ سازی صورت گیرد. وی همچنین بر لزوم استفاده از تمامی ظرفیت های فرهنگی در زمینه های مختلف در بزرگداشت برنامه های محرم و صفر تاکید کرد و گفت ۲۳۰: کتابخانه، ۳۰ مرکز خانه نور، یک هزارو ۵۶۳ مرکز تلاوت نور، ۸۴۸ تفسیر قرآن و ۲۰ کانون تخصصی در کانون های فرهنگی و هنری مساجد مازندران برای رشد و شکوفایی باورهای دینی نوجوانان و جوانان فعالیت می کنند.

شهردار بابل خبر داد:

اجرای ۵ پروژه شاخص طی ۴ سال آینده در شهر بابل



بودجه ۹۳ شهرداری بابل با چشم انداز ۴ ساله طراحی و تنظیم خواهد شد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری بابل این مطلب را مهندس فرهاد عسکری در جلسه علنی شورای اسلامی شهر بابل عنوان کرد و افزود: از هم اکنون مطالعات کارشناسی برای تنظیم بودجه سال ۹۳ شهرداری بابل آغاز شده است و در تمامی سرفصل ها با مذاکره و رایزنی کارشناسان شهرداری با روسای محترم کمیسیون های تخصصی شورای اسلامی شهر این بودجه تدوین خواهد شد.

وی تاکید کرد: بودجه سال ۹۳ بر اساس سرانه جمعیت مناطق و محلات شهری تنظیم خواهد شد و یقینا تا پانزدهم دی برای بررسی و تصویب به شورای اسلامی شهر بابل تقدیم می گردد تا شورای محترم اسلامی شهر بابل در یک فرصت یک ماهه آت را بررسی و تصویب نماید.

وی خاطرنشان کرد: در بودجه سال ۱۳۹۳ اجرای صدها پروژه عمرانی اعم از احداث پارک محلات، اجرای نهضت آسفالت در کلیه معابر و محلات شهر، زیباسازی خیابان ها و پیاده روها،

مدیرکل ارشاد استان خبر داد:

برگزاری ۱۹ عنوان برنامه در بیست و یکمین دوره هفته کتاب مازندران

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران گفت: ۱۹ عنوان برنامه در بیست و یکمین دوره هفته کتاب استان خبر داد.

حجت الاسلام عباس علی ابراهیمی افزود: برنامه های این هفته با شعار کتاب آینه فرهنگ و فرزاندگی از بیست و پنجم آبان ماه تا دوم آذر ماه امسال همزمان با سراسر کشور در سراسر مازندران برگزار می شود. ابراهیمی با تاکید بر ضرورت پاسداشت این رویداد بزرگ فرهنگی در استان گفت: محتوا محوری، توجه به مخاطب عام و جلب مشارکت همه جانبه سازمان ها و نهادها از اولویت های این دوره از هفته کتاب است. وی این هفته را فرصتی مناسب در جهت آشنایی هرچه بیشتر اقشار مختلف مردم با کتابخانه ها و خدمات فرهنگی مجموعه فرهنگ و ارشاد اسلامی دانست و بر لزوم اطلاع رسانی کافی در خصوص فعالیت های کتابخانه ها در هفته کتاب تاکید کرد.

باشگاه ورزشی و استخر و سونای

معراج



کلاس های آموزشی

شنا • تکواندو • ژیمناستیک • باله
یوگا • آمادگی جسمانی • ایروبیک
سالن ویژه بدنسازی

با دستگاه های مدرن ساخت ایتالیا

تیت نام همه روزه از ساعت ۸ صبح الی ۲۲ شب

پسران و دختران



۰۱۵۱-۳۱۱۸۵۳۳-۳۱۱۴۵۳۰

ادارات و شرکت های در شرایط کسبی جهت پیش خرید
بلیط استخر و سونا از تخفیف ویژه برخوردار خواهند شد.



آژانس هواپیمایی و خدمات گردشگری

ن هواپیمایی جدایی پاتا

معراج



هر هفته

کیش • سوریه • لبنان • دبی • تایلند
مالزی • سنگاپور • چین • ترکیه • هندوستان

صدور بلیط هواپیما در کلیه خطوط هوایی داخلی و خارجی
صدور گواهینامه رانندگی بین المللی پلاک ترانزیت و ...

۰۱۵۱-۳۱۱۴۴۱-۳۱۱۱۴۴۱ (۱۲ خط)

ساری، خیابان فرهنگ، مقابل اداره کل ورزش و جوانان استان مازندران

ادیولوژی ساری

مرکز تخصصی

ارزبابی شنوایی

(نوزادان، اطفال، بزرگسالان)

و سمعک

(نامرئی، کامپیوتری، دیجیتال)

اولین لابراتوار

انواع سمعک و قالب سمعک

ضد آب، ضد صوت

و تعمیرات سمعک

در ساری

montazer_audiologist@yahoo.com

کلینیک شنوایی محمد منتظر

ساری، بیمارستان امیر مازندرانی، طبقه ۲

۰۹۱۱۱۵۱۹۱۷۲ ۰۹۱۲۵۱۵۳۴۳۸ ۰۱۵۱۳۲۶۶۷۷۷

مشترک گرامی:

مناسب ترین زمان استفاده از لوازم برقی پر مصرف، ایام
تعمیم ساعات اولیه روز و پایان شب است. استفاده همزمان از
وسایل برقی در ساعات اوج بار ساعت (۱۵-۱۶) و (۲۶-۱۶)،
باعث اختلال در شبکه ایجاد خاموشی یا صدمه دیدن وسایل
برقی می شود.

از همراهی شما
سپاسگزاریم



روابط عمومی
شرکت توزیع برق
استان مازندران

لوح سپاس

جناب آقای سام آقا محمد صادق

مدیر محترم شرکت گردشگری هتل سالاردره

بی تردید گردشگری صنعت آینده ایران است که با تکیه بر تبلیغ علامته
و کوشش های صادقانه اهالی خویش بالندگی، شکوفایی و توسعه را
انتظار می کشد. بزرگان دانش و فن و مدیران نخبه حوزه بدیع و گسترده
گردشگری با بهره جویی از تفکری پیشرو و خلاقیتی در خور پاسداری
همواره ماندگارین نقش هارابر تحول تعالی و بالندگی مدیریتی خویش در
جهت تبدیل به اهداف ملی ایفای نمایند.

بدینوسیله به مناسبت روز جهانی جهانگردی و هفته گردشگری از
تلاش های ارزشمند و ستودنی بی وقفه جنابعالی در راستای تحقق و
پیشبرد توسعه گردشگری نشکر و قدردانی می شود.

ضمن شایسته ترین پاسداری ها، از خلوت بزرگ توفیق روز افزونتان را
در خدمت هرچه بهتر و صادقانه به نظام مقدس جمهوری اسلامی را
خواهیم.

سعید ا. فرزانه

قائم مقام رئیس سازمان و مدیرکل
میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری
استان مازندران



هتل جنگله سالاردره



مجموعه هتل جنگلی سالار دره در زمینی به مساحت تقریبی ۵۶۰۰۰ مترمربع در مکانی بسیار زیبا و آرام با دسترسی
بسیار سریع به جنگل و رودخانه و استفاده از مناظر طبیعی فوق العاده بدیع و کم نظیر قرار دارد. این مجموعه که در حال
حاضر به هتل ۴ ستاره بین المللی ارتقاء یافته با ۳۳ اتاق، ۴ سوئیت و ۱۹ واحد دویبلکس با فضای سبز طبیعی در
کیلومتر ۱۲ جاده ساری سمنان توسط شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران و شرکت گردشگری سالاردره که موضوع
فعالیت این شرکت شامل بنا و تأسیس و اداره هتل، متل، رستوران، تأسیسات ورزشی و تفریحی و کلیه امور مربوط به
پذیرائی، اقامت و بهره برداری از آنها بوده احداث شده است. تالارهای پذیرش این هتل نیز با ظرفیت پذیرش
۱۰۰۰ نفر مکانی مناسب و آرام برای اجرای مراسم می باشد که در دو بخش و دو سالن مجزا می باشد.



وبسایت هتل
salar-darreh.com

می خواهیم فرهنگ تفکیک زباله از مبدا یک عادت اجتماعی شود

نیازمند مشارکت همه جانبه شهروندان ساروی است



مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری ساری با دعوت عمومی از همه شهروندان، خواستار مشارکت بیشتر آنها در اجرای طرح تفکیک زباله از مبدا شد و گفت : اجرای طرح تفکیک زباله از مبدا، نیازمند مشارکت همه جانبه شهروندان ساروی است.

رضا گرامیان؛ در حاشیه جشن تفکیک زباله از مبدا، ضمن قدردانی از رسانه ها و انعکاس کارکردهای سازمان مدیریت پسماند شهرداری ساری، اظهار داشت : با توجه به این که انعکاس فعالیت های پسماند در طرح تفکیک زباله و مشارکت مردم، به طرافت و نگاه ویژه ای نیازمند است، خواستار مشارکت و همکاری بیشتر مردم و رسانه های جمعی و صدا و سیما می باشیم.وی افزود : بایستی در حوزه فرهنگ تلاش کنیم؛ به طوری که بنا بر استراتژی ما، فرهنگ سازی از طریق اطلاع رسانی صورت می گیرد.مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری ساری، به برگزاری کلاس های آموزشی در سطح بیش از ۲۱ مدرسه ابتدایی آموزش و پرورش ناحیه یک ساری اشاره کرد و بیان داشت : هدف از برپایی کلاس های آموزشی این است که فرهنگ تفکیک زباله از مبدا را تبدیل به یک عادت اجتماعی نماییم.گرامیان افزود : به اعتقاد ما؛

عادت به واسطه یک باور اجتماعی، تبدیل به فرهنگ اجتماعی می شود.وی کودکان سنین مهد کودک و مقطع ابتدائی را جامعه هدف طرح آموزشی تفکیک زباله از مبدا دانست و گفت : نگاه به گروه های پایه، بر اساس این نکته استوار است که در این دوره سنی، ذهن در حال شکل گیری بوده؛ به طوری که این طرح می تواند برایشان به صورت یک مهارت در آمده و سرانجام در بین آن ها، تبدیل به رفتار اجتماعی شود.این مسئول تصریح کرد : اجرای برنامه های آموزشی نهادینه کردن طرح تفکیک زباله از مبدا، در بین کودکان سنین مهد کودک و مقاطع پیش دبستان و ابتدایی، هزینه نیست بلکه سرمایه گذاری بلندمدتی محسوب می شود که می تواند به نسل های بعدی انتقال یابد.

آغاز طرح تفکیک زباله از مبدا در ساری

مدیر عامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری ساری گفت : طرح تفکیک زباله از مبدا، به صورت منطقه ای و جغرافیائی در شهر شروع شده؛ به طوری که شرکت های طرف قرارداد و کانتکس های مستقر در هر محله و منطقه، مسئول جمع آوری زباله های خشک هر خانواده هستند. گرامیان ضمن تاکید بر همکاری شهروندان ساروی در اجرای درست این طرح؛ افزود : در سایت رسمی شهرداری ساری نیز شهردار؛ با دعوت عمومی از همه شهروندان، خواستار مشارکت بیشتر شهروندان در اجرای این طرح شده است.وی در ادامه خاطر نشان کرد : شهروندان ساروی می توانند از طریق سامانه پیامکی ۰۴۸۲۰۲۱ به

عنوان همیار پسماند، عضو شده و هر گونه نظر و پیشنهاد خود

را در اجرای بهتر این طرح، با این سامانه برایمان ارسال کنند.مدیر عامل سازمان پسماند شهرداری ساری، ضمن اشاره به آموزش بیش از سه هزار دانش آموز ناحیه یک آموزش و پرورش، افزود : هدف ما این است که اجرای این طرح در مدارس دیگر نواحی ساری نیز ادامه یابد تا از این طریق بتوانیم همه شهروندان را به اجرای این طرح ترغیب نماییم. گرامیان؛ با بیان این که سازمان مدیریت پسماند برای اجرای طرح تفکیک زباله به ادارات نیز ورود پیدا کرده است، خواستار مشارکت دانشگاه ها در اجرای این طرح شد.مدیر عامل



سازمان پسماند شهرداری ساری در حاشیه جشن تفکیک زباله از مبدا که به مناسبت روز دانش آموز با حضور همیاران پسماند مدارس آموزش و پرورش ناحیه یک ساری برگزار شده بود، گفت : این جشن گردهمایی دانش آموزانی است که در چگونگی اجرای طرح تفکیک زباله، آموزش دیدند.گرامیان افزود : مدرسی که با ما همکاری داشتند، جلوی درب ورودی آن ها، بنر قدردانی را نصب کردیم، به طوری که برپایی این جشن، ضمن بازخوانی موارد آموزش داده شده، تشکر و قدردانی از دانش آموزانی محسوب شود که در اجرای طرح تفکیک همکاری کردند.

جذب همیاران جدید پسماند

وی در ادامه، با اشاره به این که؛ برپایی این جشن، به خاطر جذب همیاران جدید پسماند است، اظهار داشت : ایجاد انگیزه و بستر سازی برای مدارس دیگر، از دیگر اهداف برپایی این جشن است.مدیر عامل سازمان مدیریت

پسماند شهرداری ساری، با تاکید بر این که اجرای طرح تفکیک زباله، مختص سازمان پسماند یا تشکلی مثل شهرداری نیست، افزود : اگر استانی مانند اصفهان؛ توانسته در اجرای طرح موفق باشد، به خاطر همکاری دستگاه های دیگر در اجرای این طرح است.گرامیان با بیان این که ۱۴ دستگاه؛ بایستی در اجرای طرح تفکیک زباله با شهرداری و پسماند همکاری کنند، خاطر نشان کرد : همکاری برخی از سازمان ها و دستگاه ها با این طرح، جزو وظایف ذاتی آن ها است.وی در ادامه، اداره بهداشت، اداره اصناف، جمعیت هلال احمر، اداره اماکن نیروی انتظامی، اداره محیط زیست و ... را جزو دستگاه هایی برشمرد که در این طرح، به همکاری آن ها نیاز دارد و گفت : در حوزه کارهای زود بازده، اقداماتی که انجام می دهیم، با مشارکت مردم، به دنبال عادت شدن طرح تفکیک زباله هستیم.مدیر عامل سازمان پسماند شهرداری ساری، از اجرای طرح پژوهشی با هدف ارزیابی و نیازسنجی خبر داد و گفت : در این طرح پژوهشی، از مردم می خواهیم؛ نقاط ضعف و قوت طرح تفکیک زباله از مبدا را بیان کرده و پیشنهادات خود را نیز نسبت به مسائل زیست محیطی، با ارائه مقالات و ایجاد اشتیاق، مطرح نمایند.

همزمان با هفته بسیج دانش آموزی و در آستانه ۱۳ آبان و روز دانش آموز، جشن تفکیک زباله از مبدا با حضور بیش از سه هزار دانش آموز از ۱۶ مدرسه ابتدایی آموزش و پرورش ناحیه یک ساری، در سالن اجتماعات جمعیت هلال احمر استان مازندران، از ساعت ۸ نیم صبح تا ۶ عصر در ۴ مرحله و در هر مرحله با حضور دانش آموزان ۴ مدرسه، با حضور مدیر عامل سازمان پسماند شهرداری ساری، شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر ساری و رئیس آموزش و پرورش ناحیه یک برگزار شد.بنا بر این گزارش، در این جشن؛ ضمن بازخوانی موارد آموزشی طرح تفکیک زباله در قالب اجرای برنامه های نمایشی با حضور هنرمندان عرصه کودک و نوجوان مازندرانی و با اجرای «عمورضا» رضا (چوبانی) و بازیگر برنامه طنز «خنده بازار»؛ (بهشاد مختاری) اجرا شد که از محاسن طرح تفکیک برای دانش آموزان حاضر با ایجاد فضای شاد و طنز سخن گفتند.

منبع خبر : خبرگزاری مهر / عکس : خزر نما



شهر سبز رامسر

شهر سبز رامسر؛ به عنوان مجتمع گردشگری نمونه کشوری در سال جاری معرفی شد



کلبه های جنگلی

دهکده جنگلی تله کابین رامسر شامل کلبه های اقامتی زیباست. مشتاقان طبیعت و آنان که مایلند چند صبحی را به دور از هیاهوی شهری، از زیبایی های طبیعت لذا ببرند می توانند از کلبه های جنگلی با امکانات رفاهی کامل در دل طبیعت ایامی شاد با عزیزانشان فراهم آوردند . شما می توانید از اوقات فراغت خود بهترین بهره را برده و خاطراتی بیادماندنی در جنگل های مرتفع دامنه های کوهستان البرز داشته باشید .



تله کابین

خط تله کابین از ایستگاه اول که در سایت شمالی با امکان جابه جایی چهار هزار نفر در روز به ایستگاه دوم در قله زیبا و همیشه سبز ایلمیلی، با دید کامل از دریا، جنگل و شهرهای زیبا و ساحلی خزر را فراهم کرده است. ما امکان سفری لذت بخش را در طول مسیری با دوهزار متر رفت و دو هزار متر برگشت در ارتفاع ۷۰۰ متری از سطح دریا به مدت ۱۵ الی ۲۰ دقیقه تدارک دیده ایم تا خاطره ای سبز را به یادگار برایتان رقم زنیم.

موقعیت جغرافیایی مجتمع رفاهی تفریحی شهر سبز رامسر

مجتمع رفاهی تفریحی شهر سبز رامسر در فاصله ی ۵ کیلومتری غرب رامسر (به سمت رودسر) و ۱۰۳ کیلومتری شهر رشت واقع شده است؛ که در دو سایت شمالی و جنوبی طراحی شده و بوسیله زیر گذر از دو سایت می توان استفاده نمود.

تله کابین رامسر دارای دو ورودی می باشد:

- یک ورودی در شمال که هم استانی های مازندرانی می توانند استفاده نمایند.
- یک ورودی در جنوب جهت مسافرینی که از گیلان به مازندران وارد می شوند.

آدرس دفتر تهران: خیابان مطهری نبش قائم مقام فراهانی پلاک ۱۲۵ واحد یک

آدرس دفتر رامسر: مازندران رامسر کیلومتر ۵ غرب رامسر



روابط عمومی: ۰۱۵-۵۳۶۳۵۱۲-۱۹۲

فاکس: ۰۱۹۲-۵۳۶۳۵۱۱

امور بازرگانی: ۰۹۱۱۱۳۰۹۴۱۷

پذیرش هتل: ۳۰ و ۰۱۹۲-۵۳۶۳۵۱۹

آژانس مسافرتی: ۰۱۹۲-۵۳۶۳۵۶۳

نشانی اینترنتی: telecabinramsar.com

پست الکترونیک info@telecabinramsar.com

پیامک کوتاه: ۳۰۰۰۲۸۱۸